

ضرورت + شخصیت شناسی + سبک زندگی

# و انتظار مهدویت

الشمس للدراسات والبحوث

اطلس / پوستر



# بانتظار

آذربای

استانبولی

عربی

فارسی

انگلیسی



# فهرست

درآمد	سبک زندگی منتظرانه
۱- ضرورت روز آمد سازی باورداشت مهدوی و انتظار زیستی	۱۸- داناتر و دلسورتر از من به من
۲- نظامواره (و سه گام) معرفت	۱۹- مبنای سبک زندگی منتظرانه (ندبه، عهد)
۳- ضرورت انسان شناختی مهدویت	۲۰- سبک زندگی منتظرانه ۱: تربیت منتظرانه
۴- علم و دین و اثبات مهدویت	۲۱- سبک زندگی منتظرانه ۲ : ازدواج مهدوی
۵- زمان، عقیده، زندگی	۲۲- سبک زندگی منتظرانه ۳: نقش های اجتماعی
۶- اتصال پیوسته به آسمان	۲۳- سبک زندگی منتظرانه ۴: شخصیت و نقش اقتصادی
۷- مهدویت در قرآن	۲۴- سبک زندگی منتظرانه ۵: امتداد من
۸- ادعیه و زیارات مهدوی کتاب «مفاتیح الجنان»	۲۵- منشور انتظار
۹- خط پیوسته رهبران آسمانی	۲۶- انتظار گام به گام
۱۰- شخصیت شناسی و کارکردشناسی شجره طیبه و شخصیت خانوادگی	۲۷- خطر تعویض آسیب شناسی
۱۱- القاب امام مهدی	۲۸- راه سخت انتظار
۱۲- برکت ولایت	۲۹- معیار و میزان کشف حق و باطل
۱۳- قلب های جهانی (به وسعت جهانی ترین قلب)	۳۰- نشانه توهم تکلیف
۱۴- کانون نمر دلی و همگرایی قلب های مؤمنانه	۳۱- آمرزش پیامبر نشان
۱۵- مدیریت غیبی و پیوسته	۳۲- پرچمداران عصر غیبت
۱۶- تلاشگر پنهان و پیوسته و خستگی ناپذیر	۳۳- زندگی پس از زندگی
۱۷- لحظه بهاری تشریف	۳۴- شب سرنوشت



کتبمیرا ای اسلوب حیوة الانتظار

## شما به یک زندگی دعوت شده اید : سبک زندگی منتظرانه

### مقدمه

این اثر شامل ۳۴ پوستر مهدوی، دارای نظام و سیر سریالی است تا مخاطب با نگاهی نظاممند و کاربردی، زاویه ای متفاوت به معارف مهدوی داشته باشد. قالب هنری این پوسترها به روش اینفوگرافیک است و هر موضوع را به صورت یک نظامواره و یک هندسه گرافیکی معرفی نموده و مورد تحلیل و آنالیز قرار دهد. رویکرد علمی این پوسترها، تلفیقی از نیازشناسی انسان معاصر با معارف مهدویت است. تا مهدویت با شیوه ای نوین، جذاب و متناسب با معارف و مسائل مورد نیاز روز، عرضه گردد. به ویژه برای کسانی که به علت کثرت اشتغال و یا در اختیار نبودن منابع و یا عدم تسلط علمی بر آنها، دارای آگاهی کافی و روزآمد نسبت به مهدویت نیستند، و یا مهدویت تبدیل به آموزه ای هیجانی و احساسی در باورداشت آنها شده است. این در حالی است که ورود نمر افزار معنوی «مهدویت» به زندگی انسان معاصر ارتقای کمی و کیفی زندگی را به همراه خواهد داشت تا مدلی جدید از سبک زندگی را با نام «سبک زندگی مهدوی» و یا «سبک زندگی منتظرانه» رقم زند. سبک زندگی ای که رفتارها و مناسبات متفاوتی را در حیات اجتماعی انسان ها وارد ساخته و امیدی پیوسته و نشاط همیشگی را به زندگی آنها تزریق نماید و بالاترین درجه انسانیت و انسان دوستی را برای آنان به ارمغان بیاورد. بنابراین این مجموعه، روایتی متفاوت در قالبی جدید از مهدویت است که، کمتر مورد استفاده قرار گرفته است تا مواجهه ای نو از مهدویت را برای مخاطب ایجاد کند.

### روش استفاده:

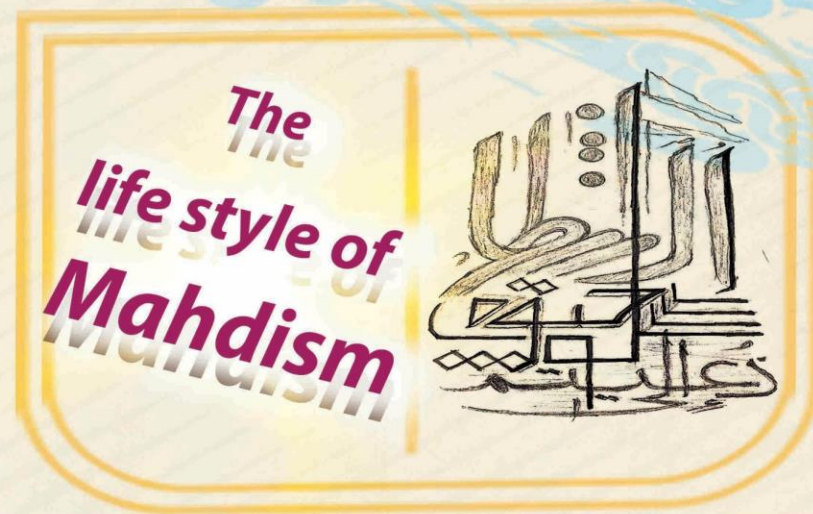
این مجموعه پوستر ضمن امکان انتشار در فضای مجازی به صورت مستقل و مجموعه ای، به علت سیر محتوایی سریالی، امکان چاپ کاغذ و یا بنر رنگی در سایز نشریه ای و سایزهای بزرگ را دارد تا بر اساس آن یک نمایشگاه ساده و آسان برگزار گردد. و با همراه سازی روایت گری توسط طلاب و یا دانشجویان می توان بر اثر گذاری نمایشگاه افزود. این مجموعه به علت تلفیق مباحث معرفتی با آسیب شناسی و بحث سبک زندگی، ظرفیت استفاده گسترده تر در مناسبت های مهدوی را دارد.

### منبع شناخت:

این مجموعه مستند است به گزیده ای از «ادعیه و زیارات مهدوی» در فرهنگ شیعه از منظر عقل و علم، که با کمک نگرش تفسیری و توسعه ای آیات و روایات، تقویت و غنی سازی گردیده است.

# Index

Introduction	The life style of Mahdism Expectancy
1- Necessity of updating Mahdism belief and Mahdism Expectancy living	18- More knowledgeable than me of myself
2- Systematic (and three steps) cognition	19- Basis of the Mahdism Expectancy life style
Fundamentals and proofs	20- The lifestyle of Mahdism Expectancy : 1- upbringing of Mahdism Expectancy
3- Anthropological Necessity of Mahdism	21- The lifestyle of Mahdism Expectancy: 2- Mahdism Marriage
4- Knowledge and religion and affirmation of Mahdism	22- The lifestyle of Mahdism Expectancy: 3- social roles
5- Time, belief, living	23- The lifestyle of Mahdism Expectancy : 4- character and economic role
6- Constant link with heaven	24- The lifestyle of Mahdism Expectancy: 5- The Extension of "Me"
7- Mahdism in the Holy Quran	25- Charter of Mahdism Expectancy
8- Mahdism "Messianic" Supplications and Ziyarahs in the book "Mafatih al Jinan"	26- Step by Step Mahdism Expectancy
9- uninterrupted line of Divine leaders	27- Danger of Replacement <b>Pathology</b>
Personality and functionalism	28- The difficult path of Mahdism Expectancy
10- pure lineage and family character	29- Criteria and yardstick of discovering truth and falsehood
11- Imam Mahdi's Monikers Personality and functionalism	30- Sign of the fantasy of duty
12- Blessing of "Vilayat" religious guardianship	31- Prophet-like amnesty <b>Achievement</b>
13- Universal hearts (to the extent of the most universal heart)	32- Flagbearers of the Era of Occultation
14- Center of tenderness and unity of the pious hearts	33- Life after life
15- Occulted and constant management	34- The Night of Destiny
16- Hidden, constant and indefatigable Seeker	
17- The revitalizing moment of being honored	



دعيتكم الى أسلوب الحياة المتناظر



You are invited to a life : a waiting life

## Introduction

This work consists of 34 Mahdism (Messiahism) posters. These 34 posters are organized serially in order to have a systematic and applied perspective of Mahdism (Messiahship) and to look at its doctrines from a different angle. The artistic mold of these posters are in the infographic method form so that it has present and analyzed each subject systematically and in the form of graphic geometry. The systematic approach of these posters too, is a blending of assessment of contemporary man's needs with doctrines of contemporary Mahdism. Thus Mahdism is presented to them in a novel and attractive style matching the doctrines and issues needed by them in particular those who due to multiple preoccupations or unavailability of sources or lack of theoretical command over them do not have sufficient and handy knowledge of Mahdism or that Mahdism has been transformed into a passionate and emotional doctrine of their dogma. However, the entry of the spiritual software of Mahdism into modern man's living shall bring about qualitative and quantitative improvement in living so that it shall create a new lifestyle called "the Mahdism Lifestyle" or "the Mahdism Expectancy Lifestyle". It is a lifestyle that brings about distinctive behaviors and interactions in social life of human beings and injects constant hope and cheerfulness into their lives as well as lead to the highest degree of humanity and humanitarianism. Therefore, this collection is a distinctive narration of Mahdism in a mold that has seldom been used so that it creates a new image of Mahdism for us.

### Method of Use:

These posters while capable of being published in cyberspace independently and collectively, due to serial content possibility can be printed in color on paper or banner from the book size to large sizes so that based on it a simple and easy exhibition can be organized. Accompaniment of narration by the clergymen or students can add to the exhibition's effectiveness. Due to its blending of cognitive topics with pathology and discussion of style of living, this collection has the capacity to use Messianic "Mahdism" topics more extensively.

### Source of knowledge:

This collection is supported with selections from "Supplications and Ziyarahs of Mahdism" in Shiah culture which has been strengthened and enriched from the viewpoint of intellect and knowledge with the help of exegetic and expansive approach of verses of the holy Quran and transmitted narrations.



## تَجِيئُهُ إِلَى أَسْلُوبِ حَيَاةِ الْإِنْتِظَارِ

### مقدمة

يتضمن هذا العمل ٣٤ ملصق مهدوي. تحتوي هذه الملصقات الثلاثين على نظام وتدقق تسلسلي لإلقاء نظرة منهجية وعملية على تعاليم مهدوي من زوايا مختلفة. الشكل الفني لهذه الملصقات هو عرض في شكل رسوم اينفوجرافيك لتقديم و تحليل كل موضوع في شكل نظام وهندسة رسومية. و النهج العلمي لهذه الملصقات هو الجمع بين الاحتياجات الناس اليوم و الانسان المعاصر مع تعاليم مهدوي. بحيث يتم تقديم المهدوية بطريقة جديدة وجذابة و حسب المعرفة و القضايا التي يحتاجونها. خصوصا لمن ليس لديه معرفة كافية وحديثة بالمهدوية بسبب العمل المزحمر أو قلة فرص الدراسة أو نقس التعليم. أو أصبحت المهدوية عقيدة عاطفية في معتقداتهم. في الوقت نفسه ، يؤدي إدخال البرنامج الروحي "للمهدوية" في الحياة البشرية إلى تحسين نوعية و كمية الحياة و يخلق نمودجاً جديداً للحياة ، يسمى "أسلوب حياة المهدوي" أو "نمط حياة الانتظار". أسلوب حياة يقدم سلوكيات وعلاقات مختلفة في الحياة الاجتماعية للانسان. وتضخ الأمل المستمر والحيوية الأبدية في حياتهم وتجلب لهم أعلى مستوى من الإنسانية والعمل الخيري. لذلك ، فإن هذه المجموعة هي سرد مختلف للمهدوية بتنسيق أقل استخداماً، لخلق لقاء جديد للمهدوية بالنسبة لنا.

### المصادر:

هذه المجموعة عبارة عن مقتطفات من "الأدعية و الزيارات المهدوية" ، المعرزة بالآيات و الروايات و المحتوى الفكري و العمل.

### تعليمات:

يمكن نشر هذه الملصقات في الفضاء الافتراضي بشكل مستقل أو وفقاً للمحتوى التسلسلي بشكل مجموعة، فمن الممكن طباعة ورق ملون أو لافتات ملونة بحجم المنشور إلى أحجام كبيرة للحصول على معرض بسيط و سهل. و يمكن أن يؤدي مرافقة السرد من قبل طلاب الحوزة أو الجامعة إلى زيادة تأثير المعرض. و نظراً للجمع بين الموضوعات المعرفية و مناقشة الشبهات و نمط الحياة في هذه المجموعة، يمكن استخدام هذه المجموعة و المعرض، في المناسبات المهدوية و غيرها، على نطاق واسع.

البدية	ضرورة التحديث في المهدوية و الانتظار	1-	18-	اسلوب الحياة المهدوية أكثر الأشخاص إلى، معرفة و محبة
	نظام المعرفة	2-	19-	أساس اسلوب الانتظار «الندبة + العهد»
الأساسيات و أدلة ضرورة المهدوية من منظار معرفة الانسان (أثروبولوجية)		3-	20-	اسلوب حياة الانتظار ١: التربية المهدوية
العلم و الدين، و اصالة المهدوية		4-	21-	اسلوب حياة الانتظار ٢: الزواج المهدوي
الوقت، الرأي، الحياة		5-	22-	اسلوب حياة الانتظار ٣: الأدوار الاجتماعية
الاتصال المساوي المستمر		6-	23-	اسلوب حياة الانتظار ٤: الشخصية الاقتصادية
القرآن و المهدوية		7-	24-	اسلوب حياة الانتظار ٥ : امتدادى في ذريتي
الادعية و الزيارات المهدوية في كتاب «مفاتيح الجنان»		8-	25-	ميثاق الانتظار
الخطة المستمرة للقيادة السماوية		9-	26-	الإنتظار الإيجابي خطوة بخطوة
الشخصية و المهمة الشجرية الطبية و الشخصية العائلية		10-	27-	خطر الإستبدال
ألقاب الأمام المهدى		11-	28-	طريق الأنتظار، الصعب
بركات الولاية		12-	29-	مقياس لكشف الحقيقة و الباطل
قلوب عالمية (و إلى العولمة ، مثل أكبر القلب، عالمياً)		13-	30-	العلامة، التوهم، الوظيفة
محورية الشفقة و تأليف قلوب المؤمنة		14-	31-	أكثر الأشخاص إلى في العالم، معرفة و رعاية
إمام إدارة و قيادة غيبية و مستمرة		15-	32-	اولياء الدين في عصر الغيبة
الجحجاج المجاهد (جهدٌ خفىٌ مستمر)		16-	33-	الحياة بعد الحياة
لحظات ريعية (الشرف)		17-	34-	ليلة القدر و التقدير

### الإنجاز

اللّٰهُ

ضرورت بروزسانی انتظار



هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي

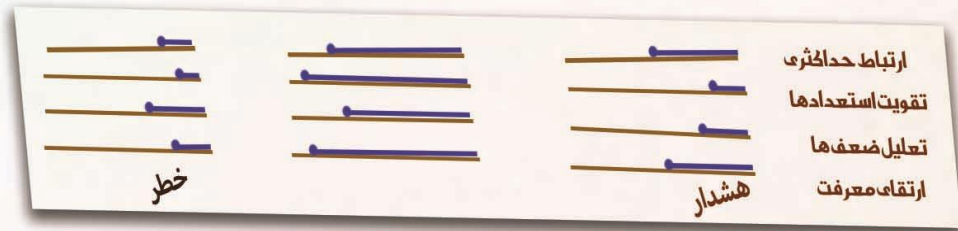


ضرورت روزآمدسازی  
انتظار  
زمان شناسی  
نیاز شناسی  
دشمن شناسی  
آسیب شناسی

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَيْبَةِ وَالنَّيْبَةِ وَالنَّوْصَةِ وَالرَّيْبَةِ وَالْجَبْرِ وَالْمُنْجَبِ وَالْجَبْرِ وَالْمُنْجَبِ



- امام شناسی
- امام باوری
- امام زیستی
- امام یوری



معیار و میزان انتظار



# Necessity of Updating

# ضرورة تحديث الانتظار



دنیای امروز دنیای سرعت است به گونه ای که نه تنها وسائل و ابزارها دائم در حال نو شدن و ارتقا یافتن است، همچنان که نرم افزارهای مختلف کامپیوتری و رسانه ای هم پیوسته در حال ارتقا می باشد. برنامه های خرد و کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه ای هم پیوسته در حال رشد و روزآمد سازی است. پس در این دنیای سرعت و روزآمد لحظه ای؛ باید به روزآمدسازی دینی و معارفی هم توجه داشت. به ویژه در زمینه مهدویت که رکن تشیع است و چشم و چراغ آن می باشد. البته باید دانست که مبانی و اصول دین و آموزه های آن ثابت است، ولی چگونگی بیان و ارائه تفسیرها و گفتمان ها از دین و یا دفع شبهات و ... نیاز به دانش و بیان روزآمد دارد. بدین جهت است که در فرهنگ دینی و حتی در ادعیه شیعی/مهدوی به دو اصل توصیه شده ایم: یک رسیدن به درکی جامع از هندسه دین یا هندسه مهدویت و انتظار؛ و دوم روزآمد سازی برداشت ها، بیان ها و گفتمان ها جهت بهترین ارائه؛ که اگر این دو امر در مهدویت رخ دهد، سلامت و پویایی آن حفظ خواهد شد؛ و گرنه آسیب ها و انحرافات در آن رخ داده و زمینه ها برای لغزش و ریزش و .. فراهم خواهد شد.

عالم الیوم هو عالم السرعة، بحيث لا يتم تحديث الأجهزة والأدوات باستمرار فحسب، بل يتم أيضاً تحديث برامج الكمبيوتر والوسائط المختلفة باستمرار. بل إن البرامج السياسية والاجتماعية والاقتصادية والثقافية والإعلامية الجزئية والكلية يجري تحديثهن باستمرار. في هذا العالم من السرعة والتحديثات الضورية؛ و بنفس الطريقة التي يجب الاهتمام بها للتحديث الديني والتعليمي، يجب تحديث المهدوية أيضاً خاصة لأنها ركن في التشيع. بالطبع، يجب أن نعلم أن الأسس والمبادئ للدين وتعاليمه ثابتة و متينة، لكن كيفية التفسير و تقديم الخطاب أو رد الشكوك، و ما الى ذلك، تتطلب معرفة حديثة. لهذا السبب أمرنا بمبدئين في الثقافة الدينية و حتى في الأدعية الشيعية / المهدوية، و هما: الاول: الوصول إلى فهم شامل لهندسة الدين أو هندسة المهدوية و الأنتظار؛ ثانياً، تحديث التصورات والتعبيرات والخطابات لأفضل عروض تقديمية. إذا حدث هذان الأمران في المهدوية، فسيتم الحفاظ على صحتها وحيويتها. و ألا فسيحدث التحريف و الانحراف فيها، أو سيتم توفير أسباب الإنزلاق والسقوط.

Greatness of human being is not in his stature, largeness of his house and abundance of wealth; rather, it is in the largeness of his heart. This is because human identity is in the heart as otherwise the humanity of man does not increase with his apparent abundance of possessions or in having lots of physical strength or powerful memory and knowledge. Thus for development of humanity the heart should be taken into consideration and for this it should be grafted with the largest heart – a heart whose span of existence is the entire humanity. The Perfect Infallible Man due to his physical perfection and spiritual excellence possesses the supreme and most transcendental heart. For this reason, the heart which is the Throne of the Compassionate or is the heart which is the entry point of spiritual emanations or is the heart which is the center of visitation of heavenly angels is his heart. Thus this heart is a heart which spans the entire humanity and is a heart that beats with the anxiety of all human beings. It is for this reason that even the “Lailat al Qadr” (the Night of Destiny) occurs with the “descent of angels and the Holy Spirit” on him and his universal heart. In this case, a heart that links up with the heart of the Perfect Human Being gains a unique spiritual experience so that it becomes ample and universal like the heart of the Guardian of the Time and becomes the symbol of compassion and humanity. It is at this stage that the spacious heart achieves the capacity to accept and endure the highest, toughest and biggest responsibilities and can be favored with success, companionship and assistance of His Holiness. Therefore, according to numerous pieces of the Mahdism Supplication, having a heart that joins with the heart of the Guardian of the Time and gains existential amplitude has been emphasized so that ultimately the awaiting human being reaches to this historical status of earning the favor of receiving the heavy responsibilities of succor and assistance of the Imam of the Time and rather be the frontrunner in the competition of succor. This is because the prerequisite of speed and moving ahead in companionship of the Absent Imam is to have a large heart and vast human capacity just like the Absent Imam.

اللَّهُمَّ  
مَا عَرَفْتَنَا مِنْ  
الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ،  
وَمَا  
قَصْرُنَا عَنْهُ  
فَبَلِّغْنَاهُ ...

دعای افتتاح





«دعای عصر غیبت»



# Systematization (three steps) of Cognition

## الرسالة و نظام المعرفة



دين های آسمانی بر توحید استوار هستند که هدف نهایی دین، رساندن بشریت به عبادت توحیدی و توحید در عبادت است. البته فهم عمیق توحید و دانستن روش عبادت، به فهم یا ذوق بشر نمی باشد. چرا که توحید امری متعالی و غیبی است و عقل بشر را به حقیقت و کنه غیب راهی نیست. در این صورت فهم توحید و کشف راه عبودیت خداوند، باید با کمک آسمان و انسان های آسمانی باشد؛ پس انسان آسمانی دو رسالت بزرگ دارد: مرحله اول گرفتن رسالت دین و برنامه عبادت توحیدی را است و در مرحله بعد وظیفه اش راهبری دینداران و سپس بشریت به سمت مدینه فاضله توحیدی محلی و منطقه ای و در نهایت جهانی است. پس انسان آسمانی رسالتش تنها واسطه در انتقال دین از آسمان به زمین نیست تا پس از کمال دین، خاتمیت به معنی نیازی بشر از آسمان باشد، بلکه خاتمیت به معنی کمال دین است؛ ولی همین دین کامل و خاتم، برای فهم اجزا و جهانی شدن، همچنان نیاز به راهبر آسمانی دارد. بدینگونه که ضرورت امامت، و بلکه پیوستگی امامت تا مهدویت، اثبات می گردد. بنابراین انسان ها همیشه برای هدایت و نجات، نیازمند سه گانه توحید، نبوت و امامت هستند، و تلاش برای رسیدن به بالاترین مرتبه معرفت/عمل در این سه گانه، باید از دغدغه های مهم دینداران باشد. تا خطر سقوط و گمراهی در میانه راه دینداران نجات یابند.

يقوم الدين على التوحيد. والهدف من التدين هو العبادة التوحيدية والتوحيد في العبادة. لكن فهم عمق التوحيد ومعرفة طريقة العبادة ليسا في نطاق معرفة البشر و ذوقه. لأن التوحيد من الغيب و لا مجال لاختراق العقل البشري فيه. لذلك، يجب أن يكون فهم التوحيد وطريقة عبادة الله بمساعدة السماء و الرسل السماويين. فلرسل مهمتان عظيمتان: في المرحلة الأولى تأخذون برنامج العبادة التوحيدية، و بعد ذلك تقودون تدفق الفهم الديني و سلوك العبادي من المؤمنین حتى مرحلة انتشار الدين في العالم البشري. لذلك، فإن رسالت الإنسان السماوي ليست الوسيط الوحيد في نقل هندسة الدين و نظام العبادة، حتى تكون الخاتمية بمعنى كفاية الوساطة السماوية، بل بمعنى كفاية الدين و كماله، و لكن تنفيذ الدين و تعميمه و توسيع العبودية و العبادة التوحيدية على نحو ستجلب الناس إلى العدالة و يوطبوا العالمية، تستمران الحاجة إلى القيادة السماوية في صورة الحجّة و الإمام. و إلا فإن الخاتمية، بغض النظر عن القيادة السماوية، ستقود المؤمنین إلى هاوية التفرقة و الانحراف. و كليهما ضلال، بل لأنه مبنی على الجهل المقدس، يكون أشد من ضلال الكفار. لذلك، فقد تم التحذير منه في كثير من الروايات و الأدعية. و لذلك، دائره المعرفة الدينية تدور حول ثلوث التوحيد و النبوة و الإمامة، لتكمل هندستها الشاملة و توصلنا إلى النجاة.

"Tawheed" - monotheism - is the basis of faithfulness. The objective of faithfulness is both monotheistic worship and monotheism in worship. however, understanding the depth of monotheism "tawheed" and knowing the method of worship is not tied to mankind's understanding or taste because "Tawheed" monotheism is a transcendental and occult affair and man's intellect does not have any access to the depth and essence of the invisible world. In this case, understanding of monotheism "Tawheed" and discovering the path of sincere servitude of God must be with the help of Divinity and Divine human beings and from this aspect, the divine human being has two great missions. He has the program of monotheistic worship in the first stage of taking on the mission and thereafter, his duty is leadership and guidance of the process of religious cognition and worship to the stage of its promotion throughout the world of humanity and realization of the ideal monotheistic state all across the world. Thus the mission of the divine human being is not simply to be an agent of transfer of the geometry of religion and system of worship so that after perfection of religion finality of prophetic mission should also imply mankind's absolute self-sufficiency of Divinity. Rather, finality of prophetic mission implies sufficiency and perfection of religion. However, this same perfect and final religion still needs divine guide for its understanding, implementation and globalization in order to lead human beings to justice and the ideal universal state. After the seal of the prophetic mission, the divine human being is called "Imam". The Imam is the proof for mankind so that pious human beings with the idea of independence in religiosity and religious living are not captivated by holy ignorance and do not fall into the abyss of misguidance - a misguidance which because it arises from holy ignorance shall be worse than deviation of the irreligious. Thus frequent warnings have been given in relation to it so that it became known after finality of the prophetic mission like the period prior to it, that religion needs a divine guide in order to be the path of salvation over the three monotheism, prophecy and Imamology as well as religious cognition find its comprehensive geometry with which guidance occurs and salvation from misguidance is assured.

دعای که توسط عثمان بن سعید اولین نائب امام زمان ع در دوران غیبت صغری به ما رسیده است تا دوران غیبت با انس گرفتن با این دعا، از آسیب های این دوران در امان باشیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ  
لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفَكَ وَ  
لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي  
رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي  
رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛  
اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ  
لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّتْ  
عَنْ دِينِي.....

اللَّهُمَّ لَا تَمْنِنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَ  
لَا تَزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي.....

«دعای عصر غیبت»



الله

اتصال آسمانی

بالاترین استغفار  
بالاترین عبودیت  
بالاترین معصومیت

نورانیت  
ولایت  
برکت  
واسطه فیض

أفضلیت  
% ۱۰۰

عصمت  
% ۱۰۰

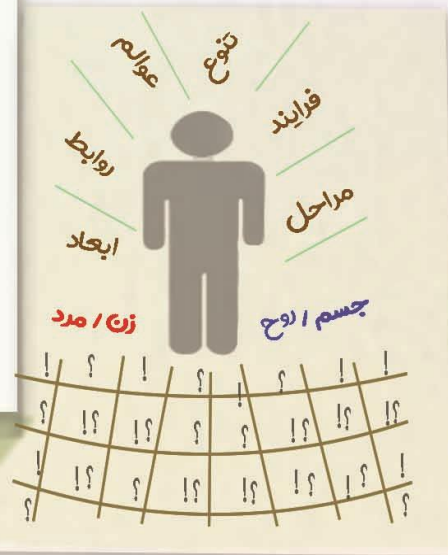
وسعت کارکردی  
انسان کامل در  
کمال بخشی و  
تعالی انسانها

عدم کفایت  
انسان کامل تاریخی



ضرورت عقلی  
تداوم انسان کامل

ضرورت دینی  
تداوم انسان کامل



انسان کمال جو و گستره وسیع نیازها و مسائل

مَنْ مَاتَ  
وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ ...

# Necessity of Mahdism (Messiahship) from the Anthropological Perspective

## ضرورة المهدوية منظار معرفة الإنسان (أنثروبولوجية)

٣

انسان شگفت ترین موجود عالم هستی است. وجود او منحصر به جسم ظاهر نمی باشد. همانگونه که زندگی او، منحصر به دنیا نیست. جهان پیرامونی او هم تنها عالم فیزیک و ماده نبوده است و گرنه امروزه همه دانش ها و تکنولوژی های ناظر به نور، اشعه و امواج اختراع نمی شد. البته دانش نور، اشعه و طول امواج همگی تابعی از عالم ماده است ولی خود نشانی برای عالم غیب محض می باشد که نشانی بر پیچیدگی وجود انسانی که نیمی از وجودش غیبی و نامرئی می باشد است. پس آدمی موجودی وسیع، پیچیده، مستمر و با استعدادهای بیکران و تودرتو است. در فرایند تولد و رشد تدریجی، بیشتر این استعدادها و توانمندی ها در مرحله قوه و استعداد است و نیازمند نقشه راه برای شکوفایی می باشد، که به علت همان پیچیدگی ها، نقشه راه انسان هم، باید انسانی باشد. البته انسانی که فعلیت یافته در همه آن مسائل، نیازها و ظرفیت ها، که بیشترین آگاهی، توانمندی، ارتباط و امکان تصرف ظاهری و باطنی را داشته باشد؛ این چنین انسانی راء انسان کامل یا انسان معصوم و یا امام می نامند. تا زمانی که انسان های کمال طلب نیازمند خودشناسی و راه شناسی، وجود دارند، انسان های راهنما هم باید وجود داشته باشند آن هم به صورت پیوسته موجود و مستمر باشند (یعنی وجود تاریخی آنها کفایت نمی کند). ضمن این که برنامه چشم انداز این انسان های معصوم، باید رساندن تک تک افراد به انسانی کمال جو، کمال طلب و همچنین جامعه انسان های کمال طلب، به سوی مدینه فاضله نهایی باشد؛ و این ضرورت انسان شناختی، یعنی همان مهدویت با تفسیر و قرأت شیعی است.

الإنسان هو أروع كائن في الكون ولا يقتصر وجوده في هذا الجسد الخارجي. كما أن حياته لا يقتصر بهذا العالم فكذلك العالم المحيط به ليس عالم الفيزياء والمادة فحسب وإنما تم اختراع كل المعارف والتقنيات المتعلقة بالضوء والأشعة والأمواج اليوم. بطبيعة الحال، فإن معرفة الضوء والأشعة والأطوال الموجية كلها من وظائف العالم المادي، لكنها علامة على العالم غير المرئي. وعلامة على تعقيد الوجود البشري، الذي نصفها غير مرئي. فالإنسان كائن وسيع ومعقد ومستمر مع مواهب غير محصورة ومتداخلة. وفي عملية الولادة والنمو التدريجي، تكون غالبية هذه القابليات والقدرات في مرحلة القوة والمواهب تحتاج خارطة طريق للإزدهار. من أجل نفس التعقيدات، يجب أن يكون خارطة المسير الإنساني، إنسانياً. طبعاً الإنسان الفعال في جميع القضايا والاحتياجات والقدرات، ولديه أكبر قدر من الوعي والقدرة والتواصل وإمكانية التصرف خارجياً وداخلياً. ويطلق على مثل هذا الشخص الإنسان الكامل أو المعصوم أو الإمام. وطلما هناك أناسا باحثون عن الكمال ومحتاجون إلى معرفة الذات والمسلك يجب أن يكون هناك الإنسان المرشد المثالي وذلك على نحو الاستمرار والاتصال (أي لا يكفي حضوره التاريخي). بالإضافة إلى ذلك يجب أن يكون مخطط هؤلاء المعصومين هو إيصال أحاد الناس الكمالين وكذلك مجتمع الناس الطالبيين للكمال. نحو المدينة الفاضلة النهائية. وهذه الضرورة لمعرفة الإنسان هي نفس المهدوية بتفسير وقراءة شيعية.

The human being is the most amazing creature of the world of existence. His existence is not confined to physical body just as his living is also not confined to this world. The universe around him too is not just world of physics and matter as otherwise nowadays so much knowledge and technologies concerning light, radiation, wavelengths would not have been invented. Of course the science of light, radiation and wavelengths are all subject to the world of matter but is itself a sign for the absolute invisible world. moreover it is a sign of the complexity of human existence half of which is hidden and invisible. Thus, the human being is an extensive, expansive, complex and perpetual existence with endless and involute potentials. In the process of birth and steady growth most of these talents and capabilities are at the faculty and potential stage and require a roadmap in order to flourish. Because of those very complexities, the human beings roadmap must be human as well – of course, a human being actualized in all those matters, needs and capacities who has the most knowledge, capability, communication and possibility of exoteric and esoteric personal initiative. Ssuch a person is called the perfect man or the infallible “masoum” human being. Until the time that perfection seeking human beings need self knowledge and guidance of the path, human guides must also exist and that too a continual and perpetu existence (meaning their existence in history does not suffice). Meanwhile, the program of these infallible human beings must be to reach each and every perfection-seeking and perfection-demanding individuals and likewise, society of perfection-demanding human beings towards the ultimate ideal state. This anthropological necessity is the same Mahdism (Messiahship) with Shiite interpretation and rendering.

... بِنَفْسِي أَنْتَ أُمِّيَّةٌ شَاقِقٌ يَتَمَنَّى  
مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنًا،  
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَيْسَامِي  
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَيْجَارِي  
، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تَلَادٍ نَعِمٍ  
لَاتُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ  
شَرَفٍ لَيْسَاوِي، إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ  
يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى؟ وَأَيُّ خُطَابٍ  
أَصِفُ فَيْكَ وَأَيُّ نَجْوَى؟ عَزِيزُ عَلَيَّ  
أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي، عَزِيزُ عَلَيَّ  
أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزُ  
عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا  
جَرَى، .....

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى  
وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَبَنِيِّكَ، خَلَقْتَهُ  
لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا  
وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا  
إِمَامًا، فَبَلَّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا  
وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا ...

(دعاء الندبة)



جَعَدُوا بِهَا وَاسَيَفْتَهَا أَنْفُسُهُمْ

شبهه

علم غیب  
ولایت تکوینی  
اصول اسمانی  
عمر طولانی  
غیبت

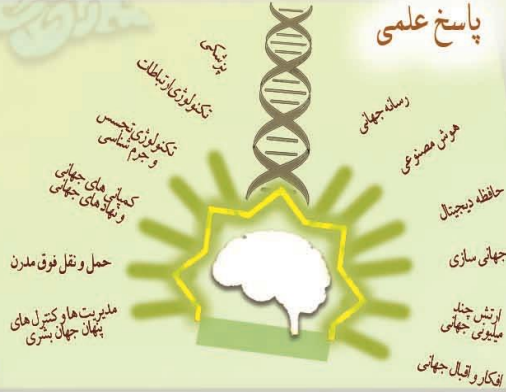
؟!؟!؟!؟!

مهدویت غیر علمی است

اما سلفیت  
منطقی است.

ترتیبها  
تنبهات  
انکارها

پاسخ علمی



حکومت نهانی  
پوشش

ولادت مخفانه و  
رشد سریع ابراهیم

معجزات موسی

وحشت از تولد و  
ظهور مانند موسی

خلافت بر  
زمین ادم

مدیریت  
غیبی خضر

علم غیب  
عیسی

پیروزی با امداد فرشتگان  
مانند پیامبر

عمر نوح

ولایت تکوینی  
سلیمان

غیبت موسی  
و یونس

پاسخ دینی

وَيَكُونُ يَقِينًا فِي ذَلِكَ  
كَيَقِينًا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ  
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

## Science and Religion and Affirmation of Mahdism (Messiahship):

## العلم والدين وإثبات المهدوية

٤

نجات باوری یکی از آموزه های مشترک ادیان ابراهیمی می باشد. این آموزه در اسلام در قالب مهدویت تجلی یافته است. چرا که طبق احادیث مشترک شیعه و سنی، روایات متواتری از پیامبر اسلام در طول رسالت 10 ساله مدینه درباره مهدویت وجود دارد که آخرین مورد آن در غدیر خم بوده. ولی تحولات پس از رحلت پیامبر(ص)، منجر به حاشیه رفتن بسیاری از روایات از جمله روایات مهدویت شده. ظلم و فشار خلافت های اموی و عباسی هم در نهایت منجر به رویداد غیبت امام دوازدهم گردید؛ و همه این موارد، فرصتی پیش روی علمای غیر شیعه قرار داد تا اصل مهدویت را با شعار سلفیت به حاشیه و انزوا ببرند و هم مهدویت شیعی را با نگاه عرفی، حداقلی و غیر دینی مورد هجمه تاریخی قرار دهند و در آن شبهات متعدد وارد سازند. این در حالی است که چگونگی و کیفیت مهدویت شیعی، نه تنها امکان عقلی دارد، بلکه دارای شواهد و نظائر قرآنی است؛ همانگونه که در کتابی مانند کمال الدین شیخ صدوق بدان پرداخته شده است. همچنین که پیشرفت های علمی در جهان معاصر، کمک فراوان به باور داشتن مهدویت در موضوعات مختلف آن (مانند شخصیت امام، غیبت او، کیفیت دوران ظهور و...) دارد. بدین جهت تکرار آن شبهات دیگر نشانی جز تعصب ندارد.

عقیده الخلاص هي إحدى التعاليم المشتركة للأديان الإبراهيمية. وقد تجلّى هذه العقيدة في الإسلام في إطار المهدوية. لأنه وفقاً للأحاديث المشتركة بين الشيعة والسنة، هنا كروايات متواترة عن نبي الإسلام صل الله عليه وآله خلال رسالته التي استمرت ١٠ سنوات في المدينة المنورة حول المهدوية، و صدر تأخرها في غدیر خم. لكن التطورات التي حدثت بعد وفاة الرسول صل الله عليه وآله أدت إلى تهميش العديد من الروايات، بما فيها من روايات المهدوية. أدى الاضطهاد والضعف من الحكام الأمويين والعباسيين أخيراً إلى غياب الإمام الثاني عشر. و كل هذا أعطى فرصة للعلماء غير الشيعة لتهميش و عزل مبدأ المهدوية بشعار السلفية. و استهداف المهدوية الشيعية لهجوم تاريخي من رؤية تقليدية و غير دينية و بحد ادنى. و وضعت عليه شكوكاً كثيرة هذا على الرغم حقيقة، كيفية و نوعية المهدوية الشيعية ليست ممكنة عقلياً فحسب، بل لها أيضاً شواهد و قياسات قرآنية، كما نوقش في كتاب مثل كمال الدین الشیخ صدوق. هذا على الرغم أن التطورات العلمية في العالم المعاصر تساعد بشكل كبير على الإيمان بالمهدوية في مواضعها المختلفة (مثل شخصية الإمام و غيابه، أو كيفية فترة الظهور، أو...). لذلك، فإن تكرار هذه الشكوك ليس إلا تحيزاً.

"Belief in salvation" is one of the universal doctrines of Abrahamic religions. In Islam this doctrine has been manifested in "Mahdism" (Messiahship). "Mahdism" derived from common and frequent both Shiah and Sunni "Ahadith" narrated traditions from the Messenger of Islam in the course of his prophetic mission, the last instance of which was in Ghadeer Khom. However changes following the demis of the Holy Messenger of Islam led to marginalization of many of his narrated traditions including the Mahdism Narrative. The suppression and oppression by the Ummayyad and Abbasid caliphs also finally led to occultation of the Twelfth Imam. All of these offered an opportunity for non-Shiah scholars to marginalize and isolate the essence of Mahdism (religious futurism) with the slogan of principality of Salafism. According to it Shiite Mahdism (Messiahship) was presented as being irrational and rather, irreligious and numerous doubts were cast on it!! This viewpoint is flawed and wrong from three aspects because the principle of Mahdism (futurism, justice, spiritual and human universalization) is based on innate human nature. The approach and characteristic of Shiite Mahdism too not only has rational possibility rather, scientific progress in the modern world has also answered many of the misgivings attributed to it. Moreover, it has made credible various subjects of Mahdism (Messiahship) such as "Divine character of the Imam, His Occultation, the characteristic feature of his management or the modality of the period of Appearance or etc...". Moreover, in tales of the prophets in the Holy Quran and another part of Quranic techings there are numerous and abundant evidences and opinions for Shiite Mahdism teachings in order to make intra-religious beliefs based on the Holy Quran feasible for all Islamic sects. Shaiykh Sadouq's book "Kamaluddin" at the beginning of the Greater Occultation has been written on the recommendation of Imam-e-Zaman (May Allah expedite his blessed Rapppearance) also on the basis of this approach. therefore, repetititon of doubts on Mahdism is not except a sign of ignorant bigotry.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ  
لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ  
انْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تَنْسَا  
ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ، وَالْإِيمَانَ بِهِ،  
وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ،  
وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ،  
حَتَّى لَا يَقْضِيَنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ  
مِنْ قِيَامِهِ،  
وَيَكُونَ يَقِينًا فِي ذَلِكَ  
كَيَقِينًا فِي قِيَامِ  
رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ  
وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، فَقُوَّةُ  
قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ  
بِهِ، ...

«دعای عصر غیبت»



آینده روشن  
 آینده مبهم  
 بدون آینده  
 آینده مانند گذشته



گذشته آسمانی  
 گذشته گناه محور  
 بدون گذشته  
 گذشته متناهی

تشنه؟ همدونیسیم؟  
 سبجیت؟ بورد؟  
 سولاریسیم؟ بوریسم؟

فَقَدْ نَبَّيْنَا  
 وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا





زمان از ارکان زندگی آدمی می باشد که ناظر به لحظه جاری، شامل سه زمان «گذشته، حال، آینده» است. مواجهه با زمان یکی از راه های کشف حق و باطل در بین ادیان و مذاهب می باشد. صراط مستقیم: مکتبی است که «گذشته را آسمانی و متعالی»، «آینده را روشن» و زمان حال را مسئولیتی ویژه در بین گذشته عبرت آموز و آینده چشم انداز ببیند؛ بدین جهت نگاه منفی و انکاری به گذشته یا گذشته گرایی افراطی (سلفیت) ناصواب است. همچنین شعار دادن از لحظه گرایی و انکار آینده تا آدمی از تکلیف رهایی یابد و یا آینده گرایی توهمی مبتنی بر یافته های علمی بدون تعهد انسانی و ساحت های ماورائی است پس جامعیت مکتب تشیع در مسئله زمان، نشان از حقانیت و اصالت آن دارد. دیدگاهی که گذشته را مقدس و آینده را روشن می نگرد تا زمان حال همیشه در بلندای امید و انتظار، همراه با بیشترین سعی و تلاش باشد؛ و مهدویت شیعی، همین نگاه جامع به سه گانه زمان، با تاکید بر آینده است.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ كُنُوزَهُ  
فَقَدْ نَبِينَا وَ عَيْبَةَ  
إِمَامِنَا (وَلِيِّنَا)

وَالْحَاضِرُ، وَالْمُسْتَقْبَلُ. ثُمَّ ان  
دراسة كيفية المواجهة مع الوقت هي إحدى طرق اكتشاف الحق والباطل بين الأديان والمذاهب. وبسبب هذه الثلاثية الزمنية فإن  
الصرط المستقيم: هي مدرسة ترى الماضي سماوياً وعالياً والمستقبل مشرقاً والحاضر كمسؤولية خاصة بين الماضي المضيد والمستقبل  
الواعد. لذلك، لا يصح النظر إلى الماضي بشكل سلبي وانكاره أو الانبهار المتطرف إليه (السلفية).  
هكذا الهتاف حول اللحظة وإنكار المستقبل حتى يتحرر الشخص من واجباته الدينية والانسانية. أو المستقبلية الخادعة مبنية على  
الاكتشافات العلمية دون التزام بشري ومجالاته المتعالية.  
فشمولية مدرسة الشيعة في مسألة الوقت علامة حقانيتها واصالتها للجمع بين الماضي المقدس والمستقبل المشرق، بحيث يكون الحاضر  
دائماً في ذروة الأمل والتوقع، إلى جانب بذل أعظم الجهود في كل لحظة = فهذه هي المهدوية الشيعية.

الوقت هو أحد أركان حياة الإنسان، والذي يشير إلى اللحظة الحالية، بما في ذلك ثلاثة أزمنة: الماضي، والحاضر، والمستقبل. ثم ان  
دراسة كيفية المواجهة مع الوقت هي إحدى طرق اكتشاف الحق والباطل بين الأديان والمذاهب. وبسبب هذه الثلاثية الزمنية فإن  
الصرط المستقيم: هي مدرسة ترى الماضي سماوياً وعالياً والمستقبل مشرقاً والحاضر كمسؤولية خاصة بين الماضي المضيد والمستقبل  
الواعد. لذلك، لا يصح النظر إلى الماضي بشكل سلبي وانكاره أو الانبهار المتطرف إليه (السلفية).  
هكذا الهتاف حول اللحظة وإنكار المستقبل حتى يتحرر الشخص من واجباته الدينية والانسانية. أو المستقبلية الخادعة مبنية على  
الاكتشافات العلمية دون التزام بشري ومجالاته المتعالية.  
فشمولية مدرسة الشيعة في مسألة الوقت علامة حقانيتها واصالتها للجمع بين الماضي المقدس والمستقبل المشرق، بحيث يكون الحاضر  
دائماً في ذروة الأمل والتوقع، إلى جانب بذل أعظم الجهود في كل لحظة = فهذه هي المهدوية الشيعية.

اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ كُنُوزَهُ  
عَنَّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ  
وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعَزِّزُهُ  
إِمَامٍ عَدِلٍ تَظْهَرُهُ...

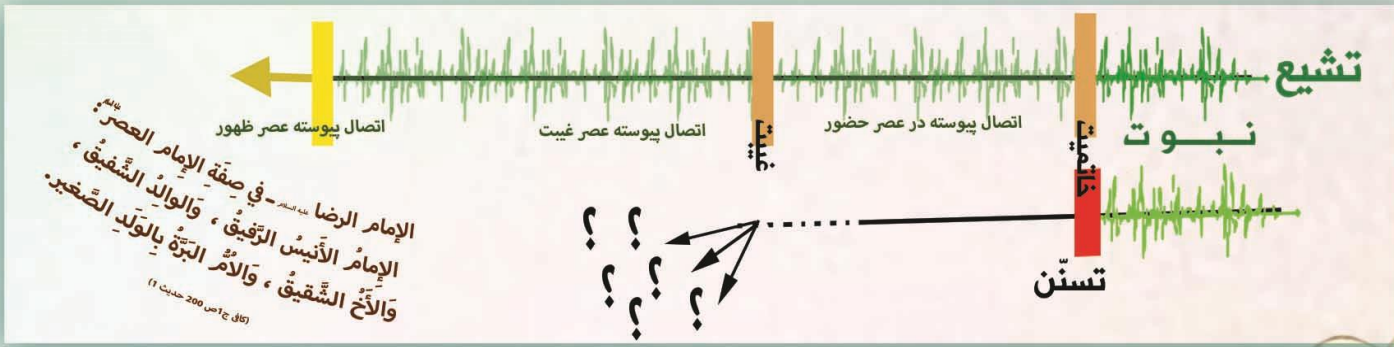
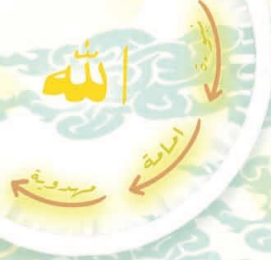
Time is of the pillars of life of a human being that takes into account the current moment comprising of the three "past, present and future" periods. One of the ways of discovering the truth and falsehood among religions and schools of thought is by encountering time. The Straight Path is a doctrine that views the past as spiritual and exalted; the future as bright and the present as a special responsibility between the instructive past and vision of the future. For this reason a negative and rejectionist view of the past or radical restropectivism (Salafism) is incorrect. Same holds true for chanting slogans of momentism and denial of the future in order to release human being from religious obligations; or fanciful futurism based on scientific findings without consideration of human commitment and his spiritual realms. Thus the comprehensiveness of the Shiah school of thought on the issue of time, reveals its rightfulness and fundamental reality. a viewpoint that sees the past as sacred and the future as bright so that the present time is always at the height of hope and expectancy accompanied with utmost effort and endeavor. Thu, Shiite Mahdism (Messiahship) is this same comprehensive view at the three times with emphasis on the future.

دعای افتتاح



# اتصال آسمانی پیوسته

6





## Symbol and Manifestation of Continual Divine Union

## الإِتِّصَالُ السَّمَاوِيُّ الْمُسْتَمَرُّ

٦

وجود و هستی دارای مراتب و عوالم هست. بالاترین مرتبه، عالم غیب و پایین ترین مرتبه، عالم ماده و زمین می باشد، که بین این عوالم ارتباط پیوسته وجود دارد؛ زیرا عوالم بالا بر عوالم پایین تر احاطه داشته و عوالم پایین وابسته به عوالم بالا است. البته این ارتباط و پیوستگی دارای نظام و قانون می باشد؛ چرا که آفریدگار این عوالم و نظامات آن، حکیم است. طبق آموزه مشترک ادیان ابراهیمی، انسان کامل به علت این که برترین آفریده الهی است دارای برترین ظرفیت ارتباط دو سویه می باشد. او از یکسو واسطه فیض از عالم بالا به پایین است و از سوی دیگر بر بستر عبودیت و معنویت متعالی، واسطه توسل است. بدین جهت با خاتمیت که به معنی اتمهای مأموریت در دریافت وحی بوده، رسالت و مسئولیت انسان های کامل تمام نمی شود، چرا که عوالم هستی در دایره نظام ارتباطات و همچنین عالم انسانی در دایره دوگانه راهبری/توسل، نیازمند این اتصال پیوسته و مستمر است. این جایگاه پس از عصر نبوت و امامت، با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در پس پرده غیب این اتصال را برقرار ساخته، تا دست آدمی از آسمان کوتاه نباشد. بدین جهت بخشی از ادعیه مهدوی، درخواست ها برای واسطه فیض ویژه و یا عرض حاجت، توسل و استغفار از معبر توسل به حضرتش است؛ چرا که آن حضرت در زمانه کنونی تنها مظهر صفات الهی هستند؛ از سوی دیگر در مقام دلسوزترین انسان برای هر فرد می باشد که حتی از پدر، مادر، برادر و دوست، به او نزدیکتر و مهربان تر است. (الإمامُ الأئیسُّ الرُّقیقُ، وَالوَالِدُ الشَّقِیْقُ، وَالْأَخُ الشَّقِیْقُ، وَالْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِیْرِ)

لوجود عوالم و مراحل. فاعلی مراتبه عالم الغیب. وادناه عالم المادة. ثم هناك علاقة مستمرة بین هذه العوالم. لأن العالم العلوی یحیط بالعالم السفلی. و العالم الدنيا یعتمد على العوالم العلیا. و هذه الروابط و الارتباطات نظام و قانون. لأن خالق هذه العوالم و أنظمتها حکیم. وفقا للتعالمات المشتركة للادیان الإبراهیمیة، فإن الإنسان الكامل و المثالی، هو أفضل مخلوقات الله لیكون خلیفة الله على ارضه. فلهذه أفضل قدرة على اتصال ثنائیة الاتجاه. من ناحية، هو واسطة فیض و البركات من العالم الأعلى إلى العالم السفلی. و على أساس العبادة و الروحانیة المتعالیة، فهي واسطة للتوسل و الحاجة و الاستغفار من العالم الانسانی. لذلك فإن مهمة الإنسان الكامل و مسؤولیته لا تنتهی ب«الخاتمیة»، لان «الخاتمیة» تنحصر على نهاية تلقي الوحی، لكن تبقى بقیة الحاجات و الاتصالات لأن عالم الكون فی دائرة حاجاته المستمرة، تحتاج الى عالم الفوق، و هكذا العالم البشري فی مجال «الفیض / التوسل» المزدوج، یحاجة إلى هذا الاتصال المستمر. فهذه هی منزلة كل امام بعد انتهاء النبوة. و اثناء غیبة الامام الثانی عشر سیستمر هذا الارتباط من وراء حجاب الغیبة، حتى تدوم اتصال ایدی الناس الى السماء فی زماننا هذا و جمیع ازمته الغیبة و ... لذلك فان جزءا من ادعیه المهدویة هو الطلب البرکة و الفیض او عرض الحاجة و الاستغفار متوسلا بمقام امام الغائب. لأن الامام هو المظهر الوحید للصفات الأئهیة فی العصر الحالی و من ناحية أخرى، فهو ارحم الناس و اقرب الناس الیهم حتی من والدیهم و اخوانهم و اصداقائهم.

Existence and being have stages and worlds. The highest stage is the invisible world and the lowest stage is the world of matter and the earth. There is constant communication between these worlds because the higher world has encompassing knowledge of the lower world and the lower world is dependent on the higher world. of course this communication and connection has law and order because the Creator of these worlds and its orders is the All-Wise. According to the shared teachings of Abrahamic religions, because the perfect man is the paramount Divine creature, he has the paramount potential for two-way communication. On the one hand he is the intermediary of divine emanation from the higher world to the lower and on the other hand he is the intermediary of invocation on the bedrock of sincere servitude to God. For this reason, with the finality of the prophetic mission which implies end of the mission of receiving divine revelation, the mission and responsibility of the perfect man does not end. This is because both the worlds of existence in the sphere of system of communication as well as the human world in the two spheres of guidance/ invocation are in need of this continual and constant connection. After the era of prophetic mission and religious leadership (Imamat) this position lies with the Imam of the Time (May Allah hasten his Reappearance) who has established this connection from behind the curtain of the invisible world so that man is not deprived of access to the heavens. For this reason, a part of the Mahdism supplication are pleas for intermediary of special emanation or statement of need and invocation and asking God's forgiveness by way of imploration to his Holiness. This is because in the present time, His Holiness is the only manifestation of Divine Attributes and on the other hand is in the position of the most sympathetic human being for every individual who is closer and kinder than even a father, brother and friend .....

... وَ اجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَ  
ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَ دَعَاءَنَا بِهِ  
مُسْتَجَابًا وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ  
مَبْسُوطَةً وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَ  
حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً... (دعاء الندبة)

+

...اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنَ الْحَقِّ  
فَحْمَلْنَاهُ، وَمَا قَصَّرْنَا عَنْهُ  
فَبَلِّغْنَا، اللَّهُمَّ الْمُرَّ بِهِ سَعَيْنَا،  
وَأَشْعَبَ بِهِ صَدَعْنَا، وَأَرْبَقَ بِهِ  
فَتَقْنَا، وَكَثَرَ بِهِ قَلْتْنَا، وَأَعَزَّزَ بِهِ  
ذَلَّتْنَا، وَأَغْنَى بِهِ عَائِلْنَا، وَأَقْضَ بِهِ  
عَنْ مَغْرَمِنَا، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا،  
وَسَدِّ بِهِ خَلْتَنَا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا،  
وَيَبِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا، وَفَكِّ بِهِ  
أَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا، وَأَنْجِزْ  
بِهِ مَوَاعِيدَنَا، وَأَسْتَجِبْ بِهِ  
دَعْوَتَنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا، وَبَلِّغْنَا  
بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَمَانَنَا،  
وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا.

(دعاء الافتتاح)



الأرض + خلف (خليفه+استخلاف) ← ۵۵ نور + ۶۳ نمل  
 الأرض + ارث (وارث) ← ۱۰۵ انبياء + ۵ قصص  
 اهل سنت و شيعة

حق و باطل ← ۸۱ اسراء + ۷ و ۸ انفال

بقية الله ← ۸۶ هود

العاقبة ← ۸۳ قصص

وقت (المعلوم + الموعود) ← ۳۸ فجر

اطاعت اولي الامر ← ۵۹ نساء

غلبه دين اسلام ← ۳۳ توبه + ۹ صف + ۳۹ انفال + ۸۳ آل عمران  
 اهل سنت و شيعة

أشراط الساعة ← ۱۸ محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) ← اهل سنت و شيعة

اگر مرتد شويد..... ← ۵۴ مائده

شاهدان اعمال ← توبه ۱۰۵



## Mahdism (Messiahship) in the Holy Quran

## المهدوية في القرآن



### مهدویت در زبان قرآن :

قرآن مهمترین متن مقدس اسلامی با هدف انسان سازی و تربیت انسان موحّد است. بنابراین دارای آموزه های مورد نیاز برای هدایت و تعالی بشریت می باشد؛ البته قرآن به اقتضای کتاب تربیتی و جهانی بودن و برخی الزامات دیگر، زبان خاص خود را دارد؛ در اثبات توحید به جای استدلال های کلامی و یا فلسفی، به روش استدلال فطری روی آورده است، و در بیان احکام و اخلاق زبان و روش منحصر به فرد را دارا می باشد؛ در موضوع سیاست و اداره جامعه دارای مجموعه ای از آیات متنوع با ادبیات خاص است؛ مسئله آینده و سرانجام زمینی بشریت، و الکوی رهبری آن زمانه که با نام «مهدویت، موعود و مدینه فاضله پایانی» شناخته می شود، قالب های زبانی خود را در قرآن دارد. آیات آینده و مهدویت، گستره ای به وسعت قرآن دارد. از سومین آیه سوره بقره در دومین صفحه قرآن تا «سوره قدر» در جزء 30 صفحات آخر قرآن آموزه های مهدویت وجود دارد. از جهت زبان شناختی، قرآن به جای تمرکز بر اسامی و کلیدواژه ها، الکوی «مفهوم محور» دارد، یعنی مفاهیم مهدویت با نگاهی عام معرفی گردیده است؛ با این نگاه دامنه ای بسیاری از آیات قرآنی به گستره وسیعی از موضوع ها و مباحث مهدویت دلالت و اشاره دارد. این دلالت گاه مستقیم و یا با کمک روایات تفسیری و تأویلی مورد اتفاق شیعه/سنی است و گاه دارای امتیازهایی از مکتب تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) می باشد. دلالت مهدوی این آیات هم از جهت مفهومی، گاه به اصل مهدویت و اصالت آن، گاهی به شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام اشاره دارد. (مانند روشی که کتاب کمال الدین شیخ صدوق دارد)، گاهی به رسالت ها و ماموریت های آن حضرت می پردازد. و گاهی استدلالی است بر ضرورت امامت، سیاست پیوسته و هر لحظه. (که شامل زمان حال هم می شود). بنابراین آیات امامت / مهدویت و آینده شناسی زمینی قرآن گستره ای متنوع و وسیع دارد.

### المهدویة بلغة القرآن:

القرآن هو أهم نص مقدس في الإسلام، يستهدف أئمة وتربية إنسان موحّد. لذلك، يحتوي على التعاليم اللازمة لتوجيه البشرية والارتقاء بها. طبعاً للقرآن لغته الخاصة من حيث كونه كتاباً للتربية والعالمية وبعض المتطلبات الأخرى. كما اتجه في إثبات التوحيد، إلى طريقة الاحتجاج الفريزي، بدلاً من الحجج اللاهوتية أو الفلسفية، وله لغته وطريقته الخاصة في تبين الأحكام والأخلاق. لديه مجموعة من الآيات المختلفة مع الأدبيات الخاصة في موضوع السياسة وإدارة المجتمع. إن إشكالية المستقبل والتهاء الإنسانية على الأرض، ونموذج القيادة والزعامات في ذلك الوقت، والذي يعرف بالمهدوية، والموعود، والمدينة المثالية النهائية، لها أشكال لغتها في القرآن. من ناحية أخرى، لآيات المستقبلية وآيات المهدوية ساحة واسعة مثل القرآن. وهي تشمل من الآية الثالثة من سورة البقرة في الصفحة الأولى من القرآن إلى سورة القدر في الجزء الثلاثين والأخير من القرآن ومن وجهة نظر البيان، بدلاً من التركيز على الأسماء والكلمات الرئيسية، فإنها تركز على البنية اللغوية المحورية للمفهوم. من خلال هذا الرأي، فإن نطاقاً واسعاً من الآيات القرآنية تدل أو تشير إلى مجموعة واسعة من موضوعات المهدوية. هذه الدلالات تكون أحياناً مباشرة وأحياناً مبسوطة بروايات التفسير والتأويل، وتكون أحياناً موضع وفاق عند الشيعة / السنة وأحياناً تكون من امتيازات مدرسة أهل البيت عليهم السلام التفسيرية. تشير المفاهيم المهدوية لهذه الآيات أحياناً إلى مبدأ المهدوية وأصالتها، وأحياناً إلى معرفة شخصية الإمام المهدي (مثل متهجية الشيخ الصدوق في كتاب كمال الدين)، وأحياناً إلى وظائف ورسالات ذلك الإمام. وأحياناً يكون مرتبطاً باحتجاج حول ضرورة الإمامة والسياسة التواصلية، وفي كل لحظة التضامن للوقت الحاضر. فعلى هذا التقرير، يمكن أن تحتوي آيات الإمامة والمهدوية والرؤية المستقبلية الأرضية للقرآن على مجموعة متنوعة...

### Mahdism (Messiahship) in the language of the Holy Quran:

The Holy Quran is the most important Islamic scripture whose objective is human development and training monotheist human beings. Therefore, it has the needed doctrines for guidance and sublimity of mankind. Of course, as necessitated by it being book of human development, its universality and some of its other requisites, the Holy Quran has its own unique language. Thus, in affirmation of 'tawheed' - monotheism - instead of theological or philosophical reasonings, the Holy Quran has resorted to the method of natural reasoning and has its own language and method of stating the injunctions and ethics. Its also has its own unique literature and set of assorted verses on the subject of politics and society's administration. The question of the future and culmination of earthy existence of mankind as well as the guidance and leadership of that (end) time which is identified with the heading "Mahdism, the Promised One and the Final Ideal State" have their own lingual style in the Holy Quran. Blessed verses concerning the future and Mahdism (Messiahship) on the one hand are spread throughout the Holy Quran including from the third verse of the Surah "al-Baqarah" (the Cow) on page one of the Holy Quran and upto the Surah "Qadr" (The Night of Grandeur) in Chapter 30 at the end of the Holy Quran. In terms of linguistics, instead of focusing on names and keywords, the Holy Quran has a conceptualized pattern meaning the concepts of Mahdism have been presented from a general perspective. With this perspective, a wide array of the Holy Quran's verses signify or refer to an expansive range of topics and analyses of Mahdism. This signification is at times direct and at times with the help of exegetic and interpretational narratives. These exegesis and interpretations are also at times of agreement among Shia and Sunni schools and at times of the plus points of the exegetic Ahl-al-Bayt doctrine. From the conceptual aspect too, the Mahdism explanation of these blessed verses deals at times with the principle of Mahdism and its fundamental reality and at times refers to the characterization of Imam Mahdi (such as the method adopted in Sheikh Sadouq's book "Kamaluddin") and at times discusses the missions and objectives of His Holiness and at times is an argument on the necessity of religious leadership "Imamate" and continual and constant policy which applies to the present time as well. Therefore these blessed verses of the Holy Quran on Imamate (religious leadership), Mahdism (Messiahship) and the earth's futurology have a diverse and wide scope.

اللَّهُمَّ وَأَحْيِ بُولِيكَ  
الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا  
لَدَلِيلٍ فِيهِ، وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ  
الْمَيِّتَةَ، وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ  
الْوَعْرَةَ، وَأَجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ  
الْمُخْتَلَفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمَّ  
بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ  
وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى  
لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ،

(دعای زمان غیبت)

+

وَالْمَنْزِلَ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزِلُ فِي  
لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ  
الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةٌ  
وَحْيِهِ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ؛...

دعای شب نیمه شعبان:





برنامه روزآمد سازی با دعا

فهرست ادعیه و زیارات	موضوع	باب ادعیه	باب زیارات	موضوع	دستور العمل	شخصیت امام در زمان غیبت	شخصیت امام در زمان ظهور	انتظار فردی	انتظار اجتماعی	آسیب شناسی	دشمن شناسی
جمعه صلوات روز	جمعه	*		جمعه	*	*					
زیارت روز جمعه	جمعه	*		صبح	*	*					
دعاء فرج	استغاثه	*		هر صبح	*	*					
دعای توفیق الطاعه	در هر زمان و حال	*		صبح	*	*					
استغاثه به حضرت	استغاثه	*		زبان سراب نفسی	*	*				*	*
زیارت نیمه شعبان	نیمه شعبان	*		عاشقانه گفتگوی عاشقانه	*	*				*	*
دعای افتتاح	رمضان شب های	*		عاشوراء	*	*				*	*
دعای سلامتی در در شب های قدر	رمضان شب ۲۳	*		عاشوراء	*	*				*	*
زیارت آل پس	عاشوراء			عاشوراء	*	*				*	*
زیارت سرباب غیبت	زبان سراب نفسی	*		عاشوراء	*	*				*	*
دعای ندبه	صبح	*		عاشوراء	*	*				*	*
زیارت در هر صبح	هر صبح	*		عاشوراء	*	*				*	*
دعای عهد	صبح	*		عاشوراء	*	*				*	*
دعا برای امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه الشریک</small>	در همه احوال به ویژه در مسافرت و عصر جمعه	*		عاشوراء	*	*				*	*
زیارت جامعه	دوره تخصصی	*		عاشوراء	*	*				*	*
دعا در زمان غیبت	عصر جمعه و زمان شنبه	*		عاشوراء	*	*				*	*



# Content Analyses of the Mahdism Supplication and Ziyarahs in the Mafatih al Jinan

## تحليل محتوى الأدعية

### و الزيارات المهدوية في كتاب مفاتيح الجنان



دعا سخنانی در مقام استغاثه و نیاز برای رسیدن به حاجت است. بدین جهت طبیعتاً زبان و شیوه گفتاری دعا غالباً احساسی و عاطفی می باشد. ولی در فرهنگ شیعی برای ارتقا بخشی به این ویژگی فطری بشر، منظومه ای از ادعیه توسط انسان های آسمانی تولید گردیده تا دعا ضمن حفظ جایگاه زبان نیاز، هماهنگ با نظامواره معرفتی بوده، و در مسیر تعالی بخشی جامع به گستره وسیع نیازها و مسائل انسانی بپردازد. بدین جهت بیشترین و متنوع ترین دعاها در فرهنگ بشری، در مکتب شیعه است. دعاهایی که جامع در عاطفه، عقلانیت و همچنین در خواست حاجت همراه با عمیق ترین معارف توحیدی، با توجه به هندسه حالات متعدد انسانی از خوشی ها و اتفاق های مبارک تا اوج نیازها و اضطرابها می باشد.

مهدویت به عنوان تجلی روزآمد امامت، بخشی از ادعیه و زیارات شیعی را تشکیل می دهد تا عنوان «ادعیه و زیارات مهدوی» بگیرد.

«مفاتیح الجنان» مهمترین کتاب دعا در جغرافیای تشیع و دارای اعتبار و جامعیت در ادعیه شیعی است. بدین جهت منبعی معتبر برای ادعیه مهدوی می باشد. البته آنس با ادعیه مهدوی، تنها برای عرض توسل، حاجت، نیاز و استغاثه خواهی از امام مهدی علیه السلام نیست، بلکه به جهت صدور مستند این ادعیه، یکی از بهترین منابع برای بازخوانی و بازسازی معرفت و ایمان مهدوی هستند. شاهد این مدعا، تنوع ادعیه و زیارات مهدوی با دستورالعمل و کارکرد های فراوان در حجم و اندازه های متفاوت است و برخی از آنها نظر به وجود امام غائب، برای استغاثه در حال اضطراب، و برخی برای نجوای عاشقانه می باشد. پس این ادعیه و زیارات، ظرفیتی عالمانه برای آسیب زدایی و بروز رسانی معارف مهدویت دارد. به شرطی که با هندسه، ساختار و روش های علمی، به محضر این ادعیه و زیارات مشرف شویم.

(دعا: خواندن خدا به صورت مستقیم است. و زیارت: دعای با واسطه توسل به معصوم است.)

الدعاء: كلام في موضع التذرع والوصول إلى الحاجة. لذلك، فمن الطبيعي أن يكون للسان وأسلوب الكلام في الدعاء عاطفياً. لكن من أجل تعزيز هذه الخاصية الطبيعية للإنسان في الثقافة الشيعية، تم إحداث موسوعة أدعية من قبل شخصيات سماوية بحيث يكون الدعاء ومن خلال الحفاظ على لغته الاستغاثية، منسجماً مع نظام المعرفة وعلى مسار التحسين الشامل لمجموعة واسعة من الاحتياجات والتطلعات البشرية. لذلك، نرى للدرسة الشيعية هي الشاملة لأكثر الأدعية وأكثرها تنوعاً في الثقافة الإنسانية. ادعية مليئة بالحب والعقلانية، مليئة بطلبات الحاجات في اعماق التعاليم التوحيدية، ووفقاً لهندسة الحالات البشرية المختلفة حتى في الأفرح والأحداث المباركة إلى ذروة الحاجات والإلحاح.

المهدوية: باعتبارها مظهرًا حديثًا من مظاهر الإمامة، تشكل جزءًا من ادعية الشيعة وزياراتهم، كتي يُطلق عليها عنوان الدعاء المهدوي وزيارته.

كتاب مفاتيح الجنان الذي هو الأكثر انتشاراً في جغرافية المذهب الشيعي، له مصداقية وشمولية في الدعاء، لذا يمكن أن يكون مصدراً موثوقاً للأدعية المهدوية. الاستئناس مع هذه الأدعية ليس فقط لغرض التوسل والاستغاثية والاستعانة من الإمام المهدي ع، لكن على أساس إصدار هذه الأدعية، فهي من أفضل المصادر لاستعادة قراءة وتحديث المعرفة والإيمان المهدوي. والدليل على هذا الإبداع هو تنوع الدعاء المهدوي وزياراته، والتي لها تعليمات وظائف مختلفة. بل يختلف حجمها وكميتها، وبعضها ناظرة إلى حضور الإمام الغائب، للاستغاثية به عند الاضطراب، وبعضها مناجاة غرامية. فعلى هذا التقرير، تكون هذه الأدعية والزيارات طائفة علمية على إزالة الصدمات عن تعاليم المهدوية وإمكان تحديثها، إذا تعلمنا التصرف إلى ساحة الأدعية والزيارات بالهندسة والأساليب العلمية. (الدعاء: الدعاء إلى الله مباشرة + الزيارة: الدعاء من خلال التوسل بالمعصوم)

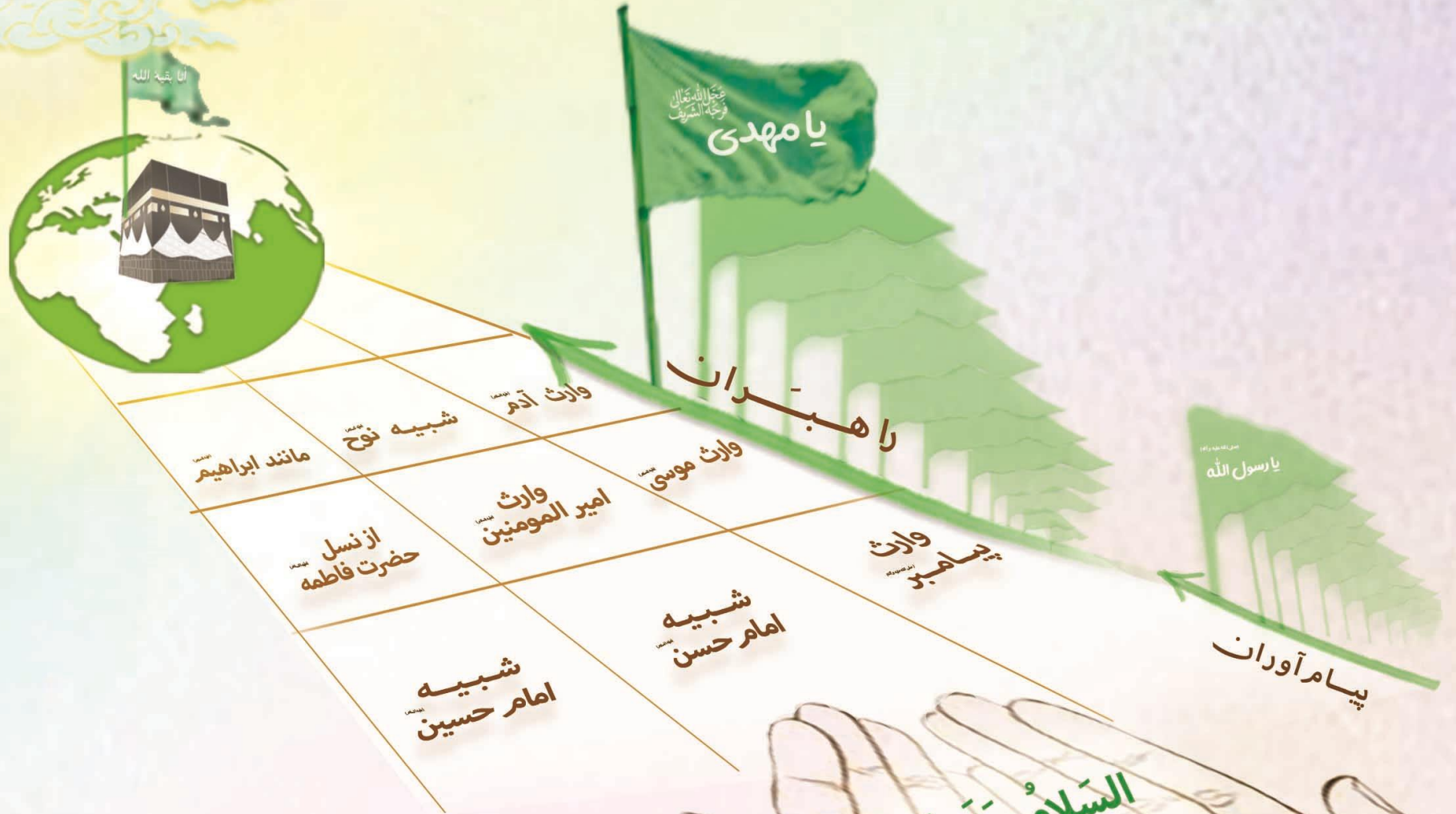
Supplication is words of imploration and is need for fulfillment of wish. For this reason the language and style of expressing supplication is naturally and mainly emotional and moving. However, in Shiah culture, in order to promote this innate human characteristic, a system of supplications has been created by divine human beings so that while preserving the position of language of need, it is in harmony with the cognitive system and towards the society's sublimity responds to the wide spectrum of human needs and problems. Thus, the largest number and variety of supplications in human culture are to be found in the Shiah school of thought. These supplications are comprehensive of feelings and rationality and comprehensive of request of need and are accompanied with the most profound monotheistic doctrines. They take into account the numerous human spiritual states from happinesses and blessed incidents to the highest degree of needs and anxieties. As the practical manifestation of the doctrine of Imamah, Mahdism (Messiahship) forms a part of the shiite supplications and 'Ziyarah' pilgrimages so that it assumes the title of "Mahdism Supplications and Ziyarah". "Mafatih al Jinan" too is the most important book of supplication in Shiah geography that enjoys reputation and universality in Shiite supplication. Thus, it can be a reliable source for Mahdism supplications. However, intimate familiarity with Mahdism Supplications is not only for imploration for assistance, need and beseeching Imam Mahdi; rather, because of documented issuance of these supplications they are one of the best sources for restating and restoring knowledge and faith of Mahdism (Messiahship). Testimony to this claim is the diversity of Mahdism supplications and Ziyarah that have diversity of instruction and application; rather, their sizes and volume are different. Moreover, with regard to existence of the Absent Imam some of them are for imploration of assistance and some for intimate conversation. Thus these supplications and Ziyarah have the theoretical capacity to remove harm and update our knowledge of Mahdism provided that we learn them with geometry and systematic structures and methods so as to have the honor of reciting these supplications and Ziyarah. (Supplication is beseeching God directly while "Ziyarah" is supplication with the intermediary of invocation of the Infallibles.)

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ  
قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ  
بْنَ عُمَانَ الْعَمَرِيُّ  
رَحِمَهُ اللَّهُ (النائب  
الثاني) أَنْ يُوصِلَ لِي  
كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ  
عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ  
عَلَيَّ فَوَرَدَ التَّوْفِيعُ  
الرِّمَانِ عليه السلام :

« ... وَ أَكْثَرُوا  
الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ  
الْفَرَجِ فَإِنَّ  
ذَلِكَ فَرَجُكُمْ »

كمال الدين شيخ صدوق  
الغيبة شيخ طوسي





## Continual Line of Divine Guidance

## الخط المستمر للقبادة السماوية

٩

امام مهدی علیه السلام آخرین انسان کامل و انسان کامل آخرین می باشد. او به ضرورت آخرین بودن جهانی ترین رسالت را عهده دار است. این رسالت جهانی نیازمند داشتن امکانات و ظرفیت های ماورائی ویژه است. وراثت، یکی از مهمترین ویژگی های امام مهدی علیه السلام می باشد. وراثت جسمی و شجره ای، و همچنین وراثت معنوی. او در وراثت جسم و شجره برآمده از شجره طیبه است؛ و به دو شاخه از پیامبران می رسد، تا تمامی خوبی های ژنتیکی را به ارث برده باشد. بدلیل همین وراثت جامع، حضرتش از جهت شخصیتی وارث تمام خصال نیک پیامبران و امامان است و تمام صفات تاریخی برجسته پیامبران و امامان پیشین در او جمع گردیده است؛ بنابراین از جهت شخصیت فردی، نه تنها آئینه تمام نمای پیامبران و امامان است بلکه تمامی آن صفات را یکجا دارد. با این ویژگی متعالی، او وارث در میراث فرهنگی و معنوی تمامی انبیا و اولیای پیشین را دارد. بدینگونه که تمامی کتاب های آسمانی و ابزار های معجزه مانند عصای حضرت موسی، نزد آن حضرت می باشد. تا بالاترین ابزارهای ماورائی و یا میراث های معنوی آن یکجا نزد حضرتش هست؛ در نتیجه او وارث است. «ارث بری» جامع تا جهانی را راهبری نماید. مبتنی بر این ویژگی، بخشی از معارف مهدوی در قرآن و روایات و ادعیه شکل می گیرد؛ و آن امکان بازشناسی مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام بر اساس شباهت های معنوی و تشبیه های ظاهری و بلکه وراثت ها و ارثیه ها از پیامبران و امامان پیشین است. بدین جهت است که در هنگامه ظهور، حضرت مهدی از بیانیه های جهانی برای معرفی خود به عنوان امتداد و تجلی پیامبران و امامان، بیان می نماید؛ که در زمانه ظهور بخش عمده ای از دینداران غیر شیعه، به حضرتش ایمان آورند چون او را شبیه پیامبران پیشین می بینند، هم در شباهت ظاهری و همچنین در شباهت معنوی. چرا که هر چه را که خوبان عالم (به دلیل شرایط تاریخی) پراکنده داشتند، او یکجا دارا می باشد.

الإمام المهدي علیه السلام هو آخر إنسان كامل والإنسان الكامل الأخير. فهو على ضرورة الأخرى يتحمل أعظم الرسالات العالمية. وهذه الرسالة العالمية أيضاً يتطلب الإمكانات والقدرات الغيبية الخاصة. والوراثة، هي إحدى أهم خصائص الإمام المهدي علیه السلام، والوراثة الجسمانية والسلالية، وأيضاً الوراثة المعنوية. فهو من ناحية الوراثة الجسمانية والسلالية ناشيء من الشجرة الطيبة ويصل نسبه إلى فرعين من الأنبياء. حتى يرث جميع المحاسن الجينية. ومن أجل هذه الوراثة الجامعة، يرث جميع خصال الأنبياء والأئمة الجميلة من حيث الشخصية واجتمع فيه فضائل الأنبياء والأئمة السامية تاريخياً. فلذلك من حيث الشخصية الفردية لا يكون مرة الأنبياء والأئمة فحسب بل هو جامع الصفات والخصال الحسنة المركزة في وجوده، فمع هذه الخصيصة السامية، يجد خصوصية منحصرة أخرى وهي وراثة الموارث الثقافية والمعنوية من جميع الأنبياء وأولياء السلف. بهذه الصورة أن عنده جميع الصفح السماوية وأدوات الإعجاز كعصا موسى عليه السلام حتى يكون عنده جميع الأدوات الغيبية أو يمتلك جميع الموارث المعنوية فلها فهو وارث وراثته أيضاً كخصيصته جامعة أيضاً، ليكون إماماً للعالم، بناءً على هذه الخصيصة، يتحقق قسماً من التعاليم المهدوية في القرآن والروايات والأدعية. وهي إمكانية استعادة معرفة المهدوية وشخصية الإمام المهدي علیه السلام على أساس المشابهة والتشبيهات بل والوراثة والموارث من الأنبياء والأئمة الماضين. الإمام المهدي علیه السلام هو آخر إنسان كامل والإنسان الكامل الأخير. فهو على ضرورة الأخرى يتحمل أعظم الرسالات العالمية. وهذه الرسالة العالمية أيضاً يتطلب الإمكانات والقدرات الغيبية الخاصة.

Imam Mahdi (may Allah hasten his blessed Reappearance) is the last Perfect Man and is the Perfect last Man. By necessity of being the last he is also in charge of the most global mission and this global mission needs having special metaphysical possibilities and potentials. Succession is one of the most important characteristics of Imam Mahdi – both physical and genealogical succession as well as spiritual succession. In terms of physical and genealogical succession he is the product of pure genealogy reaching to two branches of prophets so that he has inherited all genetical goodness. Due to this same comprehensive inheritance, from the aspect of character traits he has inherited all the good attributes of the prophets and Imams and all prominent historic attributes of earlier prophets and Imams are gathered in him. Thus in terms of Individual character he is not only a full length image of the prophets and Imams; rather he possesses all of those attributes collectively; rather, he is the collective, purified and comprehensive manifestation of those qualities and attributes. With these superior characteristics he achieves the potential for yet another singular feature as well and that is the inheritance of the cultural and spiritual heritage of all earlier prophets and saints such that His Holiness is the inheritor of all the divine books and tools of miracle such as the staff of His Holiness Moses (AS). Thus the highest metaphysical tools or spiritual heritages are all together at his Holiness's disposal. Therefore, he is the inheritor. Moreover, his inheritance too like his universal personality is a universal inheritance and he is the inheritor for the world's guidance. A part of the Mahdism doctrines in the Holy Quran, the narratives and supplications are established on the basis of this characteristic. This enables rediscovery of Mahdism (Messiahship) and characterization of Imam Mahdi on the basis of resemblances and similarities and rather heredity and ancestry from earlier prophets and Imams. It is thus that at the time of Reappearance, one of the proclamations of His Holiness Mahdi is his self-introduction as the extension and manifestation of prophets and the Imams. Basically, at the time of Reappearance, a major section of non-Shiah believers assert their faith in His Holiness as they see him to be the likeness of earlier prophets – both in physical as well as spiritual resemblance. This is because whatever the world's righteous (because of historical conditions) had in their scattered possession, he had them all together. For this reason, a section of the Ziyarah and supplication texts of Mahdism is about offering salutation to this position of inheritance and manifestation of the virtues of earlier (people) as in: "Salutation upon you O the extension and survivor of earlier Islamic rulers! Salutation upon you O, Son of the Prophet (SAW)! Salutation upon you O. ..."

السلام عليك يا بقية  
الخلافة ... السلام عليك  
يا بن محمد المصطفى  
السلام عليك يا بن علي  
المرتضى ... السلام عليك  
يا بن السادة المقربين و  
القادة المتقين، السلام  
عليك يا بن الاصفياء  
المهديين السلام عليك  
يا بن هداة المهديين ...  
السلام عليك يا بن  
الشواهد المشهوده و  
المعجزات الموجودة ، ...  
السلام عليك يا بن الآيات  
البيانات و الدلائل  
الظاهرات ...

فرزی از زیارت حضرت  
در سرداب مقدس



الله

الامام عسکری

از تبار وصی حضرت عیسی

آخرین تجربه مادری معصوم

تحمل مسئولیتی سخت و فشرده و پنهانی

رشد و تعالی بخشی خود برای تحمل مسئولیت ویژه

پاکزیستی ویژه در بزرگ ترین امپراطوری زمانه

تها مداری که مرزانش مشخص است

امام عسکری + نرجس

امام هادی + حدیث

امام جواد + سمانه

امام رضا + خیزران

امام کاظم + نجمه

امام صادق + حمیده

امام باقر + ام فروه

امام حسن + فاطمه

امام حسین + شهربانو

علی + فاطمه

پیامبر + خدیجه

عبدالله + آمنه

یازدهمین امام معصوم

امامت در جوانی و سختترین شرایط

طراحی نیابت خاصه برای دوران غیبت صغری

کوتاه ترین دوران امامت با تحمل زندان های پیاپی

دشوار معرفی فرزند در مرز غیبت و حضور راهبری ویژه ولادت امام موعود

شخصیت شناسی امام عسکری



گاهشمار زندگانی امام عسکری

مادران معصومین : بانوانی برگزیده از سرزمین های مختلف بر اساس پاکزستی ، تعالی شخصیت و نقش های زنانه



پیوند انسان کامل مردانه با انسان کامل زنانه و تشکیل تنها خانواده معصوم که مبنای مدینه النبی گردیدند

مومنه عصر جاهلیت (مادر نبوت و امامت) فاطمه + ابوطالب

شجره امام هادی پای ترین و نورانی ترین شجره در طول تاریخ

شجره طیبه اولها ثابت و قوتها فی السماء







«شجرة طيبة» اصطلاحی قرآنی است که بر اهلبیت پیامبر اسلام تطبیق داده شده است. این کلیدواژه قرآنی دلالت دارد که تبار پیامبر اسلام از حضرت آدم تا آن حضرت با سلامت و پاکی در نسب و حسب همراه بوده است و این پاکی پیوسته هم در ناحیه پدران بوده است و هم در ناحیه مادران «فی الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة»، تا این پاکی پیوسته ظرفیت تحمل و حمل طینت پاک و نورآسمانی نبوت/ امامت را داشته باشد. این شجره چون به پیامبر اسلام رسید و دو گانه نبوت/ امامت را یافت، به بالاترین درجه تعالی و طهارت خود رسید تا توصیف قرآنی «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا» را بیابد. پس در مرحله ازدواج نورین نیرین «علی/ فاطمه» علیهما السلام، این شجره در پیچ تاریخی نبوت/ امامت، به اوج درخشش خود می رسد تا بستر ساز خط امامت ۱۱ یازده گانه موعود در غدیر خم شود. امامتی که نقطه نهایی آن، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که عصاره وجودی تمامی خط نبوت و فضائل و کمالات خط امامت است.

«الشجرة الطيبة» مصطلح قرآنی يطلق على أهل البيت (عائلة النبي محمد). يدل هذا المفتاح القرآني على أن نسب رسول الله صلى الله عليه وآله من آدم و الى النبي الاكرم صلى الله عليه وآله كان طاهر النسب و الحسب، و هذه الطهارة كانت تنتقل من الاصلاب الشامخة و الى الارحام الطاهرة و تحمل في طياتها النور الالهي و عندما وصلت هذه الشجرة إلى نبي الإسلام و حققت ثنائية النبوة و الإمامة، بلغت أعلى درجات السمو و النقاء، حتى اجتمع فيها الوصف القرآني: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا». ففي مرحلة زواج علي من فاطمة (عليهما السلام) تصل شجرة الطيبة إلى ذروة تألقها في المنعطف التاريخي للنبوة/ الإمامة، حتى يتم وضع حجر الأساس لخط الإمامة الحادي عشر الموعود في غدیر خم. إمامة محورها النهائي هو الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، الذي هو الجوهر الوجودي لخط النبوة كلها، و فضائل و کمالات خط الإمامة بتمامها.

The term "The Blessed Tree" (شجرة طيبة). This Quranic metaphor signifies that the lineage of the Prophet Muhammad from Adam to himself was marked by purity and integrity in both lineage and moral standing. This purity extended continuously through both paternal and maternal lines—"in lofty loins and purified wombs"—ensuring a sanctified foundation capable of bearing the pure essence and celestial light of prophethood and Imamate. When this "Blessed Tree" culminated in the Prophet Muhammad who embodied the dual legacy of prophethood and Imamate it reached the pinnacle of its spiritual elevation and purity. This is reflected in the Quranic verse: \* "Indeed Allah intends to remove all impurity from you O Ahl al-Bayt and purify you with a thorough purification" (۳۳:۳۳). Subsequently at the luminous union of the two radiant lights—Ali and Fatima (peace be upon them)—this Blessed Tree reached its zenith at the historical juncture of prophethood and Imamate. This union laid the groundwork for the lineage of the eleven Imams divinely ordained at Ghadeer Khumm and culminating in the awaited Imam al-Mahdi (may Allah hasten his noble reappearance). He embodies the existential essence of the entire prophetic legacy and the virtues and perfections of the line of Imamate

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَ جَدِّهِ الصِّدِّيقِ الْكَبِيرِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى مَنْ أَصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ ...

دعاء التذبه



الله

وَلِيَّ اللَّهِ  
وَجْهَ اللَّهِ  
رَحْمَةَ اللَّهِ  
خَلِيفَةَ اللَّهِ  
نُورَ اللَّهِ  
صِحَّةَ اللَّهِ  
عَيْنَ اللَّهِ  
سَبِيلَ اللَّهِ  
دَامِيَ اللَّهِ  
كَلِمَةَ اللَّهِ  
مِثْقَالَ اللَّهِ  
وَعَدَ اللَّهِ  
جَنَابِ اللَّهِ  
عِزَّةِ اللَّهِ  
بَلَدِ اللَّهِ

تالي كتاب  
سفينه النجاة  
النعمة البالغه  
دليل ارادة...  
ترجمان الكتاب  
خاتم الاوصياء  
المؤمن على الشر  
يوم الموعود  
الدين الماثور  
السبب المتصل  
الكتاب المسطور  
حافظ اسرار رب العالمين  
المدخر التجديد الفرائض

صابر  
الثقى  
جابر  
العدل  
الغوث  
امان  
السيد  
الحق  
الصراف  
المهدى  
البرهان  
نور الهدى  
صاحب الزمان  
المرضى - المأمول  
نور الابصار الوري  
مفجع الكرب  
الجججاج المجاهد  
الطيب  
التمام  
الشكور  
الغوث  
المتنظر  
المنصور  
الصفوة  
الصاحب الامر  
معدن العلوم النبوية

آسماني  
تجلی  
القَابُ  
تشبيهاً  
شخصیت

شمس الظلام  
ربيع الانام  
سفينه النجاة  
عين الحيوه  
طاووس اهل الجنة  
ماء المعين  
طلعة الرشيدة  
القمر الزاهر  
بدر التمام  
نور الباهر  
الصبح  
الفجر  
الضحى

امَّا مِنْ اَمَلِكِ  
عَنْ اَللّٰهِ تَعَالٰى  
وَرَحْمَةِ الشَّرِيفِ

الزكي  
الطاهر  
الطلعة الرشيدة  
الغرة الحميدة  
المعصوم

سلالة النبوة  
وارث  
نور آل محمد  
بقية العترة  
وصى الاوصياء  
خلف صالح

القَابُ  
زمانی

ديروز

امروز

فردا

الغريم  
الغائب  
المتنظر  
المظلوم  
المضطر  
بئر معطلة  
الطريد الشريد  
المتربق الخائف

الصابر  
الشافع  
المجتهد  
الغوث  
المتنظر  
علم الهدى  
مفجع الكرب  
كاشف البلوى  
صاحب الامر  
الرحمة الواسعة  
الجججاج المجاهد

تطهير  
السيف الشاهر  
الفرع الاعظم  
المنتقم  
مبير الكافرين  
قاتل الكفرة  
مذل الاعداء  
مطهر الارض  
دابة الارض  
الطالب بدم  
المقتول بكريلاء  
القائم  
الثائر  
المنجي  
الموعود  
المامل  
الناطق  
الباسط  
النصر  
ناصر حق المبين  
الوتر الموتر  
صاحب يوم الفتح  
ناشر راية الهدى  
تثبيت  
مهدى الامم  
نظام الدين  
الحق الجديد  
محي المومنين  
معز الاولياء  
فرج المومنين  
نتيجة  
كاشف الغطاء  
ناشر العدل  
البلد الامين  
مؤلف شمل الصلاح  
ربيع الانام و  
نصرة الايام



حضرت مهدی انسان کامل آخرین می باشند ، در نتیجه دارای القاب ، اوصاف جامع ، متنوع و فراوانی هستند که در منابع دینی ، زیارات و ادعیه برشمرده شده اند. گردآوری ، دسته بندی نظام یافته این القاب ، دقت در معانی و تفاسیر آنها با مراجعه به کتاب ها و سایت های معتبر ، فرصتی ویژه برای «بازشناسی شخصیت و سیرت و رسالت و مدیریت» آن حضرت را فراهم می سازد.

حضرة المهدي هو آخر إنسان كامل في عالم الانسانية. ولذلك فهو يختص بصفات شاملة و ألقاب كثيرة، الواردة في المصادر الدينية والأدعية والزيارات الخاصة. إن جمع هذه الصفات والعناوين وتصنيفها بشكل منهجي، ثم تحليل معانيها وتفسيراتها بالرجوع إلى الكتب والمواقع الموثوقة، يتيح فرصة خاصة للتعرف أكثر على شخصية الإمام و سيرته ورسالته وإدارته الحالية والمستقبلية.

## Typology of Mahdavi titles:

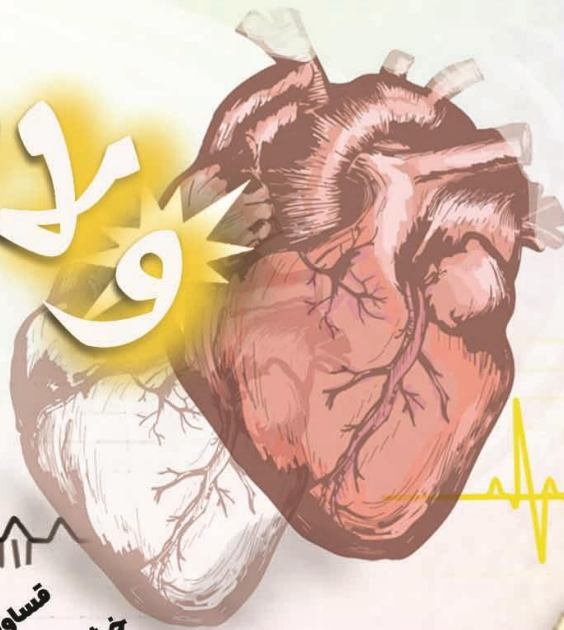
Hazrat Mahdi is the last perfect human being. Therefore, it has comprehensive, diverse and many titles and attributes that are listed in religious sources and pilgrimages and supplications. Systematized collection and classification of these titles and accuracy in their meanings and interpretations by referring to reliable books and sites provides a special opportunity to "recognize the character, character, mission and management" of that Imam

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ مَنْ  
عَرَفَكَ بِمَا عَرَفَكَ بِهِ اللَّهُ  
وَنَعَتِكَ بِبَعْضِ نُعُوتِكَ  
الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا  
وَفَوْقَهَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
سَلَامَ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا  
عَرَفَكَ بِهِ اللَّهُ وَنَعَتَكَ  
بِبَعْضِ نُعُوتِكَ الَّتِي أَنْتَ  
أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا،

زیارت سرداب مقدس



# ولایت



مردی  
بمنور عقل  
انسانیت  
چهره طیب

خشم  
قساوت  
کینه  
خفتگی

... وَجَعَلَ صَلاَتَنَا  
عَلَيْكُمْ، وَمَا خَصَّنَا  
بِهِ مِنْ وَلايَتِكُمْ، طَيِّباً  
لَخَلَقْنَا، وَطَهَّرَهُ  
لِأَنْفُسِنَا، وَتَزَكِيَّةً لَنَا،  
وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، فَكُنَّا  
عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ  
بِقَضَاكُم، وَمَعْرُوفِينَ  
بِتَّصَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ...

فرازی از زیارت جامعه کبیره

آنچه از ولایت  
شما، ما را به آن مخصوص داشت،  
مایه پاکی برای خلقت ما و طهارت  
جان ما قرار داد.

ولایتکم  
وما خصنا به من



## سر ولایت:

با ورود عشق به دل، تلاش برای همانندی با معشوق در درون آدمی آشکار می شود. به گونه ای که سراسر زندگی را برای همانندی با او تلاش می کند تا در نهایت عاشق را در معشوق فانی نماید. بالاترین و متعالی ترین عشق، عشق به انسان کامل، بی عیب و نقص است. انسان کاملی که بر بلندای عقلانیت، انسانیت، فضیلت، دانایی و حتی معنویت است تا در اوج زیبایی انسانی باشد. بدین جهت کوشی به سوی او در تمام دل ها با هر سن، دانش، شغل و جایگاه ایجاد می گردد. از منظر فلسفی وقتی ظرفیت عشق متعالی در انسان ها به صورت پیوسته و مستمر باشد، باید انسان کامل (و معشوق) هر در لحظه لحظه زمان وجود داشته باشد. در عرفان و اخلاق، نقطه چشم انداز این علاقه و عشق، شکوفایی انسان ها در هر لحظه از زمان است. بدین جهت در نظام دینداری، پس از خاتمیت، نعمت ولایتمداری ادامه دارد ولایتی که برونداد آن، در نورانیت بخشی پیوسته، قلب آدمی می باشد؛ و چون قلبی در جاری زمان و در لحظه لحظه حیات خود روشن گردید، دامنه وسیع برکت ها آدمی را در بر می گیرد. از این رو قلب انسان ولایتمدار، قلبی نرم، نورانی، خاشع، رحیم و... می باشد که در یک کلام قلب انسانی است همانند قلب متعالی انسان کامل؛ و مهدویت باوری یعنی پذیرش ولایت امام غائبی که با پذیرش ولایت ایشان، در تمامی دوران غیبت، این برکت ها را بر قلب های منتظران عاشق وارد می سازد تا منتظران بر بلندای انسانیت و....

## أسرار الولاية:

إن دخول الحب إلى القلب، يزهر فيه الجهد في المناغمة مع الحبيب في السيماء والهوية. بطريقة تجعل الحياة كلها محاولات في مماثلته، حتى يفنى المحب في الحبيب في النهاية. الحب الأسمى والأعلى هو حب الإنسان الكامل. شخص على قمة الإنسانية. عار من كل عيب ونقص. بل على ذروة العقلانية، والإنسانية، والفضيلة، والحكمة، بل حتى الروحانية، والعبادة، والعبودية كي يكون في ذروة الجمال الإنساني. لهذا السبب، ينشأ الانجذاب نحوه في جميع القلوب مع كل عمر ومعرفة ووظيفة وموقف. من وجهة النظر الفلسفي، عندما تكون طاقته الحب المتسامي متواصلة ومستمرة في البشر، يجب أن يتواجد الإنسان المثالي (المحسوب) أيضاً في كل لحظة من الزمن. من وجهة النظر المعري والأخلاقي والتربوي، فإن منظار هذا التعلق والحب هو ازدهار البشر في كل لحظة من الزمن.

فلهذا السبب، تكون نعمته محورية الولاية في النظام الديني بعد فترة الخاتمية بولاية الإنسان الكامل للعصوم طوال تسلسل الزمان. قبول الولاية التي نتاجها الإنارة المستمرة لقلب الإنسان. وعندما يستنير قلب على مر الزمن وفي لحظات حياته، فيغطي الإنسان نطاقاً واسعاً من البركات والنعم والفرح والسمو السماوي. ولذلك يصبح قلب الإنسان الخاضع للولاية قلباً رقيقاً مستنيراً متواضعاً رحيماً، وكلمة واحدة، يكون قلب إنسان مثل القلب السامي للإنسان الكامل. والإيمان بالمهدوية يعني قبول ولاية الإمام الغائب عليه السلام الذي يقبوله بولايته طوال فترة الغيبة تصب هذه البركات على قلوب العشاق المنتظرين، فيكون المنتظرون على قمة الإنسانية.

## The secret of 'Vilayah' religious guardianship:

Entry of love to the heart and soul, the endeavor for harmony and resemblance with the beloved is set into motion within a person such that it urges him to make effort at resemblance throughout life so that ultimately, it annihilates the lover in the beloved. The highest and most supreme love is love for the Perfect Human Being – a human being who is at the peak of humanity. He has no flaw nor defect; rather, in order to be at the peak of human beauty he is at the height of rationality, humanity, virtue and knowledge and even spirituality, worship and sincere servitude of God. For this reason an attraction is created towards him in all hearts of any age, knowledge, occupation and position. From the philosophical perspective, when the potential of transcendental love in human beings is in continual and uninterrupted form, the perfect human being (and the beloved) too must exist at every moment. From the mystical, moral and educational perspective, the focal point of the vision of this love and attraction is the development of human beings at every moment. It is for this reason that in the system of religiosity, following culmination of the prophecy the blessing of religious guardianship 'Vilayat' is the vicegerency of the Perfect Infallible Man in the uninterrupted time period – an acknowledgement of 'Vilayat' religious guardianship whose outcome is the uninterrupted enlightenment of the heart of man. Moreover, because the heart is enlightened in the course of time and at every moment of its existence, thus a human being is encompassed by vast expanse of blessings, bounties, forgiveness and spiritual exaltation. It is for this reason that the guardianship-oriented heart of human being is a soft, radiant, humble and merciful heart and ... and in one word it is the heart of a human being that is like the exalted heart of the Perfect Man.

فرزای از زیارت جامعہ کبیرہ





گستره اراده غائبانه به گستره جهان انسانیت

در مسیر جهانی شدن  
خود شناسی فراگیر  
زمان و زمانه شناسی  
رشد و شکوفایی حداکثری  
دلی نرم و همراه با قلب جهانی  
رصد بزرگترین و سخت ترین نیازهای انسانی

جهانی ترین قلب

رسالت پایانی  
آخرین انسان کامل  
مسئولیت راهبری جهانی  
انسانی به وسعت انسانیت  
اراده پیوسته و هماهنگ با نیازهای انسانی  
تلاشگر پیوسته و خستگی ناپذیر در لحظه لحظه غیبت

وَلَيْنَ قَلْبِي لَوْلَى أَمْرِكِ

# The Universal Heart

(to the extent of the most universal heart)

# القلب العولمي

(القلب الأوسع نطاقا عالميا)

۱۳

عظمت انسان به جسم ، خانه و ثروت نیست بلکه به بزرگی قلب و هویت انسانی او ست. با زیادی متعلقات بیرونی انسان و قدرت جسمانی، حافظه ، دانش و انسانیت انسان ، رشد و ارتقا نمی یابد. برای وسعت بخشی انسانیت، باید به قلب خود توجه کرد. برای این مهم ، باید آن را با بزرگترین قلبی که وسعت وجودی اش به وسعت تمامی انسان ها ست ، پیوند داد. انسان کامل معصوم با کمال جسمی و تعالی غیبی، بالاترین و متعالی ترین قلب را دارد. بدین جهت قلب او عرش الرحمن ، محل ورود فیوضات ربانی و رفت و آمد فرشتگان آسمانی می باشد، پس این قلب، قلبی به وسعت همه انسان ها و تپش برای دغدغه تمامی انسان هاست. به همین دلیل حتی شب قدر هم «تنزل الملائكة و الروح» بر او و قلب جهانی او صورت می گیرد. از این رو قلبی که با قلب انسان کامل پیوند برقرار نماید، یک سیر و سلوک ویژه می یابد تا مانند قلب ولی زمان، وسیع و جهانی گردیده، و مظهر رحمت و انسانیت شود. در این مرحله است که آن قلب ، ظرفیت پذیرش ، تحمل بالاترین ، سخت ترین و بزرگترین مسئولیت ها را می یابد ؛ که می تواند توفیق همراهی و همیاری حضرت را بیابد. بنابراین طبق فرازهای متعدد از ادعیه مهدوی، داشتن قلبی که به قلب ولی زمان پیوند و سعه وجودی بیابد، مورد تاکید قرار گرفته است تا در نهایت انسان منتظر این جایگاه تاریخی را یافته و توفیق دریافت مسئولیت های سنگین نصرت و استعانت امام زمان علیه السلام را کسب نماید ؛ و در مسابقه نصرت، جزو پیشگامان باشد چرا که شرط سرعت و سبقت در یآوری امام غائب<sup>علیه السلام</sup>؛ داشتن قلبی بزرگ و ظرفیت انسانی وسیع، همانند ولی زمان است.

عظمة الإنسان ليست بار تفاع قامته، و لا سعة بيته و ثروته، بل بعظمة قلبه. لأن الهوية البشرية قائمة بالقلب. و إلا فلن تنمو البشرية و لن تنمو بكثرة الارتباطات البشرية الخارجية أو كثرة القوة الجسدية أو قوة الذائكة و المعرفة. لذلك، من أجل توسعه نطاق الإنسانية، يجب على المرء أن يبتدئ إلى قلبه. و لهذا المهم، يجب أن يرتبط بالقلب الأكبر. القلب الذي اتسع وجوده تسع كلا لبشر. الإنسان الكامل المعصوم و بسبب كمالها لجسد يوتفوقه الغيبية حظيب أسمى أرقى قلب. و لذلك فإن القلب الذي هو عرش الرحمن، أو القلب الذي هو مهبط الفيوض الإلهية، أو القلب الذي هو محور مرادة الملائكة السماوية، هو قلبه. إذن هذا القلب هو قلب يسع كلا لبشر. و هو قلب ينبض معهم و مكل البشر. و هذا هو سبب وقوع نزول الملائكة و الروح عليه و على قلبه العالمي حتى ليلة القدر. و حينئذ القلب الذي يتصلب قلب الإنسان المثالي، و هو امام الزمان عليه السلام، يجد مساراً أو منهجاً خاصاً بحيث يصبح واسعاً و عالمياً مثل قلب ولي الزمان. و يكون كقلب ولي الزمان مظهر للرحمة و الإنسانية. ففي هذه المرحلة يصلح القلب هذا لقبول و تحمل أكبر المسؤوليات و أصعبها و أعظمها. و يفوز بصحبة و مرافقة الإمام و نصرتة. لذلك، و فقالت لعديد من فقرات الدعاء المهدي، قد تم التأكيدي على قلب متصل بقلب ولي الزمان، حتى يصل إلى الإنسان المنتظر في النهاية إلى الموقف التاريخي حيث يكون قادراً على تلقي المسؤوليات الثقيلة من الدعم و المساعدة من امام الزمان بل ينبغي أن يكون من رواد سبق النصرة، لأنه من شروط الإسراع و السبق إلى نصرة الإمام الغائب، هو امتلاك قلب كبير و قدرة بشرية واسعة، مثل الإمام الغائب<sup>عليه السلام</sup>.

Greatness of human being is not in his stature, largeness of his house and abundance of wealth; rather, it is in the largeness of his heart. This is because human identity is in the heart as otherwise the humanity of man does not increase with his apparent abundance of possessions or in having lots of physical strength or powerful memory and knowledge. Thus for development of humanity the heart should be taken into consideration and for this it should be grafted with the largest heart – a heart whose span of existence is the entire humanity. The Perfect Infallible Man due to his physical perfection and spiritual excellence possesses the supreme and most transcendental heart. For this reason, the heart which is the Throne of the Compassionate or is the heart which is the entry point of spiritual emanations or is the heart which is the center of visitation of heavenly angels is his heart. Thus this heart is a heart which spans the entire humanity and is a heart that beats with the anxiety of all human beings. It is for this reason that even the “Lailat al Qadr” (the Night of Destiny) occurs with the “descent of angels and the Holy Spirit” on him and his universal heart. In this case, a heart that links up with the heart of the Perfect Human Being gains a unique spiritual experience so that it becomes ample and universal like the heart of the Guardian of the Time and becomes the symbol of compassion and humanity. It is at this stage that the spacious heart achieves the capacity to accept and endure the highest, toughest and biggest responsibilities and can be favored with succor, companionship and assistance of His Holiness. Therefore, according to numerous pieces of the Mahdism Supplication, having a heart that joins with the heart of the Guardian of the Time and gains existential amplitude has been emphasized so that ultimately the awaiting human being reaches to this historical status of earning the favor of receiving the heavy responsibilities of succor and assistance of the Imam of the Time and rather be the frontrunner in the competition of succor. This is because the prerequisite of speed and moving ahead in companionship of the Absent Imam is to have a large heart and vast human capacity just like the Absent Imam.

...اللهم

اجعلني من أنصاره

وأعوانه، والذابين

عنه، والمسارعين

إليه في قضاء حوائجه،

والممتهلين بأمره،

والمحامين عنه،

والسابقين إلى إرادته

فرازی از دعای عهد



و الذين جاءوا من بعدهم يقولون  
ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا  
بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا  
للذين آمنوا ربنا انك رؤوف رحيم

قلب مطمئنة

سليم

صبور

مخبت

منيب

اشْفِ بِهِ **صُدُورَنَا**، وَأَذْهَبْ  
بِهِ **غَيْظَ قُلُوبِنَا**، وَاهْدِنَا بِهِ  
لَمَّا اِخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ  
بِأَذْنِكَ، ...  
دعای افتتاح

قلب مریب  
قلب مختوم

قلب مریض

قلب ضعیف

دوری ها و فاصله ها  
گسست جامعه مومنانه  
تضعیف جامعه ایمانی



# Pillar of mercy and union of pious hearts

# صورة السفةة و تساوى القلوب المؤمنة

١٤

بشر فطرتاً موجودی اجتماعی است؛ ولی چگونگی جامعه سازی به دست خودش است. بیشترین جامعه سازی های بشری، چه تاریخی و چه معاصر، بر محور نیازهای دنیوی یا سود و منفعت بوده است. ولی هدف دین آسمانی، همگرایی انسان ها بر محور «ایمان آگاهانه» می باشد؛ که این ایمان آگاهانه نه با مغز، حساب و کتاب دنیوی، بلکه با قلب، دل، ایمان و باور محقق می شود. البته این باور، باور کورکورانه نیست بلکه در عقلانیت ریشه دارد. بدین جهت در مکتب اهل بیت جنود عقل و جهل معرفی می شوند تا عقل و جهل نه تنها در دائره دانش ها، بلکه به حوزه باورها، ارزش ها و حتی رفتارها هم وارد شده و مشخص سازد که قلب و دل آدمی، محور تحول هویت انسانی از جاهلیت به عقلانیت است. پس برنامه های تربیتی و اخلاقی در مذهب شیعه بر محور تحول عقلانی قلب می باشد؛ که محور و مبنای این تحول عقلانی قلب، در ولایت پذیری و وارد سازی نور ولایت به قلب است. ولایتی که در زمانه کنونی در ولایت امام غائب ع تجلی دارد. تا با این نورانیت، قلب آدمی نرم و انسانی بگردد. چرا که امام غائب ع متعالی ترین، نورانی ترین، انسانی ترین، مقدس ترین و مطهر ترین قلب را دارد، تا هر قلبی که در شعاع جاذبه اش قرار گرفت، آن هم از آلودگی ها، طمع ها، غرض ورزی ها، کینه ها و دنیا زدگی ها فاصله بگیرد، و در شعاع نورانی آن قلب سلیم و مطهر، آرامش گرفته و با دیگر قلب های انسانی بر محور ایمان و انسانیت، «سلیم» بگردد. بنابراین چون کارکرد ولایت و مهدویت «تألیف قلوب» ناظر به تحقق بالاترین جامعه ایمانی جهانی، آن هم در شرایط سخت آخرالزمانی بوده است، در دعاهای مهدوی توصیه به توسل شده ایم که ...

البشر كائن اجتماعي بذاته. لكن مختار في كيفية بناء المجتمع ومحول اليه. وقد قامت معظم المجتمعات البشرية، التاريخية والمعاصرة، على أساس الاحتياجات أو المنافع الدنيوية. لكن هدف الدين السماوي هو اتجاه البشر الموحد على محور (الإيمان الواعي). ولا يتحقق هذا الإيمان الواعي لا يتحقق بالأدمغة والحسابات الدنيوية والمصنعات، بل بالقلب والإيمان والعقيدة. طبعاً هذا الاعتقاد ليس إيماناً أعمى، لكنه متجذر في العقلانية. لهذا السبب، تم تعريف جنود العقل والجهل في مدرسة أهل البيت من أجل عدم حسابان العقل والجهل في عالم المعرفة فقط، بل أوردوه في مجال المعتقدات والقيم وحتى السلوكيات، وإثبات أن قلب الإنسان هو المركز الأساسي لتحول الهوية الإنسانية من الجاهلية إلى العقلية. لذا، فإن البرامج التربوية والأخلاقية لدى الفكر الشيعي تقوم على التحول العقلاني للقلب. ومحور و أساس هذا التحول العقلاني للقلب هو الخضوع لولاية أهل البيت ع إشعاع نورها على قلب المرء. الولاية التي تتجلى حالياً في ولاية الإمام الغائب ع. حتى يصبح قلب الإنسان بهذا البريق رقيقاً وإنسانياً. وذلك أن قلب الإمام الغائب ع أعظم القلوب رفعةً واستنارةً وإنسانيةً، و قداسةً، و نقاوةً، بحيث كلما انجذب قلب إلى شعاع جذبته يصطفي من التلوث والجشع والأنانية والحقد وحب الدنيا ويتعد عنها، ويستريح. في ضوء ذلك القلب الطاهر السليم، و يصبح سليماً مع قلوب البشر الأخرى على محور الإيمان والإنسانية. لذلك، بما أن وظيفة الولاية والمهدوية، (تأليف القلوب)، متجهة نحو تحقيق أعلى مجتمع إيماني عالمي، و ذلك في الظروف الصعبة لآخر الزمان، فقد أوصينا بالتوسل إلى الأعدية المهدوية.

Humankind is by nature a social creature. However, the manner of building society rests with him. Most of human society building whether of past or contemporary were based on worldly needs or benefit and interest. However, the objective of Divine religion is convergence of human beings revolving around the axis of "conscious faith". Moreover this conscious faith is realized not with the brain and worldly method, rather with heart, soul, faith and belief. This belief is of course not blind; rather it is rooted in rationality. Thus in the Ahl al Bayt doctrine, the forces of intellect and ignorance are presented so that intellect and ignorance are not seen solely in the sphere of knowledge and enter the fields of beliefs and values and even behavior as well. Moreover they make it clear that the heart and soul of a man is the center of transformation of human identity from ignorance to rationality. Thus training and ethical programs in Shiah school are based on rational transformation of the heart and fulcrum and basis of this rational transformation of the heart is in acceptance of religious guardianship and admission of the light of 'vilayah' religious guardianship into one's own heart - a religious guardianship that in the present time is manifested in the religious guardianship of the Absent Imam so that with this radiance a man's heart becomes warm and humane. This is because the Absent Imam has the most sublime, radiant, compassionate, sacred and purest heart so that any heart which comes within the radius of its attraction also moves away from contaminations, greed, resentment, prejudices, hatred and worldly afflictions. It takes rest in the radiant radius of that pure and sound heart and with other human hearts becomes "peaceful". Therefore, since the working of "Vilayah" religious guardianship and Mahdism (Messiahship) is subject to realization of the highest global religious society that too in the tough conditions of the End Times, "Tawassul" imploration for succor has been recommended for us in the Mahdism applications ...

اللَّهُمَّ الْمُمْ بِه سَعَتْنَا، وَ اشْعَبْ بِه  
صَدَعْنَا، وَ ارْتُقْ بِه فَتَقْنَا، وَ كَثُرْ بِه  
قَلْتْنَا، ...

اشْفِ بِه صُدُورَنَا، وَأَذْهِبْ بِه غَيْظَ  
قُلُوبِنَا، وَ اهْدِنَا بِه لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنْ  
الْحَقِّ يَا ذِيكَ، ...

+

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْكُو الْبَيْتَ فَقَدْ نَبَيْتَا  
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَبَّيْتَهُ وَلَبَّيْنَا وَكَثَّرَهُ  
عَدُونًا وَقَلْبَهُ عَدَدِنَا وَشَدَّهُ الْفِتْنِ بِنَا

وَ ...

دعای افتتاح

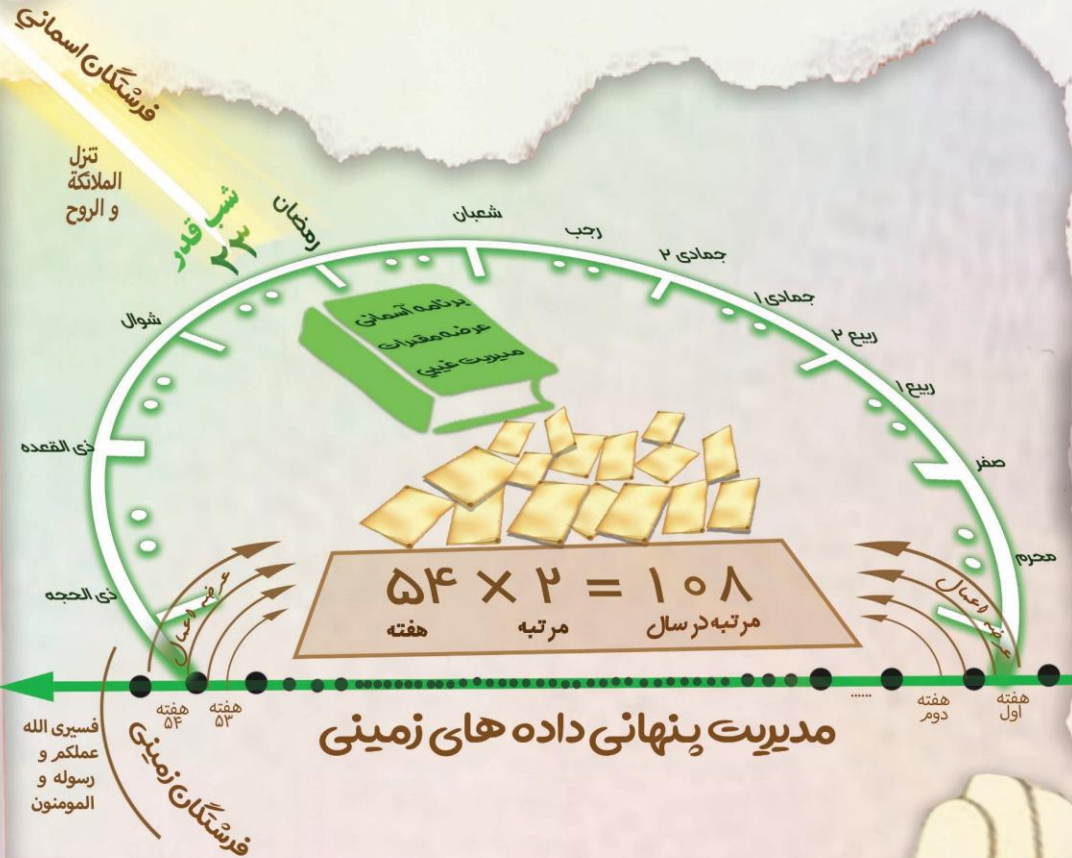




عجل الله تعالى فرجه والشریف

# مدیریت غیبی و پیوسته امام زمان

۱۵



مدیریت های جهانی  
آخر الزمانی



اسارت و بردگی جهانی

و شاهد عبادی  
و حجت علی خلق

(دعای روز سیزدهم  
ماه رمضان برای امام زمان مس)

# Occulted and Continuous Management of Imam-e-Zaman

## إمام إدارة و قيادة غيبية و مستمرة

۱۵

### امام مدیریت و راهبری غائبانه:

امامت با مدیریت، ارتباطی پیوسته و در هم تنیده دارد. این مدیریت طبعاً تمامی فرایندهای راهبری و اداره کلان جوامع بشری را شامل می‌شود. مواردی مانند دانش روزآمد از میدان، آگاهی پیوسته از وضعیت حق و باطل و داشتن طرح و برنامه سالیانه برای راهبری؛ در صورت تحقق راهبری ظاهری امامان معصوم در جوامع بشری، در دوران تکلیف و امتحان بشری، این راهبری آسمانی، متمرکز بر ابزار ظاهری و انسانی است؛ البته ناظر به اتصالها و ارتباطهای غیبی ایشان دارای دانشهای غیبی و ولایت تکوینی با دایره استفاده محدود هستند؛ چرا که زمان استفاده جامع از آن فرا نرسیده است، ولی آنگاه که به اضطرار شرایط زمانه، غیبت رخ دهد، روش مدیریت و راهبری امام تفاوت پیدا خواهد کرد. در دوران غیبت، امام غائب<sup>علیه السلام</sup> برای راهبری ظاهری جوامع حق، نائبان عام را معرفی نموده و خود راهبری غیبی و پنهانی دارد. در این امر برخی کارگزاران انسانی ویژه با ظرفیت، ماموریت محدود و در دامنه عمر انسانی در خدمت حضرت هستند؛ ولی امام در دوران غیبت چون امام تمام هستی می‌باشند و از عوارض ماموریت به ظاهر فاصله دارند، تمامی ملک و ملکوت و فرشتگان آسمان و زمین، مستقیماً در خدمت ایشان هستند. از این رو داده‌های زمینی/برنامه‌های آسمانی، توسط فرشتگان، مستقیماً به امام عرضه می‌گردد. داده‌های زمینی و میدانی هفته‌ای دو مرتبه، و برنامه آسمانی هرساله در شب قدر به امام عرضه می‌شود؛ البته دایره برونداد این مدیریت پنهان در عصر غیبت به مصلحت الهی، محدود است تا در مقابل مقام تکلیف و امتحان انسان‌ها قرار نگیرد. که تجلی تامل و تمام این مدیریت غیبی/آسمانی در عصر ظهور آشکار خواهد شد. ولی در دوران غیبت، امام دارای بالاترین جایگاه دانش، آگاهی، بالاترین قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی غائبانه قرار دارد تا ...

### إدارة و قيادة امام الغائب:

لإمامته ارتباطاً وثيقاً بالإدارة. بطبيعة الحال، تتضمن هذه الإدارة العملية الكاملة للمعرفة الحديثة من الميدان والوعي المستمر بالمجتمعات الحق والباطل ووجود خطة سنوية للإدارة. في حالة تحقق الإمامة الظاهرية للأئمة المعصومين، يركز هذه الإدارة على الوسائل الخارجية والبشرية، على الرغم من بقاء الولاية التكوينية وديموم القدرات الغيبية. لأن استخدامهما يكون محدوداً حتى يمهد لهما الوقت المناسب. ولكن في فترة الغيبة وانقطاع الاتصال بالوسائل الظاهرية، ستركز إدارة الإمام بالطبع إلى عالم الغيب والسر. ففي هذه الفترة، قد يكون للإمام الغائب<sup>عليه السلام</sup> وكلاء خاصون اختفاء إلى جانب النواب العام، لكنهم ليسوا سوى وكلاء سرية مع رسالت محددة وذو قدرة محدودة في نطاق الحياة البشرية. لذلك، في زمن الغيبة، تخدم عالم الشاهد والباطن وجميع ملائكة السماء والأرض الإمام الغائب<sup>عليه السلام</sup>، بحيث يكون لديه دائماً تناحية البيانات الأرضية / الخطط السماوية. يتم تقديم بيانات الأرضية والميدانية مرتين في كل أسبوع. وبرنامج السماء الذي يتم تقديمه كل عام في ليلة القدر. وبالطبع مدى نطاق مخرجات هذه الإدارة الغيبية الخفية في فترة الغيبة مقيد ومحدد حسب المصلحة الإلهية حتى زمن الظهور، لئلا تواجه هذه القدرة المنهلة، أمام مهمة البشر واختباره. لكن على كل حال، فهي تضع الإمام الغائب<sup>عليه السلام</sup> على أعلى مستوى من المعرفة والوعي وبأعلى مكانة في اتخاذ القرار والتخطيط في كل لحظة.

### Imam of Management and Guidance in Absentia :

"Imamat" religious leadership has connection and interrelation with management. This management by nature comprises of all leadership and macro-institution of human societies. These include instances such as up-to-date knowledge from the field, constant awareness of the right and wrong situation and having annual plan and program for leadership. In case of materialization of external leadership of the Infallible Imams in human societies and in the period of religious obligation and trial of humankind, this spiritual leadership is centered on external and human tools. However in this case, taking into consideration the Imams' occulted connections and relations, he has knowledge of the unknown and also possesses hereditary guardianship; but the sphere of using them is limited because the time of making use of them by society has not yet arrived. But when due to emergency conditions of the period occultation does occur, the management and leadership style of the Imam will also be different. In the period of occultation, the Absent Imam has introduced general representatives for external guidance of real societies but guidance itself is occulted. In this occulted guidance here are some special human representatives for him but they too are solely representatives with limited potential and assignment and in the span of human lifetime. However, during the period of his occultation, because the Absent Imam is the Imam of all existence and is apparently distanced from the toll of mission, thus the entire visible and invisible realm as well as all angels of the heaven and earth are directly at his service. In this case, the two data of the earth / heavenly agendas are presented directly to the Imam by the angels - earth and ground data that are presented twice a week and spiritual agendas that are presented yearly on the Night of Qadr. However by Divine Expediency the external scope of this hidden management in the Era of Occultation is limited in order that it is not placed in the position of religious obligation and trial of human beings. The absolute and complete manifestation of this occulted / spiritual management shall become apparent in the Era of Reappearance. However in this same period of Occultation it places the Absent Imam (May Allah hasten His Reappearance) in possession of the highest position of knowledge and awareness as well as with the highest power of decision-making and planning in absentia so that ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَ  
خَلِيفَتِكَ وَلسَانِكَ وَالْقَائِمِ  
بِقِسْطِكَ  
وَالْمَعْظُمِ لِحُرْمَتِكَ وَالْمُعَبَّرِ  
عَنكَ وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَعَيْنِكَ  
النَّاظِرَةِ وَأَذُنِكَ السَّامِعَةِ وَ  
شَاهِدِ عِبَادِكَ  
وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ  
الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ وَالْمُجْتَهِدِ  
فِي طَاعَتِكَ  
وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا  
تَضِيعُ وَآيِدِهِ بِجَنْدِكَ الْغَالِبِ

(دعای روز سیزدهم  
ماه رمضان برای امام زمان بی‌سما)



الله

أنا بقیه الله

يا ابطالع المهدي  
ادركني

عجل الله تعالى  
فرجه والشرف

جغرافياي  
فرياد رسي  
و تشرفات

مصر

افغانستان

آذربايجان

پاکستان

سوريه

لبنان

ترکيه

ايران

عراق

... وعينك الناظرة ياذنك،  
وشاهدك على عبادك،

الججاج  
المجاهد...

# Persistent and Indefatigable Seeker

# الجمہاج المجاہد (جہد مستمر بلا تعب، طوال فترۃ الغیبة)

امام فراتر از زمان و مکان:

امام هر زمان، جامع عصمت زمینی، اتصال آسمانی و دانش بیکران غیبی می باشد، بدین جهت در پس پرده غیبت نمی تواند آرام و قرار داشته باشد. به ویژه وقتی که عین الله بوده و شاهد بر وضعیت و زندگی انسان ها هستند. بدین جهت از القاب ویژه امام غائب این است که با وجود غائب بودن، نه تنها تلاشگر پیوسته هستند!! بلکه سرآمد تلاشگران می باشند. در برخی از تشریفات و مکاشفات غیبی، حضرت در حال دستگیری لحظه به لحظه، در جای جای جغرافیای انسانی، در کشورهای مختلف، دیده شده است، فراتر از محدودیت زمان و مکان، (طی الارض و ...) و در نهایت تلاشگری، که بازتاب تلاش غائبانه اش یاری گری مستضعفان و محرومان ناامید از هر جا، به ویژه دینداران در شرایط سخت زمانه آخر می باشد.

إمام، فوق الزمان والمكان:

إن إمام كل زمان جامع «العصمة، والاتصال السماوي، والمعرفة الغيبية». لذلك فإن إمام كل عصر هو امام ظاهر الحيوة و باطنها. و لأن الأرض و ملكوتها بيده، فهو على أعلى مستوى من الجهد ليكون قادراً على أن يكون هادياً و قائداً في عالم الإنسانية. ثم بعد فترة الغيبة و بداية إمامة إمام الغائب خلف ستار الغيب، وإن لم يمهد له تكاليف ظاهرية، لكنه عليه القيادة و الهداية و الاغاثة الباطنية. و بالنظر إلى النطاق الواسع لهذه المهمة الخاصة، فإن حضرته لا يمكن أن يحظى بلحظة هادئة. خاصة و أنه «عين الله»، و يشهد على أحوال الناس و حياتهم و ظروفهم و مدى حاجتهم أو حرمانهم و ظلمهم. و في نفس الوقت هو «يدالله» حتى يكون مهمته هي الاغاثة. لذلك فإن من القاب الإمام الغائب <sup>عجل الله تعالى فرجه و الشرف</sup> أنه «الجحجح المجاهد» هذا بالرغم من غيبته. فالأمام ليس مجاهداً مستمراً فقط!! بل هو قائد المجاهدين. و المنطق القرآني لهذه الاغاثة الغيبية، قصته خضر مع موسى و بعض قصص القرآنية الأخرى، و طريقتها مبنية على أمور غامضة. (كطي الأرض، علم الغيب، العجزة ...) و اللثير للدهشة أن هذه الاغاثة من قبل الإمام الغائب <sup>عجل الله تعالى فرجه و الشرف</sup>، يحسب إخبار تشرفات الهدوية، يرافق للحظات ربيعية و .... نعم هذه الاغاثة لها نظامها و قانونها الخاص بها، و نطقها ليس واضحاً لنا، و لكن يجب أن نعرف أنه ليس من المفترض أن تغلب على الحياة الظاهرية و الإرادة الحرة للإنسان، فلا تسقط المهام الظاهرة و التكاليف الدينية و الواجب من كل واحد منّا. لكنه في دائرتها عامل رجاء و أمل للمحرومين و المحتاجين.

The Imam of every period is comprehensive of earthy infallibility, spiritual connection and boundless occult knowledge. Therefore the Imam of every era has both external and internal missions. Moreover, since he is charged with the responsibility of spiritual guidance of the earth and its inhabitants, he is at the highest level of seeking so that he can be both a guide as well as redresser of grievances in the sphere of humanity. Following the beginning of the period of Occultation and starting of the Imamat – religious leadership – of the Imam in absentia behind the curtain of Occultation, he no longer has the external duty but is responsible vis-à-vis the most direct internal missions. Moreover, considering the wide scope of this special mission, his holiness cannot rest and be at ease for a single moment. In particular, he is “Einullah” – Eyes of Allah – and is witness to the situation and living conditions of human beings and is the extension of their needs or deprivations and unjust treatments and at the same time he is “Adullah” – Hand of God – and his mission is to redress grievances. Thus one of the Absent Imam’s special monikers in the period of Occultation is that in spite of being absent he is not only the persistent seeker; rather, he is the perfect of seekers. The Quranic rational and basis of this occulted redressing of grievances is the story of Khizr with Moses and some other stories in the Holy Quran and the method of its implementation is based on certain occulted matters (such as “Tai al Arz” – traversing long distances in short time, knowledge of the unseen, miracles etc ...). Moreover it is surprising that its implementation by the Absent Imam according to reports of honor of visitations of Mahdism is accompanied with materialization of moments of spring. Of course these spring moments have their own particular law and order whose scope is not clear to us but it should be known that it is not supposed to triumph over external human resolves in order to be resolver of external human obligations as well as the natural current of life and obligation. However, in its own sphere it is an emergency relief for the underprivileged and vulnerable. For this reason analytical studies of the honor of visitations and occulted revelations bear testimony to the Absent Imam’s succor at every moment in every human geography and in various regions. Moreover, in certain visitations, appearances of these extensive and indefatigable assistances of His Holiness have been noticed. The most important product of this redressing of grievances farther than frontiers, skin colors and races but which revolves around pious imploration, is to provide relief to the underprivileged, the vulnerable and the special needy and utterly hopeless – a provision of relief that in the difficult conditions of the End Times occupies a special place.

أَنَّ الرضا عليه السلام،  
كان يأمر بالدعاء لصاحب  
الأمر بهذا:  
اللهم ادفَع عن وليِّك  
و خليفتك، و حجتك على  
خلقك و لسانك المعبر  
عنك، الناطق بحكمك،  
و عينك الناظرة بإذنك،  
و شاهدك على عبادك،  
الجحجح المجاهد....

خدایا دفاع کن، از ولیت، و  
خليفة ات و حجت بر  
آفریدگانت، و زبان  
سخنگوی از جانبت، و  
گویای به حکمتت، و دیده  
نگرنده به اجازه ات، و گواه  
بر بندگانت، آن سرور  
بزرگوار مجاهد، ....



یا ایها الذین آمنوا... فصل ۱۲۶ نساء  
 یترددوا بها ایماناً مع إيمانهم... فتح ۴

امید

ایمان بعد از ایمان

اجابت

فهرست تشرفات  
 مفاتیح الجنان:  
 - تشرف سید بن طاووس  
 - تشرف حاج علی بغدادی  
 - تشرف سید احمد رشتی

فرا زمان  
 فرا مکان (طی الارض)  
 فرا عادت (معجزه)  
 دانش شگفت (دانی کل)

- نورانیت  
 - آرامش دل  
 - عطر آگین  
 - طبیعت بهاری



...السلام علی  
**رَبِیع الأَئام**  
 و نظرة الأيام...  
 زیارت سید علی نقی

# Moment of Spring (Honor of Visitation)

## لهظات الربيع (التشرف)



امام غائب<sup>عجل الله تعالى فرجه و الشرف</sup> در فرهنگ شیعه، یعنی انسان کامل روزآمد که به صورت ناشناس زندگی می کند ، و چون انسان کامل است دارای قدرت های غیبی و ماورائی می باشد . رسالت هدایت پنهانی جوامع انسانی ، به ویژه جوامع شیعی را ایشان به عهدا دارند. بخشی از این رسالت و هدایت پنهانی، ناظر به نیازها ، گرفتاری ها و درماندگی های شیعیان ، محرومان و مستضعفان است. نیاز و درماندگی ای که هیچ راه چاره زمینی ندارد، ضمناً مصلحت فریادرسی هم دارد. در این صورت ، با استغاثه و توسل به محضر امام غائب<sup>عجل الله تعالى فرجه و الشرف</sup> ، می تواند رویدادی سگفت رخ بدهد بنام «تشرف» . تشرف، صحنه ای و لحظه ای است که در اوج اضطرار و استغاثه، ناگهان توفیق دیدار امام غائب<sup>عجل الله تعالى فرجه و الشرف</sup> حاصل می شود . این رویداد از منظر قرآنی مانند دیدار کوتاه مدت و متفاوت موسی و یوشع با خضر<sup>علیه السلام</sup> است. در این دیدار انسان کامل خفی (امام) ، با کارکردهای آسمانی و تکوینی خود ظاهر می گردد. بدین جهت است که در «صحنه تشرف» (مانند قصه موسی<sup>علیه السلام</sup> و ...)، دیداری کوتاه با انسانی دارای هویت آسمانی صورت می گیرد. با این نگاه وقتی حکایات مستند تشرف مورد مطالعه ، تجزیه و تحلیل قرار گیرد، از جهت توصیف صحنه، اغلب گزارش لحظه های بهاری را از تشرف دارند. (به عنوان نمونه ن.ک مقاتیح الجنان، تشرف حاج علی بغدادی)؛ بازتاب این لحظه بهاری در گستره وسیع زمستان غیبت، نجات، شفاء حاجت، راهنمائی و یا ... است.

### لهظات الربيع:

الإمام الغائب<sup>عجل الله تعالى فرجه و الشرف</sup> في الثقافة الشيعية يعني الإنسان المثالي العصري الذي يعيش مجهول الهوية. وبما أنه الإنسان الكامل، يكون لديه قوى غامضة و خارقة للطبيعة. و لأنه امام مهمته إرشاد المجتمعات البشرية سراً، وخاصة المجتمعات الشيعية. جزء من هذه المهمة و التوجيهات السرية هو العناية بحاجات و متاعب و استكاثرة الشيعة و المحرومين و المضطهدين. الحاجة و الاضطراب اللذان ليس لهما حل أرضي، في نفس الوقت، لهما أيضاً مصلحة الإغاثة. في هذه الحالة، و من خلال التوسل و الاستغاثة بساحة الإمام الغائب<sup>عجل الله تعالى فرجه و الشرف</sup>، يمكن أن يحدث حدث رائع يسمى (التشرف). التشرف؛ مشهد و لحظة تتحقق فيها فرصة لقاء الإمام الغائب<sup>عجل الله تعالى فرجه و الشرف</sup> فجأة، في ذروة الاضطراب و الإستغاثة، يشبه هذا الحدث من وجهة النظر القرآني للقاء المختر و المختلف بين النبيين موسى و الخضر<sup>عليه السلام</sup>. ففي هذا اللقاء، يظهر الإنسان الكامل الخفي بمظاهره السماوية و التكوينية. لهذا السبب، في (مشهد التشرف) الذي يشبه هذه القصة، يحدث لقاء قصير مع شخص سماوي له تلك الهوية السماوية. من وجهة النظر هذه، عند ما نقوم بدراسة و تحليل قصص تشرف الوثائقية، من أجل وصف المشهد، فإنها غالباً ما تنقل لحظات ربيعية في التشرف. (على سبيل المثال، انظر مقاتيح الجنان، تشرف الحاج علي بغدادی). و يكون انعكاس لحظة الربيع هذه في المستوى الشاسع لشتاء الغيبة؛ الخلاص، الشفاء، قضاء الحاجة، الإرشاد أو ...

### Moments of Spring:

In Shiah culture, the Absent Imam meaning the up-to-date Perfect Human Being who lives anonymously and since he is the Perfect Human Being, he possesses occulted and transcendence powers. Moreover, since he is the 'Imam' religious leader, he has the mission of covert guidance of human and in particular Shiah communities. A part of this covert mission and guidance is concerned with the needs, sufferings and helplessness of Shiites, the underprivileged and the destitute – a neediness and helplessness that has no worldly solution while it also has the utility of redressing evances. It is thus that with imploration and invocation to the Holy Presence of the Absent Imam, wonderful things such as "honor of visitation" can occur. "Honor of Visitation" is the scene and moment when at the height of anxiety and imploration for assistance, the blessing of seeing the Absent Imam is achieved all of a sudden. From the Quranic viewpoint this event is like the brief and dissimilar visit of Moses and Joshua with Khizr. In this visitation the concealed Perfect Human Being who has become visible, becomes visible with his own heavenly and existential functions. It is thus that in the "scene of visitation" too which is similar to this tale, a brief visit occurs with a heavenly human being with his same heavenly identity. With this perspective when documented stories of the honor of visitation are analyzed, from the aspect of description of the scene of visitation, most have reports of spring moments. (for an example refer to Maqatih al Jinan: Honor of Visitation of Hajj Ali Baghdadi). The expression of this spring moment in the vast expanse of the winter of Occultation is salvation, the granting of wish, guidance and / or ...

...السلام علي  
رَبِيع الأَنَامِ  
و نظرة الأَيام ...

+  
اللهم أرني الطلعة  
الرشيدة و العروة  
الحميدة و الكحل  
ناظري به نظرة  
مئى اليه....

دعای ندبه

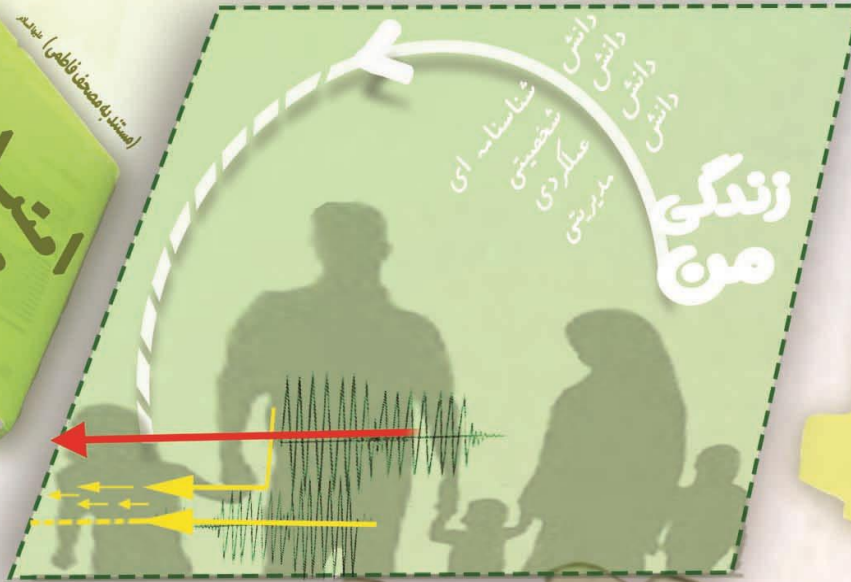


الله

یا ابراهیم الخدی



ربنا هب لنا من ازواجنا و زریاتنا قرۃ اعین ...  
(۷۳ فرقان)



رب اغفر لی و لوالدی ...  
(۲۸ نوح)

فردا

امروز

دیروز



وَ اجْعَلْنِي وَ وَالِدِي  
وَ مَا وَلَدَا وَ وُلْدِي  
مِنَ الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ ...



# More Knowledgeable than Me of Me

أعلم  
منى بنفسى



بهترین کسی که مرا می شناسد:

امام در فرهنگ شیعی کسی است که تمامی دانش پیامبران پیشین نزد اوست؛ که دارای علم غیب هم هستند. نزد او همچنین مصحف علوی و مصحف فاطمی (مهمترین منبع دانش؛ ماکان و مایکون) می باشد. این در حالی است که اعمال بندگان به طور پیوسته بر او عرضه می گردد. بنابراین امام کسی است که در هر لحظه، جامعترین دانش را نسبت به سه زمان «گذشته»، «حال» و «آینده» دارد. از جمله این دانش ها، آگاهی تفصیلی آن حضرت نسبت به هر فرد انسانی و به ویژه شیعیانشان است. امام غائب علیه السلام نظر به عمر طولانی خود و رسالتی که تا زمان ظهور، و در دوران ظهور دارد؛ جامعترین دانش آسمانی و زمینی را در میان انسان ها دارا می باشد. با توجه به رفت و آمد نسل ها و توالی پیاپی آن ها در دوران طولانی غیبت، ایشان بیشترین آگاهی را درباره هر فرد، پیشینه و مسیر احتمالی او در آینده را دارند. او بهتر از هر فرد، از ویژگی ها، استعدادها، حتی ظرفیت های خانوادگی و زمانی او آگاه است. او کسی است که این دانش ها را علیه هر فرد یا به نفع خودش استفاده نمی کند، بلکه این آگاهی ها را برای تعالی و کمال تک افراد در اختیار دارد. بدین جهت در ادعیه شیعی و همچنین در زیارات مهدوی، به این آگاهی ویژه امام توجه شده و از زاویه گسترده و دامنه علم امام نسبت به خود، بخشی از نجواها و نیایش های مهدوی شکل گرفته است. متن این نجواها، گاه در درخواست بهترین ها برای سه گانه دیروز، فردای و حال من (هر سه نسل) است؛ گاهی در مقام عهد و پیمانی فراگیر و به وسعت همه نسل ها می باشد؛ گاه در مقام معرفی گسترده انتظار خاندانی است. و گاه هم در مقام درخواست بهترین توفیق ها و ... در جمع بین دیروز و امروز، برای فردای یک نسل منتظر است. و گاه ...

الإمام في الثقافة الشيعية هو الذي لديه كل علم الأنبياء السابقين. بل بالأحرى لديه المعرفة بالغيب. ورث المصحف العلوي والمصحف الفاطمي (أهم مصدر لمعرفة ما كان وما يكون). ويعرض عليه أيضا أعمال العباد باستمرار. وهذا البيان، فإن الإمام هو الوحيد الذي يمتلك في الآن، المعرفة الشاملة للماضي والحاضر والمستقبل. ومن جملة هذه المعارف معرفة التفصيلية بكل إنسان، ولا سيما أفراد شيعته. يمتلك الإمام الغائب عليه السلام شمول معرفة بالسماء والأرض، بالنظر إلى عمره الطويل والرسالة التي على عاتقه حتى ظهوره في زمن ظهوره أيضاً. ونظراً إلى تعاقب الأجيال المستمر، فإن لديه أكبر قدر من المعرفة عن كل شخص وخلفيته ومسيرة المحتمل في المستقبل. إنه يعرف أفضل من أي شخص خصائصه ومواهبه وحتى عائلته وقدراته الزمنية. وهو الذي يمتلك هذه المعارف ضدّي أو لمصلحته الخاصة، والتي هي من أجل اعتلاء نفسي وكمالي. لهذا السبب، يتمكن الشيعي أن ينجح إمامه ويدعوه في ادعيته وفي الأدعية المهدوية أيضاً من منظار ونطاق معرفة إمامه به، وأحياناً يكون هذا النجوى في موضع الطلب الأفضل للثلاث نفسي، الحين والأمس وغداً، وأحياناً يكون في موقع عهد واتفاق شامل على مدى جميع الأجيال وهويتي.

Humankind is by nature a social creature. However, the manner of building society rests with him. Most of human society building whether of past or contemporary were based on worldly needs or benefit and interest. However, the objective of Divine religion is convergence of human beings revolving around the axis of "conscious faith". Moreover this conscious faith is realized not with the brain and worldly method, rather with heart, soul, faith and belief. This belief is of course not blind; rather it is rooted in rationality. Thus in the Ahl al Bayt doctrine, the forces of intellect and ignorance are presented so that intellect and ignorance are not seen solely in the sphere of knowledge and enter the fields of beliefs and values and even behavior as well. Moreover they make it clear that the heart and soul of a man is the center of transformation of human identity from ignorance to rationality. Thus training and ethical programs in Shiah school are based on rational transformation of the heart and fulcrum and basis of this rational transformation of the heart is in acceptance of religious guardianship and admission of the light of 'vilayah' religious guardianship into one's own heart - a religious guardianship that in the present time is manifested in the religious guardianship of the Absent Imam so that with this radiance a man's heart becomes warm and humane. This is because the Absent Imam has the most sublime, radiant, compassionate, sacred and purest heart so that any heart which comes within the radius of its attraction also moves away from contaminations, greed, resentment, prejudices, hatred and worldly afflictions. It takes rest in the radiant radius of that pure and sound heart and with other human hearts becomes "peaceful". Therefore, since the working of "Vilayah" religious guardianship and Mahdism (Messiahship) is subject to realization of the highest global religious society that too in the tough conditions of the End Times, "Tawassul" imploration for succor has been recommended for us in the Mahdism supplications ...

... وَاجْعَلْهُ فِي  
وَدَيْعَتِكَ الَّتِي  
لَا تَضِيعُ وَآيِدُهُ  
بِحُنْدِكَ الْعَالِبِ وَاعْنَهُ  
وَاعْنُ عَنْهُ وَ  
اجْعَلْنِي وَوَالِدِيَّ  
وَمَا وَلَدًا وَوَلَدِي  
مِنَ الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ  
وَ يَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا  
وَ الْآخِرَةِ ...

دعا برای امام زمان  
در روز ۱۳ رمضان



ادوار آسمانی تاریخ :

عصر نبوت / امامت / غیبت صغری / غیبت کبری / ظهور / رجعت

خط زمان :

تاریخ



دیروز انسانی / امروز / فردای انسانی

حیرت  
اضطرار  
تسلیم  
رضه و اندام

آین



فَقْتَلَ مِنْ قَتْلٍ

اراده  
اکثریت

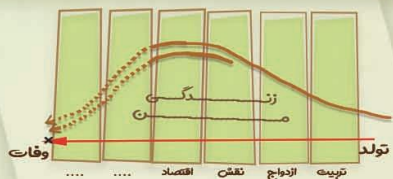
۱  
۷

اراده فردی

۳۰  
۳۰

دعای عهد

بیعت  
عهد



زمین از من است

آین  
بیعت است



# Basis of Messianic Lifestyle (Nudbah + Ahd)

## أساس الملوك

### الانتظار «الندبة + العهد»

١٩

انتظار افضل الاعمال است. بنابراین انتظار فقط یک حالت انسانی و یا یک آرزو در حاشیه زندگی نیست؛ بلکه باید به نرم افزار روح بخش متن زندگی تبدیل شود و تمامی عملکردها را جهت دهی کند تا جایگاه افضل الاعمال را بیابد. راهبرد تبدیل انتظار از آرزو به عمل در چارچوب ادعیه و زیارات مهدوی ارائه شده در «دعای ندبه و دعای عهد» است. آنالیز محتوایی این دو دعا، راهبرد انتظار پویا را نشان خواهد داد. دعای ندبه که هفتگی خوانده می شود؛ رسالتش جلوگیری از ماندن انتظار در حد آرزو است. در این دعا اراده های موازی خدا، اولیای الهی، ابلیس و اکثریت انسان ها در تاریخ معرفی می شود؛ که نشان می دهد خداوند برای هدایت و تعالی انسان ها طرح و برنامه دارد. ولی معبر تحقق این برنامه، اراده های اکثری انسان است؛ با راهبری های معصومانه تاریخی می بایست به بهشت ظهور می رسید ولی این اراده ها در طول تاریخ متاسفانه به سوی باطل بوده است تا در نهایت غیبت امام و حیرت جامعه انسانی معاصر و آینده رخ بدهد، و انبوه مستضعفان فریاد برآورند که «آین...». و دعای عهد که نشان می دهد، نباید مومنان و منتظران در گمراهی اکثریت شریک شده و آن را ادامه و یا توسعه دهند. اگرچه تک تک اراده های مومنانه با وجود در اقلیت بودن، نیازمند جهش هستند، که با اراده امام غائب ع پیوند خورده و باعث شده ارتقا و جهش کیفی یابند، در نتیجه سبک زندگی منتظرانه شکل خواهد گرفت. سبکی از زندگی که متعالی ترین، بزرگترین هدف، جامعترین طرح و برنامه برای مهمترین مراحل، مسائل و نقش های زندگی را دارد. تا نتیجه اش تلاش پیوسته، حداکثری و نافع در زندگی باشد که بالاترین رضایت از زندگی را به همراه خواهد داشت.

الانتظار افضل الاعمال. فلا يكون حالة نفسية أو أمل في هامش الحياة فحسب. بل يجب أن يتحول إلى برنامج مريح في متن الحياة يقوم بتوجيه النشاطات حتى تصل إلى مرحلة افضل الأعمال. قد تم تقديم طريقة تعديل الانتظار من الأمل إلى عمل في إطار الأدعية والزيارات المهدوية. دعای الندبة و دعای العهد: تحليل محتوى الدعاء ينسرد لنا طريقة الانتظار المتجدد. رسالت دعای الندبة المتلوة أسبوعياً، هو المنع عن بقاء الانتظار في حد أمنية. يقوم الدعاء بتعريف الإرادات الموازية لله والأولياء و إبليس و كثير من الناس عبر التاريخ. و يوضح لنا أن الله هي الناس بلألهادية الإنسان و تمنيته. لكن معبر تحقق هذا البرنامج هو الإرادة الأكثرية للناس و المفروضاً تتصل إلى أنه الظهور بالقيادة التاريخية المعتمنة. لكن للأسفجرت هذه الإرادات نحو الباطل عبر التاريخ حتى وقوع غيبة الإمام و تحير المجتمع البشري المعاصر و المستقبل. و تصرخ جماهير المستضعفين: «آين معز...». و يفرض علينا دعای العهد، أن لا يشترك المؤمنون و المؤمنات في ضلال الأكرية حذراً من استدامتها و توسيعه. و على فرض و صلة الإرادة المؤمنة من كل واحد مع إرادة الإمام الغائب ع رغم قلت عددهم و يسمو و يتطور نوعياً. سوف يتحقق منهج الحياة المنتظرة. منهجاً يحمل أسمى و أعظم هدف. و أشمل برنامج لأهم مراحل و قضايا و أدوار الحياة. فيكون نتيجتها المحاولة المستمرة و البليغة و النافعة للحياة و التي تجلب أفضل رضا من الحياة.

**Awaiting the Savior is the most superior of deeds: Therefore, Awaiting is not just a human condition or an aspiration on the sideline of living; rather, it has got to be transformed into a spiritualizing software of the context of living and direct all actions until it finds its place as the most superior of deeds. The approach of transforming Awaiting of the Savior from aspiration to deed has been presented in the framework of Mahdism supplications and Ziyarah. (Du'a Nudbah and Du'a Ahd Supplications) Content analyses of these two "Du'a" supplications shall reveal the strategy to dynamic Awaiting of the Savior. The mission of the Du'a Nudbah supplication which is recited weekly is to prevent remaining in Awaiting of Savior at the level of aspiration. In this supplication the parallel will of God and Divine saints and Satan and the majority of humans in history is introduced and it shows that God Almighty has plan and program for guidance and transcendence of human beings. However, the pathway to realization of this plan is the will of the majority of humans who with the infallible guidances of history should have reached to this paradise of Reappearance but unfortunately the resolves throughout history have been towards falsehood so that ultimately the Occultation of the Savior Imam and perplexity of present and future human society occurs and the masses of the underprivileged cry out "آين... The Covenant "Ahd" Supplication shows that pious believers and the Awaiters of the Savior must not share in the misleading of the majority and not continue or increase it. Moreover, if the will of each and every believer in spite of being in the minority, is cemented with the will of the Absent Imam and gains qualitative support and leap, the Awaiting (the Savior) lifestyle shall materialize. This lifestyle incorporates the most transcendent and greatest objective and the most comprehensive plan and program for the most important stages, problems and roles of life so that its outcome is constant, maximum and beneficial effort in life which shall be accompanied with the highest satisfaction from life.**

دعا ندبه:

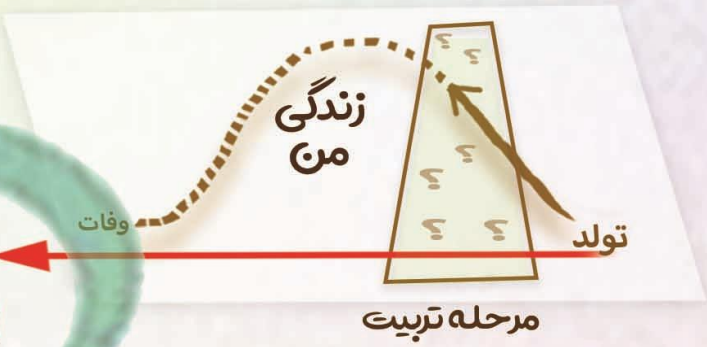
أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَاتَخْلُو  
مِنَ الْعَبْرَةِ الْهَادِيَّةِ؟ أَيْنَ الْمَعْدُ  
لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ؟ أَيْنَ  
الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ؟  
أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ  
وَالْعُدْوَانِ؟ أَيْنَ الْمَدْحَرُ  
لِتَجْدِيدِ الْفُرَائِضِ وَالسَّنَنِ؟ ...

دعای عهد:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَّ  
الْمُهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ  
اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ  
عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،  
سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا،  
وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدِيَّ مِنَ  
الصَّلَوَاتِ...



الله



هدف

استعدادیابی

زمان شناسی

فرصت شناسی

علامه حلّی:  
کتبخانه  
سیر

شیخ بهایی:  
جامعیت در  
علم ریخ و دنیا

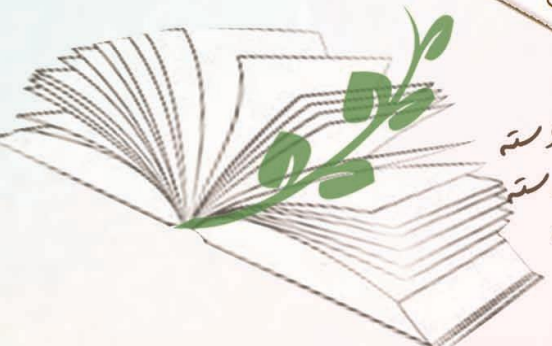
قاضی نورالله شوشتری  
سید موسی صدر:  
همرت هار  
تعول کفریح  
و تاریخ ساز

نصیر الدین طوسی:  
تصفیل همتر در  
بزرگسالر

شیخ صدوق:  
سرفهار  
علسر

شیخ انصاری:  
فکر در سزاد استار  
افخالق در  
اوج مرصیت

سلوک پیوسته  
استاد پیوسته  
دانش پیوسته



.. وَقُونَا عَلَى طَاعَتِهِ،  
وَبِتُّنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ..

# Lifestyle 1: Savior Awaiting Training

## أهلوب الحياة ١ : التعليم والتربية المهدوية

٢٠

انتظار افضل الاعمال است. بنابراین انتظار فقط یک حالت انسانی و یا یک آرزو در حاشیه زندگی نیست ؛ بلکه باید به نرم افزار روح بخش متن زندگی تبدیل شود و تمامی عملکردها را جهت دهی کند تا جایگاه افضل الاعمال را بیابد. راهبرد تبدیل انتظار از آرزو به عمل در چارچوب ادعیه و زیارات مهدوی ارائه شده در «دعای ندبه و دعای عهد» است. آنالیز محتوایی این دو دعا، راهبرد انتظار پویا را نشان خواهد داد. دعای ندبه که هفتگی خوانده می شود؛ رسالتش جلوگیری از ماندن انتظار در حد آرزو است. در این دعا اراده های موازی خدا ، اولیای الهی ، ابلیس و اکثریت انسان ها در تاریخ معرفی می شود؛ که نشان می دهد خداوند برای هدایت و تعالی انسان ها طرح و برنامه دارد. ولی معبر تحقق این برنامه، اراده های اکثری انسان است ؛ با راهبری های معصومانه تاریخی می بایست به بهشت ظهور می رسید ولی این اراده ها در طول تاریخ متاسفانه به سوی باطل بوده است تا در نهایت غیبت امام و حیرت جامعه انسانی معاصر و آینده رخ بدهد ، و انبوه مستضعفان فریاد برآورند که «آین ...». و دعای عهد که نشان می دهد، نباید مومنان و منتظران در گمراهی اکثریت شریک شده و آن را ادامه و یا توسعه دهند. اگرچه تک تک اراده های مومنانه با وجود در اقلیت بودن ، نیازمند جهش هستند، که با اراده امام غائب پیوند خورده و باعث شده ارتقا و جهش کیفی یابند، در نتیجه سبک زندگی منتظرانه شکل خواهد گرفت. سبکی از زندگی که متعالی ترین ، بزرگترین هدف، جامعترین طرح و برنامه برای مهمترین مراحل ، مسائل و نقش های زندگی را دارد. تا نتیجه اش تلاش پیوسته ، حداکثری و نافع در زندگی باشد که بالاترین رضایت از زندگی را به همراه خواهد داشت.

مرحله التعليم والتربية هي أول مراحل الحياة التي تبدأ من فترة الطفولة وتمتد لا أقل الى فترة الشباب. وقيادة هذه المرحلة ثلاثية من العائلة والمدرسة والذات. لكن دور الأسرة والنفس في هذا المجال أكثر. سيما إذا كانت البيئة غير مطلوبة. دور الانتظار والمهدوية في توجيه التربية والتعليم. يكون في البداية بملاحظة أعلى من نظرة إنسانية وسماوية. والذي يتجلى في مزوج عصر الانتظار / الظهور مع محوريات قيادة الإمام الثاني عشر. ولذلك يقدم في أول خطوة من أهداف الحياة. وهو الوصول الى قمة درجة المماثلة مع الإنسان الكامل النهائي. في أرقى درجة الازدهار وخلق الأدوار التاريخية / العالمي. ومن البيهبي أن الوصول الى هدف عظيم سامي يتطلب تصميمًا وبرنامجًا خاصًا تصميمًا شاملاً للمؤهلات والفرص وإدراك ظروف الزمان والمكان في مرحلة التعليم. ثم يتجه نحو مخطط تربوي متواصل وخطوة خطوة جامع. التربية في جميع المستويات الفكرية والقيمية والعلمية والسلوكية والحنفية في مجالي للمؤهلات الخاصة والمؤهلات العامة. أضف اليه أن هذا التعليم والتربية سيما التربوية الأخلاقية بحذاء الفترات التخصصية، تجري برامج متواصلة حتى يصير الوعي العلمي وكذلك التربوي حديثًا دائمًا في عالم العلوم اللانهائية المعاصرة. حتى يصبح كل منتظر في أعلى درجة علمية وحنفية وفضيلة... تخصصية. ويكون مستعدًا لإنجاز دوره في المستوى العالمي وفي أصعب الظروف، بل ويكون مستعدًا للإدارة التخصصية للعالم المؤمن في ظروف آخر الزمان القلوبية. فإن هذه المرتبة الخاصة جدًا لكن الصعبة سيوصل الإنسان الى مستوى كما ذكره المعصومون أن مؤمنني آخر الزمان هم أفضل المؤمنين طوال تاريخ الإنسان.

The first stage of life is the stage of education and training which begins from childhood and continues at least until young adulthood. Guidance of this period is with the three family, school and self units respectively. However, among the three the role of family and individual is greater especially if a person lives in unfavorable societies. Role of Awaiting the Savior and Mahdism (Messiahship) in directing education and training is initially the taking into consideration of the highest human and spiritual perspective that becomes manifest in the two periods of Awaiting the Savior and His coming out of Occultation revolving around the guidance of the Twelfth Imam. Therefore the objective of life is defined at the very first step which is reaching the highest level of degree of likeness with the ultimate perfect human being and with the highest degree of development and historical / global role-playing. Evidently, achieving a great and transcendent objective demands special plan and program – a plan that is comprehensive of talents, opportunities and grasp of the conditions of time and place in the education phase and then move on towards an uninterrupted, step by step and comprehensive training program. Training in all topics of the intellect, values, knowledge, behavior and skill in the two spheres of special talents and general talents. Meanwhile, this education and training especially moral behavior training alongside unique specialization course should also have an uninterrupted and constant program so that is always up to date in the contemporary world of boundless knowledge, scientific awareness and likewise, excellence in training. This is in order that every Awaiter of the Savior is at the highest level of knowledge, skill, virtue and ...specialization and is prepared for role-playing in the global arena in the toughest of conditions. Rather, he should be prepared to comprehend the specialized global management of believers in the topsy turvy conditions of the End Times for it is this extremely special but difficult stage that reaches man to where according to the Infallibles, the pious believers of the End Times will be the most superior of believers in all the history of humankind

فَقُوْ قُلُوْبَنَا عَلٰى  
الْاِيْمَانِ بِهٖ، حَتّٰى  
تَسْلُكَ بِنَا عَلٰى يَدَيْهِ  
مِنْهَاجِ الْهُدٰى  
وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمٰى،  
وَالطَّرِيْقَةَ الْوَسْطٰى،  
وَقُوْنَا عَلٰى طَاعَتِهِ،  
وَتَبَتْنَا عَلٰى مُتَابَعَتِهِ،

...

دعای غیبت امام زمان

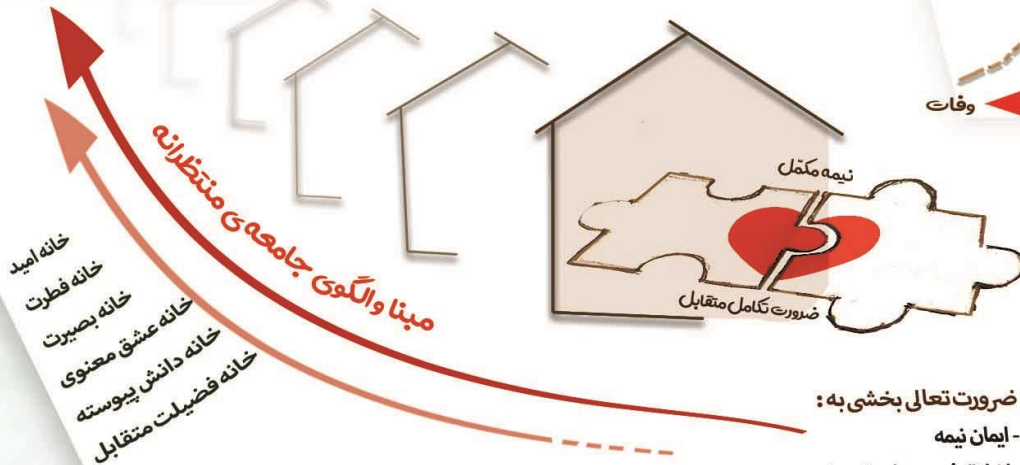
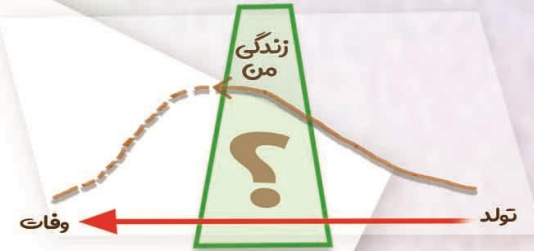


جهانی ترین هدف



طرح آسمانر انظار / ظهور

طراحی  
با نشاط ترین  
، جدیدترین  
، به روزترین  
هستم ی جامعه ی  
منتظرانم



- ضرورت تعالی بخشی به :
- ایمان نیمه
  - اخلاق فردی و غیر اجتماعی
  - شخصیت اجتماعی نیمه
  - دور از امدادهای آسمانی ویژه
  - هدف مستظرانه ناقص

رَبَّنَا هَبْ لَنَا  
مِنْ أَزْوَاجِنَا  
ذُرِّيَّاتَنَا...

## Lifestyle 2: Mahdism Marriage

## أهلوب الءياة ٢ : الزواج المهدوى

٢١

ازدواج، دومين كام ارادى و اختيارى زندگى آدمى است. ضرورت ازدواج به سه امر باز مى گردد. از جهت فردى، باعث تكامل شخصيت تك تك همسران مى باشد؛ تكاملى كه جز با ازدواج (و تمرين زندگى مشترك بر بستر زمان) محقق نمى شود. از جهت اجتماعى، تشكيل دهنده كوچكترين هسته اجتماعى در جامعه سالم است. از جهت انسانى، تنها راه حفظ و تداوم نسل سالم انسانى مى گردد. مهدويت و انتظار اگر در مرحله نخست زندگى آدمى، كه همان مرحله تعليم و تربيت با نگاه جهانى و چشم انداز نقش آفرينى جهانى است، درست صورت بگيرد، در ادامه اين مرحله هم براى تعالى بخشى به برنامه هاى پيشين و يافتن نيمه مكمل، به عنوان تنها معيار و عيار عمل خواهد كرد؛ چرا كه همسرگزىنى، سپس تعريف مدل و چگونگى سبك زندگى همسران، همگى بستگى به هدف و برنامه فردى هر يك از آنان دارد؛ پس اگر هدف جهانى و برنامه تعالى جامع باشد، همسر هم وزن در هر يك از اين دو مورد و يا نزديك به آن را بايد جستجو كرد؛ يا اينكه كسى را به همسرى پذيرد كه پس از ورود عاشقانه به زندگى جديد، خود را ناظر به آن اهداف، تحمل رياضت ها، برنامه هاى فراگير، فشرده، جامع و پيوسته ناظر به آن، آماده سازد؛ همچنين اگر آن دو باهم هدف متعالى مهدوى تعريف كرده بودند، پس از ازدواج، آن اهداف به صورت هدف مشترك بازتعريف شده و ارتقا يافته؛ به صورت واحد خانه و خانوادگى دنبال شود. تا بر اساس آن و متناسب با شرايط جديد، طرح هاى مجزاي پيشين، تبديل به طرح واحد مشترك و روزآمد همسران بگردند. بدین جهت مهدويت برترين نرم افزار براى تعريف معيارهاى همسرگزىنى، ايجاد پيوند مشترك، طراحى برنامه مشترك و طراحى روزآمدترين سبك زندگى مشترك است.

الزواج، هو الخطوة الثانية المخيرة في حياة الإنسان. تعود ضرورة الزواج إلى ثلاثة أمور: من وجهة نظر فردية، يتسبب تطور شخصية كل من الزوجين. التطور الذي لا يمكن تحقيقه إلا من خلال الزواج (وممارسة العيش معاً على مر الزمن). ومن وجهة نظر اجتماعية، هو أصغر نواة اجتماعية في المجتمع السليم. ومن وجهة نظر إنسانية، هو السبيل الوحيد للحفاظ على الجنس البشري السليم وتداومه. إذا كانت المهدوية والانتظار، في المرحلة الأولى من حياة الشخص، نفس مرحلة التعليم والتربية مع نظرة عالمية ومنظور إنجاز الأدوار العالمية بشكل صحيح، في هذه المرحلة أيضاً، من أجل تحسين البرامج السابقة والبحث عن الجزء المكمل سيعمل كمعيار وحيد لأن اختيار الزوج ثم تحديد نموذج وأسلوب حياة الزوجين، كل ذلك يعتمد على الأهداف والخطط الفردية لكل منهما. لذلك، إذا كان الهدف عالمياً وكان برنامج التميز شاملاً، فيجب البحث عن زوج له نفس الوصف في كل من هاتين الحالتين أو قريباً منه. أو أنه يتقبل شخصاً كزوج، فليقبل بعد دخوله الغرامى في الحياة الجديدة، أن يهيئ نفسه لتلك الأهداف، ويتحمل التقشف والخطط الشاملة والمكثفة والشاملة والمستمرة لها. أو إذا كان كلاهما قد حدد الأهداف المتعالية المهدوية، فسيتم بعد الزواج، إعادة تعريف هذه الأهداف وترقيتها كأهداف مشتركة، و يجب متابعتها كوحدة بيتية وأسرية. بحيث بناءً على ذلك ووفقاً للشروط الجديدة، تتبدل الخطط المنفصلة السابقة إلى خطة واحدة مشتركة وحديثة للزوجين. فلذلك، يعد برنامج المهدوية أفضل برنامج لتحديد معايير اختيار الزوج، ولإنشاء رابطة مشتركة، وتصميم برنامج مشترك، وتصميم أحدث أسلوب حياة مشترك.

Marriage is the second voluntary and arbitrary step of a human being's life. The necessity of marriage reverts to three issues. From the individual aspect, it causes development of the personality of each of the spouses – a development that does not materialize except through marriage (and practicing cohabitation on the basis of time). From the social aspect, it is the organizer of the smallest social nucleus in the healthy society. From the human aspect, it is the only pathway of preserving and perpetuating a healthy human race. If at the first stage of a human being's life – that same stage of education and training - Mahdism (Messiahship) and Awaiting the Savior have occurred properly with global perspective and global role-playing view, at this stage too it shall act as the sole criteria and standard for transcendence of earlier programs and of finding the complementary half. This is because choosing the spouse and thereafter defining the model and manner of the spouses' lifestyle all depend on the goal and individual plan of each of them. Thus, if the objective is global and the plan is transcendence of society, one must look for like-minded spouse or close to it in each of these two instances. Otherwise, say yes to a person as partner who accepts that after romantic entry into the new life, he prepares himself with regard to those objectives and enduring of austerities and the exhaustive, intensive, comprehensive and constant programs related to them; or else if both of them had defined the two transcendental Mahdism goals, after marriage those goals are to be redefined and promoted in the form of mutual goals and pursued as a home and family so that based on it in keeping with new conditions, the earlier separate plans are transformed into a single joint and up to date plan of the spouses. Thus, Mahdism is the most superior software for defining the yardsticks of choosing spouse, creating mutual link, designing mutual plan and designing the most up to date shared lifestyle.

رَبَّنَا هَبْ لَنَا  
مِنْ أَزْوَاجِنَا  
ذُرِّيَّاتٍ قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ  
اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ  
إِمَامًا

فرقان ٧٤  
قرآن كريم



جهانی ترین هدف  
طرح آسمان را بنظر / ظهور



الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ  
عَنْ أُخْرَةَ عَنِ ابْنِ طَيْفُورٍ السَّمْتَلِيبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْخَسَنِ  
عَلِيَّ السَّمَاءِيَّ فِي شَرْهِهِ تَرْكُوتَ فَكَّاتٍ جَمْعًا فَقَالَ: بَعَثَ ابْنُ عَبَّاسَةَ فَكَّاتٌ  
بِنْتًا لَهَا عَشْرُ دِينَارٍ فَقَالَ إِنَّ هَذَا هُوَ الشَّرْفُ أَنْ تَشْرِي بِأَنْ مَوْلَاةٍ  
الْبُرْدُونِ أَكْثَرَ مِنْ مَوْلَاةِ الْجَمْرِ قَالَ فَقَالَ إِنَّ الَّذِي يَكُونُ  
الْمَصْرُ يَكُونُ الْبُرْدُونِ  
أَمَّا عَلِمْتُ أَنَّ مِنْ إِرْتِنَاطِ دَابَّةٍ مَتَوَقَّعًا بِهِ  
أَمْرًا وَيَغْبِطُ بِهِ عَدُوًّا وَهُوَ مَنَسُوبٌ إِلَيْنَا  
كَانَ عَوْنًا عَلَى حَوَائِجِهِ

الكليفي، محمد بن يعقوب، ج ۶، ص ۵۳۵، ۱۲.

الجار  
ثم الدار



«لي في ابنة رسول الله أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ» از توقیعات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از مهمترین نقش های تاریخی حضرت زهرا علیها السلام در مدینه النبی، که ظرفیت الگوگیری دارد، خانه ایشان می باشد. خانه ای که تنها در پیش به مسجد النبی باز می شد، تا همگان به آن دسترسی آسان داشته باشند. خانه ای بود که در آن هیچ وسیله اضافی و تجملی وجود نداشت، و هر وسیله ای هم که داشت، در زمان نیاز برای همگان بود.

این خانه بر محور بانویی که شعارشان «الجار ثم الدار» که از پدرشان فرا گرفته اند بود؛ دایره همسایگی تا ۴۰ منزل از همه طرف بوده است. بر این اساس ایشان هنگام نیاز به آنان رسیدگی می کردند و همچنین هنگام عبادت دعایشان برای آنان بود. این فرهنگ ایثار و انسان دوستی اجتماعی خالصانه که بر آمده از عمق ایمان بود، درسی مشترک برای همسران در مقام نقش آفرینی اجتماعی بوده است. با این ایثار و خیر رسانی پیوسته و همسایه محور، همسران به تناسب ارتباطات اجتماعی که می گیرند، می توانند زمینه رشد، تعالی مادی و معنوی آنان را بر محور خانه ایمانی خود شکل دهند؛ بلکه با این ایثار و خدمت، برای خودشان نزول رحمت و برکت سبب ساز شوند. بدین جهت است که طبق روایات اهل بیت علیهم السلام، حتی وسیله سواری (حیوانی یا مدرن) اگر با «نیت انتظار» تهیه گردد، هزینه هایش هرچند سنگین هم باشد، با امداد غیبی جبران خواهد شد. این بدین معنا است که تهیه بهترین وسائل منزل و زندگی با نگاه منتظرانه و با هدف استفاده فردی و خیر اجتماعی، خود یکی از اسباب جلب امدادهای غیبی است. نیت انتظار در وسائل منزل یا وسیله نقلیه، نه به معنی دور از دسترس سازی برای روز نامعلوم ظهور، بلکه هزینه کردن در مسیر اهداف امام غائب در متن جوامع بشری با هدف جاذبه آفرینی برای انتظار زیستی است.

عجل الله تعالی فرجه الشریف

وردی در حدی توقیعات الناحیه المقدسه: «لی فی ابنة رسول أسوة حسنة». و من أهم أدوار السيدة الزهراء س التأريخية في مدينة النبي، هو بيتها الذي يصلح للاقتداء به. البيت الوحيد الذي يفتح بابه الى مسجد النبي. كي يكون سهل الوصول للجميع. كان بيتاً خالياً من أي الزوائد والكماليات. ومهما كانت الوسائل كانت متوفرة للمحتاجين. قام هذا البيت على محورية سيدة كان شعارها «الجار ثم الدار»، وقد تعلمت من والدها أن حريم الجوار يمتد الى ۴۰ منزلاً من كل جانب. وعلى نفس الأساس كانت تساعدهم عند الحاجة وتدعو لهم أيضاً حين عبادتها. إن ثقافة التضحية هذه وحب النوع الاجتماعي الخالص الناتج من عمق الإيمان، كان درساً مشتركاً للزوجين في أدوارهم الاجتماعية. ومن خلال هذه التضحية والعمل الخيري المستمر على محورية حب الجار، يتمكن الأزواج و متناسباً مع تلقي الروابط الاجتماعية، من تشكيل أرضية النمو والرفعة المادية والمعنوية المركزة على بيتهم الإيماني.

“The Son of the Messenger of God is a God Example” is of the hallmarks of the Savior Imam (may God Hasten his Blessed Reappearance). Of the most important of historical roles of Her Holiness Zahra (AS) in Madinat an Nabi (SAW) that has the potential of adopting as model was her home – a house whose only door opened on the Masjid al Nabi so that it was accessible to everybody. It was a house in which there was no superfluous and luxury items and every item that it had was available to all in time of need. This house was set up by a lady whose slogan was “First the neighbor then the house” and who had learnt from her father that the neighborhood extended to a radius of forty (40) houses in every direction. On this basis too, she would attend to their needs and at the time of worship, her prayers were for them as well. This culture of selflessness and sincere social philanthropy which was the outcome of profound faith is a mutual lesson for spouses as social role players. With this endless and neighbor-oriented selflessness and charity, spouses can matching their social communications, prepare the groundwork for material and spiritual growth and transcendence centered round their respective house of faith. Rather, with this selflessness and service they cause blessings and bounties to descend on themselves. It is for this reason that according to transmitted narrations of the Ahl al Bayt even the means of transport (animal or modern) if arranged with the intention of Awaiting the Savior, no matter how heavy the expenses will be compensated by invisible Divine assistance. This means that procuring the best household and living items with the perspective of Awaiting the Savior and with the aim of individual and community utilization is one of the causes of attracting invisible Divine assistances. Moreover, the intent of Awaiting the Savior in household items or means of transport not in the sense of making inaccessible for the unknown Day of Reappearance; rather investment in the path of objectives of the Absent Imam in the context of human societies with the aim of creating attraction for Awaiting the Savior lifestyle.

فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ،  
وَتَمَادَتِ الأَعْمَارُ، لَمْ  
أَزِدْ فِيكَ إِلاَّ يَقِينًا، وَلَكَ  
إِلاَّ حُبًّا، وَعَلَيْكَ إِلاَّ مَتَكَلًّا  
وَمُعْتَمَدًا، وَ لِظُهُورِكَ إِلاَّ  
مُتَوَقِّعًا وَمُنْتَظَرًا وَ  
لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ  
مُتَرَقِّبًا؛ فَأَبْدُلْ نَفْسِي  
وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي  
وَجَمِيعَ مَا حَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ  
يَدَيْكَ وَالتَّصَرَّفَ بَيْنَ  
أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ،

زیارت سرداب مقدس





## Lifestyle 4: Economic Mission of the Savior Awaiters

أسلوب حياة الانتظار 4 :

### الشخصية الاقتصادية



#### شخصية اقتصادية منتظر:

الگوی اقتصادی دوران انتظار، از مدینه النبی ریشه دارد. با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه ناگهان سبیل جمعیت بدان شهر سرازیر شد. جمعیتی که اغلب فقیر، مستضعف و محروم بودند. رشد جمعیت مدینه هم در ده سال رسالت پیامبر ﷺ برابر گردید؛ این یعنی بالاترین و سریعترین تجمع محرومان در طول تاریخ در یک نقطه!!! ولی آیا این وضعیت به بحران معیشتی و اقتصادی منجر شد؟ و در صورت رخداد بحران، تدبیر پیامبر ﷺ چه بود؟ طرح اقتصادی پیامبر ﷺ برای فرهنگ کار، داشتن سعی اکثری، نداشتن طمع و قناعت در داشته ها و درآمدها و تقسیم درآمدها با نیازمندان، به فریاد مدینه رسید. همچنین اجرای طرح عقد اخوت با هدف ایجاد کیف پول واحد و جیب مشترک، طرح دیگر پیامبر ﷺ بود. این طرح بعدها توسط امامان علیها سلام مورد تبلیغ و توسعه قرار گرفت و نظام اقتصادی شیعه بر اساس آن تعریف شد. حتی نظامواره آن، مبنای سیره اقتصادی در عصر ظهور معرفی گردید. در نهایت بر اساس این دو گانه دیروز (مدینه الرسول) و فردا (مدینه المهدی)، دینداران در عصر غیبت، توصیه به مواسات، یاری و یآوری اقتصادی همدیگر شدند. این یآوری در عصر غیبت از این جهت مهم است که آنان همواره در اقلیت خواهند بود و باید با همیاری مالی و نظام اقتصادی جهان شیعی مشترک، آن هم مبتنی بر اقتصاد سالم، کمک یکدیگر باشند، و برای غیر شیعه جاذبه بیافرینند. تحلیل و آنالیز تشرفات مهدوی ناظر به این الگوی اقتصادی، به راحتی مهمترین دغدغه امام غائب ﷺ را پیش روی ما قرار می دهد. مهجور شدن پیام ها و وراونه شدن رفتارهای درست، هشدار پیوسته امام به ما است. و طبق آن تشرفات تاکید شده است که شخصیت اقتصادی و سبک زندگی اقتصادی که نزدیکی و دوری منتظر را با امام ﷺ مشخص می کند. و چه بسا یک دستفروش منصف و امانتدار مونس غربت امام ﷺ باشد، ولی یک تاجر و خیر بزرگ ...

صلوات شعبانیه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَأَعِزُّ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ، وَلَا تُخْزِنِي  
بِمَعْصِيَتِكَ، وَارْزُقْنِي مُوَاَسَاةَ  
مَنْ قَرَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ؛ يَا  
وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَنَسَّرْتَ

الشخصية الاقتصادية المنتظر:

يعود النموذج الاقتصادي في فترة الانتظار وأسابيه إلى المدينة المنورة. لأن المدينة النبوية أصل المجتمع الإسلامي. وفترة الانتظار تشبه المدينة المنورة في زمن النبي ص. لأن مع هجرة الرسول صلى الله عليه وسلم إلى المدينة المنورة، تدفق فجأة من الناس من جميع أقطار جزيرة العرب إليها. الناس الذين كانوا في الغالب فقراً ومضطهدين ومحرومين. فتصاعد نمو سكان المدينة المنورة مائة بالمائة في عشر سنوات من الرسالة النبوية. وهذا أعلى وأسرع تجمع للمحرومين عبر التاريخ في وقت واحد!!! لكن ألم يؤد هذا الوضع إلى أزمة معيشية واقتصادية؟ وماذا كانت خطة الرسول ص في حالة حدوث الأزمة؟ كانت خطة الاقتصادية للنبي ص، تتمثل في ثقافة العمل، وبذل أقصى الجهد، وترك الطمع والتجمل في الممتلكات والدخل، وتقاسم الدخل مع المحتاجين، فبلغت هذه الأمور صرخة الأزمة الاقتصادية للمدينة المنورة. كان تنفيذ خطة "عقد الأخوة" بهدف إنشاء محفظة واحدة وجيب مشترك كخطة أخرى للنبي ص. تم تطوير هذه الخطة فيما بعد من قبل الأئمة وتم تحديد النظام الاقتصادي الشيعي بناء عليها. وحتى أن نظامها تم تقديمه كأساس للحياة الاقتصادية في عصر الظهور. وأخيراً، بناء على هاتين المدينتين من الأمس (مدينة الرسول) وغدا (مدينة المهدي)، تم التوصية على المتدينين بمساعدة بعضهم البعض مالياً واقتصادياً في فترة الغيبة. هذه المساعدة مهمة في عصر الغيبة لأنهم سيظلون دائماً أقلية ويجب أن يساعدوا بعضهم البعض في التعاون المالي والنظام الاقتصادي للعالم الشيعي المشترك. إن تحليل التشرفات المهدوية بناءً على هذا النموذج الاقتصادي يظهر بسهولة أهم اهتمامات الإمام الغائب ﷺ التخلي عن الربائل وتحريف السلوك الصحيح الاقتصادي تحذير الدائم من الإمام لنا. ووفقاً لتلك التشرفات، فقد تم التأكيد على أن الشخصية الاقتصادية وأسلوب الحياة الاقتصادي، وهوما يحدد القرب أو البعد عن الإمام. وقد يكون بائعاً متجولاً صادقاً واميناً ومنصفاً، جدير بالثقة، وقد يكون ...

عَلَى مِنْ عَدْلِكَ، وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ  
ظِلِّكَ،  
+  
دعای افتتاح:

اللَّهُمَّ الْمُمْرُ بِهِ شَعْبَتَنَا، وَأَشْعَبُ  
بِهِ صَدَعَنَا، وَارْزُقْ بِهِ فَتَقْنَا، وَكَثِّرْ  
بِهِ قَلْبَتَنَا، وَأَعِزِّزْ بِهِ ذَلَّتْنَا، وَأَغْنِ  
بِهِ عَائِلَتَنَا، وَأَفِضْ بِهِ عَن مَعْزَمِنَا،  
وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَتَنَا، وَسُدِّ بِهِ خَلَّتْنَا،

...

#### Economic Character of the Awaiter:

The economic model of the period of Awaiting the Savior has its roots in Madinat an Nabi. With the migration of the Messenger to Medinah, suddenly the flood of people descended upon that city – a population that was mostly poor, downtrodden and underprivileged. In the ten years of the prophet's mission, the population of Medinah grew hundred-fold meaning the highest and most rapid gathering of the downtrodden at a single spot in all of history!!! However, did this situation lead to economic and livelihood crises? Or in the event of occurrence of this crises what was the Messenger of God's strategy? The Messenger of God's economic plan for the work culture: maximum effort, not having greed, contentment in possessions and income as well as division of income with the needy came to the rescue of Medinah. Implementation of the contract of fraternity plan with the aim of creating a unit money portfolio and common fund was yet another of the Messenger of God's plans. This plan was later on promoted and expanded by the Imams. Moreover, the Shiah economic system is defined on its basis and even its system was introduced as the basis of economic history in the Era of Reappearance. finally on the basis of these dual 'yesterday' (Madinat al Rasoul) and tomorrow (Madinat al Mahdi), in the Era of Occultation the faithful were advised to providing generous economic assistance, aid and succor to one another. This assistance in the Era of Occultation is important from this aspect that they will always be in the minority and with financial assistance and common economic system of the Shiite world which is also based on sound economy, must help one another. Analyses and research of the Mahdism Visitations in relation to this economic model easily places the most important anxiety of the Absent Imam in front of us. Estrangement of messages and reversal of correct behavior is the Imam's constant warning to us. According to those visitations, it has been emphasized that it is the economic character and economic lifestyle that marks the nearness and remoteness of the Awaiter to the Imam. Maybe a fair and trustworthy peddler becomes the companion in exile of the Imam but a big trader and philanthropist ....



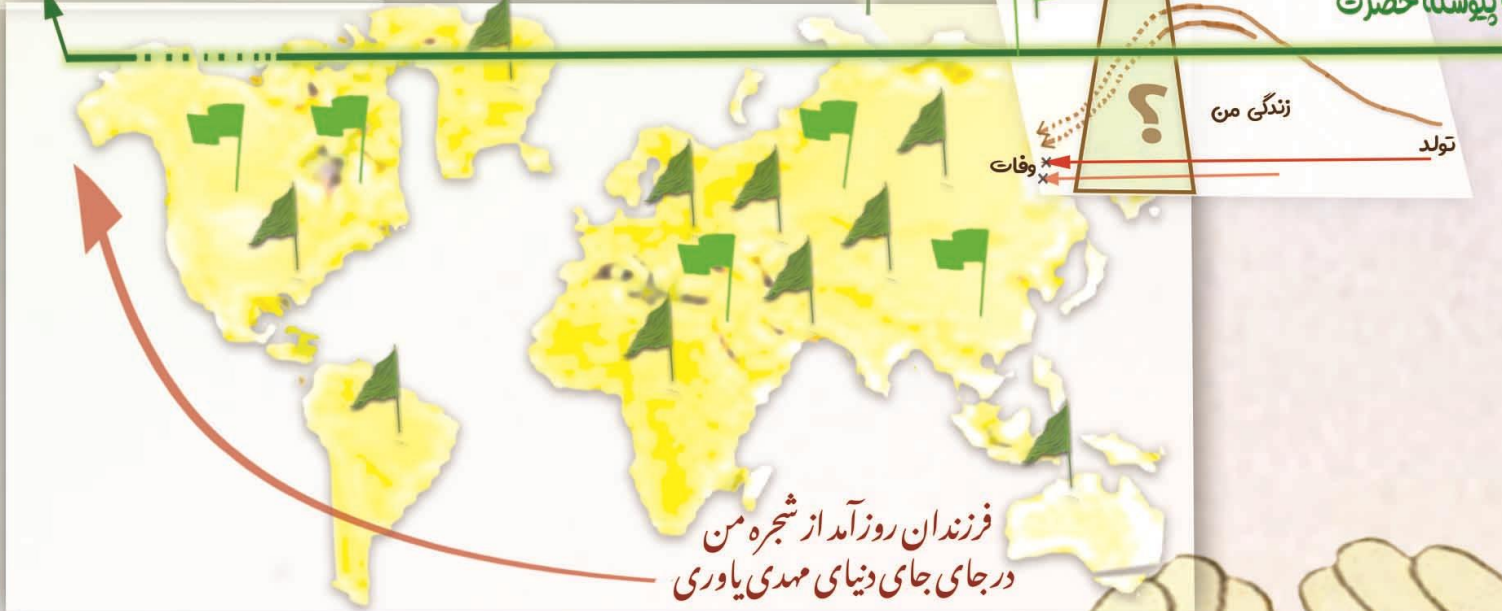


جهانی ترین هدف



افق آینده

رسالت پیوسته حضرت



فرزندان روزآمد از شجره من  
در جای جای دنیای مهدی یاوری

و لاؤلیاتک  
مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ...

دعای ۲۵ صحیفه سجادیه

عمر آدمی در زندگی دنیوی محدود است و از رفتن گریزی نیست. این در حالی است که دوران غیبت نامشخص ، مبهم و طبق ظواهر فعلا ادامه دارد، ولی آیا با رفتن من باید پرونده مهدی یآوری من هم بسته گردد؟! دوران غیبت تاکنون بیش از هزار سال طول کشیده است. اگر هر صد سال شاهد ۴ تا ۵ نسل آدمی باشد، پس حدودا ۴۰ تا ۵۰ نسل از پدران من همزمان با این دوران طولانی و سخت بوده اند تا این زمان که نوبت به من رسیده است. اینک با رفتن من تا چه وقت امتداد نسل ها ادامه خواهد داشت؟ کسی جز خدا نمی داند!! البته اگر توالی نسل ها بعد از من قطع گردد یا از جهت کمی کاستی پیدا کند و یا از جهت کیفی مانند تجربه های پیشین باشد، شک نباید کرد که یکی از اجزای مهم ظهور که فراهم شدن «اعوان و انصار ویژه و شایسته در اندازه جهانی» است، محقق نخواهد شد. در این زمینه من و خانواده ای که مسئولیتش با من است نقش موثر خواهند داشت. پس اگرچه عمر من محدود است، ولی ادامه حیات من با امتداد من و امتداد تبار من در قامت نسل شایسته من خواهد بود. نسلی که از جهت عدد و کمیّت فراگیر شود. و همچنین از جهت کیفیت، در مسیر رشد و تعالی متناسب زمانه خود باشد تا با نگاه به نقش آفرینی های جهانی، برای آینده آماده گردد ؛ و در قالب برنامه ای تداوم بهترین و بیشترین نسل راداشته باشد؛ در آخرالزمان، از خون و تبار من برترین یاران مهدوی در گستره وسیع جغرافیای بشری باشند و همچنین در عصر ظهور از تبار من کسانی جزو یاران ویژه اش خواهد بود . در نهایت به توفیق الهی در عصر رجعت این امکان را بیابم تا با ذریه شایسته و نقش آفرین ام، یکجا در روی زمین دیدار داشته باشیم.

حياة الإنسان في الدنيا محدودة ولا مفرّ منها . وذلك بالرغم من عدم تحديد فترة الغيبة والابهام في وقت انتهائه و يبدو انها مستمرة لازال . فحينئذ، هل ينبغي إغلاق ملف نصرتي للمهدوية بموتی؟ هذا مع أنّ فترة الغيبة دامت أكثر من ألف سنة. اذا كان كل مائة عام يشهد ۴ إلى ۵ أجيال من الناس ، فإنّ حوالي ۴۰ إلى ۵۰ جيلا من آباي قد مروا بهذا الوقت الطويل والصعب، والآن حان دوري . لكن، مع رحيلي، إلى متى سيستمر دور الأجيال من ذریتی في دعم نصرته امام الغائب؟ لا أحد يعلم إلا الله !! بالطبع ، إذا انقطع تسلسل الأجيال من بعدي ، أو إذا كانت الأجيال ناقصاً كمياً ، أو يشبه نوعياً للتجارب السابقة ، فلا شك في أنّ أحد المكونات المهمة للظهور ، وهو توفير «انصار خاص و على نطاق عالمي في المستقبل» فهو لن يتحقق . وفي هذا المجال ، سوف ألعب أنا وعائلتي ، وراً فعلاً لهذا التأخير . لذلك ، على الرغم من أنّ حياتي محدودة ، فإن استمرار حياتي سيكون مع امتداد و توسع سلالتي في شكل جيلي المستحق . جيل سينتشر من حيث العدد والكم . ومن ناحية الجودة ، يجب أن تكون على طريق النمو والتميز حسب زمانها ، حتى تستعد للمستقبل من خلال النظر إلى الأدوار العالمية . حتى مع استمرار أفضل الأجيال منّي في آخر الزمان ، فمن الممكن أن يكون من دمي و ذریتی أفضل انصار المهدي في نطاق واسع من الجغرافيا البشرية ، ثم في عصر الظهور ، قد يكون بعض سلالتي من بين خواص انصاره المميزين البارزين . وأخيراً ، و بفضل الله ، في عصر الرجعة ، سأجد إمكانيّة لقاء جميع الذرّيّة الجديرة في الأدوار المقبلة ، معاً على أرض الرجعة.

Man has a limited lifespan in the life of the world – and there is no escape from leaving it. Whereas the Period of Occultation is unknown and unclear and according to all appearances is at present continuing. However, with my leaving should my Mahdi Companionship file be closed as well? The Period of Occultation has so far lasted more than a thousand years. If every century bears witness to 4 to 5 generations of humankind, then about 40 to 50 generations of my ancestors have been simultaneous with this long and difficult period until now that it's my turn. Now with my departure nobody except God knows until when the extension of generations will continue!! Of course, if the sequence of generations after me is broken or is quantitatively reduced in number or is qualitatively like the experiences of earlier generations, there should be no doubt that one of the important constituents of Reappearance which is gathering together of “the globally deserving special friends and helpers” will not materialize. In this sphere, me and the family whose responsibility is with me will play an effective role. Thus although my lifespan is limited but continuation of my life with my extension and the extension of my family shall be in the stature of a generation deserving of me – a generation that becomes universal in terms of number and quantity and is on the route to growth and transcendence in keeping with its own period in terms of quality so that by looking at global roles, it is equipped for the future. This is in order that in the form of perpetuation of the best and largest generation, also from my blood and ethnicity they would be the most superior companions of Mahdism in the vast expanse of human geography in the End Times as well as persons from my ethnicity be among the special companions in the Era of Reappearance.

اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بَقَاءٍ وَوَلَدِي وَ  
بِإِصْلَاحِي لِي وَبِإِمْتَانِي بِهِمَا لِي  
أَمْدُ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ ، وَ زِدْ لِي فِي  
أَجَالِهِمْ ، وَ رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ ، وَ قَوِّ  
لِي صَعْبَهُمْ ، وَ أَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَ  
أَدْبَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ ، وَ عَافِيهِمْ فِي  
أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا  
عُنِيَتْ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ ، وَ أَدْرِ لِي وَ عَلَيَّ  
يَدِي أَرْزَاقَهُمْ . وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَاراً  
أَنْقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ ،  
وَ لِوَلِيَّائِكَ مُجِبِينَ مُتَاصِحِينَ  
مُبْعِضِينَ ، آمِينَ



يا ابا صالح الهدي

عنه السلام



اللهم اغفر لنا

# Charter of Awaiting

# ميثاق الانتظار

۲۵

انتظار و مهدویت، یعنی باور به امام آخرین و آخرین امام داشتن. امام انسانی کامل و جامع، انسانی فراتر از زمان و مکان، امام انسانی با اتصال به جهان غیب داشتن. انتظار یعنی تلاش برای پیوند و همانندی با امامی که بیش از هزار سال است عهده دار مدیریت پنهانی بشریت است که رسالت پایانی جهان را هم دارد؛ در نهایت انتظار یعنی پس از اتصال با امام، تلاش برای یاری و یآوری او تا آخرین نفس و تا واپسین لحظه های حیات؛ این هدف بزرگ با شعار محقق نمی گردد و باید برای آن تمامی ابعاد و لایه های زندگی خود را درگیر آن کرد. در حقیقت باید برای انتظار منشور جامع داشت، تا انتظار هم تبدیل به نرم افزاری برای مبانی اندیشه ای و بینشی آدمی بگردد؛ که در تمامی ساحت ها، حوزه های اراده و اختیار فردی او را جهت دهی کند و همچنین ناظر به شغل، جایگاه، روابط و ارتباطات اجتماعی، به تعریف نقش ها بپردازد. پس در این صورت منشوری برای انتظار فراهم می گردد با سه حوزه «مبانی بینشی، برنامه های فردی و نقش های اجتماعی» تا هستی و وجود آدمی رنگ و بوی مهدویت بگیرد.

الانتظار و المهدویة، یعنی الاعتقاد بالإمام الأخير وآخر الأئمة. الإمام یعنی الإنسان الكامل، یعنی الإنسان الأعلى من الزمان و المكان، یعنی إمام متصل بعالم الغیب. و الانتظار یعنی المحاولة للاتصال و المماثلة مع الإمام الذي يتحمل الإدارة الخفية للبشر أكثر من ألف سنة و يتحمل الرسالة العالمية الخاتمة. و في النهاية الانتظار یعنی بعد التواصل مع الإمام، يجب الجهد في نصرته و معونته الى آخر نفس و لحظة من الحياة. لا يتحقق هذا الهدف العظيم بالهتاف بل يلزم تشابك جميع مجالات الحياة مع الانتظار. و في الحقيقة يلزم امتلاك ميثاق جامع للانتظار، حتى يتحول الانتظار الى برنامج لأسس الفرد الفكرية و المعرفية. و أيضاً يقوم بتوجيه جميع ساحات و مجالات إرادته و سلطته الفردية. و أيضاً يقوم بتحديد الأدوار بناءً على وظيفته و منزلته و روابطه الاجتماعية. ففي هذه الصورة يتيسر ميثاقاً للانتظار مع ثلاث مجالات «الأسس المعرفية، البرامج الفردية، و الأدوار الاجتماعية» حتى يكتسب الكون و الهيكل الإنساني لونا و عطراً مهدوياً.

The Awaiting and Mahdism (Messiahship), means belief in the Imam of the Last Generation and the Last Imam. By "Imam" is meant the Perfect Human Being meaning the Universal Human Being meaning the human being above time and place; meaning an Imam "spiritual leader" with links to the invisible world. By Awaiting the Savior is meant efforts at union and resemblance with an Imam who since more than a thousand years is in charge of the covert management of humankind and also has the final universal mission. Finally, Awaiting the Savior means after union with the Imam, efforts for his companionship and assistance till the last breath and till the final moment of life. This great objective is not realized with slogan and all dimensions and aspects layers of one's living should get involved in the Awaiting. In fact, there must be a comprehensive charter for the Awaiting so that the Awaiting is also transformed into a software for a person's basic principles of thought and perception as well as give direction to all areas and spheres of individual will and choice as well as define roles taking into consideration occupation, status and social relations and communications. Thus in this case a charter for Awaiting the Savior is prepared in the three areas of "fundamentals of perception, individual programs and social roles" so that finally the entire existence and being of a human being takes on the color and scent of Mahdism.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبَعْدَ  
الْمُعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النَّيَّةِ، وَعِرْفَانَ  
الْحُرْمَةِ، وَآكْرَمْنَا بِالْهُدَى وَالِاسْتِقَامَةِ،  
وَسَدِّدْ أَسْتِنَانَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ،  
وَأَمَلْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ،  
وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ،  
وَكَفِّفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ،  
وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ  
وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ  
وَ الْغِيْبَةِ،

وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَلَمَانًا بِالزُّهْدِ وَ  
النَّصِيحَةِ، وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجَهْدِ  
وَالرَّغْبَةِ، وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ  
وَالْمَوْعِظَةِ، وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ  
بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ  
بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ؛ وَ عَلَيَّ مَشَائِخِنَا  
بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَ عَلَيَّ الشُّبَّانِ  
بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ  
بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَ عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ  
بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّجَّةِ، وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ  
بِالصَّبْرِ وَالْفَنَاعَةِ... ..

فروزی از دعای امام زمان



الله

**بیعت**  
**عهد**

شروع  
صبحگاهی  
با سرعت  
و سبقت

برنامه  
گام  
به  
گام

مسئولیت های سخت روزآمد

بیعت  
عهد  
عهد  
عهد

بیعت	عهد
عهد	عهد
عهد	عهد

!؟ !؟ !؟ !؟ !؟ !؟

امام یآوری  
در متن جامعه

جامعه

میتوان انتظار  
تا پایان  
حیات

و... عهد  
و... عهد

قدرتی از دعای عهد



# Dynamic and Step by Step Awaiting until Eternity

## الانتظار الناطق و خطوة خطوة إلى نسيان حياة

٢٦

طلوع هر روز خورشید، نوید روزی نو در زندگی است. هر صبح می تواند شروعی جدید نسبت به روز گذشته و یک گام به جلو در رسیدن به اهداف بزرگ و بلند زندگی باشد. به شرطی که ما هم از آغازین لحظات روز شروعی قوی و محکم داشته باشیم. البته شروع محکم و قوی، انگیزه و اراده قوی می خواهد که برای تقویت انگیزه و اراده در هر صبحگاه، می بایست آن را با قوی ترین اراده در همان صبحگاه پیوند داد. اراده ای انسانی، جهانی، و مثبت؛ که معطوف به بالاترین، بیشترین و کیفی ترین تلاش در هر لحظه باشد؛ آن اراده بزرگ و برتر، اراده هر صبحگاه امام زمان عجلتعالیه است. که پس از نماز شب و نماز صبح، در بالاترین درجه اراده بشری، وارد میدان عمل جهانی می گردد. دعای عهد، طرحی برای پیوند زدن اراده محدود و کم انگیزه من، با متعالی ترین اراده انسانی است. برای آن سه گام، بیعت را طراحی می کند تا عمیق ترین پیوند را بین این دو اراده برقرار کند، و آنگاه برای تعالی بخشی به اراده کوچک من، در کنار منشور دعای عهد در هر صبحگاه، یک برنامه سلوک 40 صبحگاه مهدوی را طراحی می کند. چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنْبِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» پس 40 صبح اگر با پیمان مهدوی آغاز بگردد، قوی ترین شروع را خواهد داشت، بلکه سراسر روز را در زیر سایه آن پیمان با سلامت، امید توفیق و موفقیت حداکثری سپری خواهد کرد، تا به روز بعد برسد؛ و روز دوم را با ارتقای کیفی و کمی بیشتر شروع کند و ... بدینگونه است که زیر سایه دعای عهد، منتظر می تواند چنان حرکت کند تا در نهایت در زمره اولیای مهدوی وارد گردد، و چون چنین شود، از اولیای الهی خواهد شد و حکمت، رحمت و برکت ....

إشراق الشمس كل يوم بشارة بيوم جديد في الحياة. يصلح كل صباح لبداية جديدة بالنسبة الى الأمل و خطوة الى الأمام لنيل أهداف الحياة العظيمة والرفيعة. بشرط بدأ النهار بعزم قوي. طبعاً البداية القوية تتطلب دافعا وإرادة قويين، ولأجل تعزيز الدافع والإرادة كل صباح يلزم ربطها مع أقوى إرادة نفس الصباح. إرادة إنسانية عالمية مثبتة المنعطفة على أعلى وأكثر وأفضل جهد في كل لحظة و تلك الإرادة العظيمة والفضلتة، هي إرادة إمام الزمان عجلتعالیه الصباحية والتي بعد صلاة الليل وصلاة الفجر تدخل ساحة العمل العالمي في أعلى درجات الإرادة الإنسانية. دعاء العهد، تصميم لربط إرادتي المحددة والنزيرة مع تلك الإرادة الإنسانية السامية. ويقدم تصميمي لأجل هذا الارتباط وهو ثلاث خطوات البيعة ليتحقق أعمق الروابط بين الإرادتين. ومن ثم لترفع إرادتي الحقيرة بحذاء ميثاق دعاء العهد كل صباح، يقدم برنامجا سلوكيا لمدة 40 صباح مهدوي. لأنه كما قال الرسول صل الله عليه وآله وسلم «من أخلص لله أربعين صباحاً ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه». فإذا بدأ أربعين صباح مع الميثاق المهدوي، سيكون ابتداءه أقوى بداية. بل يقضي طوال ذلك اليوم وتحت ظل ذاك الميثاق في سلامة ورجاء التوفيق في الحد الأعلى، حتى يلحق اليوم التالي. فيبذره بتحسين أكثر نوعا و كما .. وهكذا يمكن للمنتظر و تحت ظل دعاء العهد أن يتحرك حتى ينضم في النهاية إلى زمرة أولياء المهدي عجلتعالیه فإذا بلغ ذلك سيصبح من أولياء الله والحكمة والرحمة والبركة.

The sunrise of each day is glad tiding of a new day in life. Each morning can be a new beginning in relation to yesterday and a step forward toward achieving the great and lofty objectives of living provided that we too from the initial moments of the day have a strong and firm beginning. However, a strong and firm beginning requires a strong will and motivation. For strengthening will and motivation each morning, it must be bonded with the strongest will in that same morning – a human, universal and positive will which is focused on the highest, utmost and best effort at every moment. That great and superior will is the will every morning of the Awaited Imam of Time that enters the field of universal action after the night and dawn prayers at the peak of human will. The “Dua Ahd” Covenant Supplication is a plan for grafting my limited and weak will with the most exalted human will. For this grafting too, it designs three steps of allegiance in order to establish the deepest bond among these two wills. Then for exaltation of my small will, every morning alongside the charter of the Du’a Ahd supplication it designs a 40 morning Mahdism program of spiritual wayfaring. This is because the Messenger of God had stated

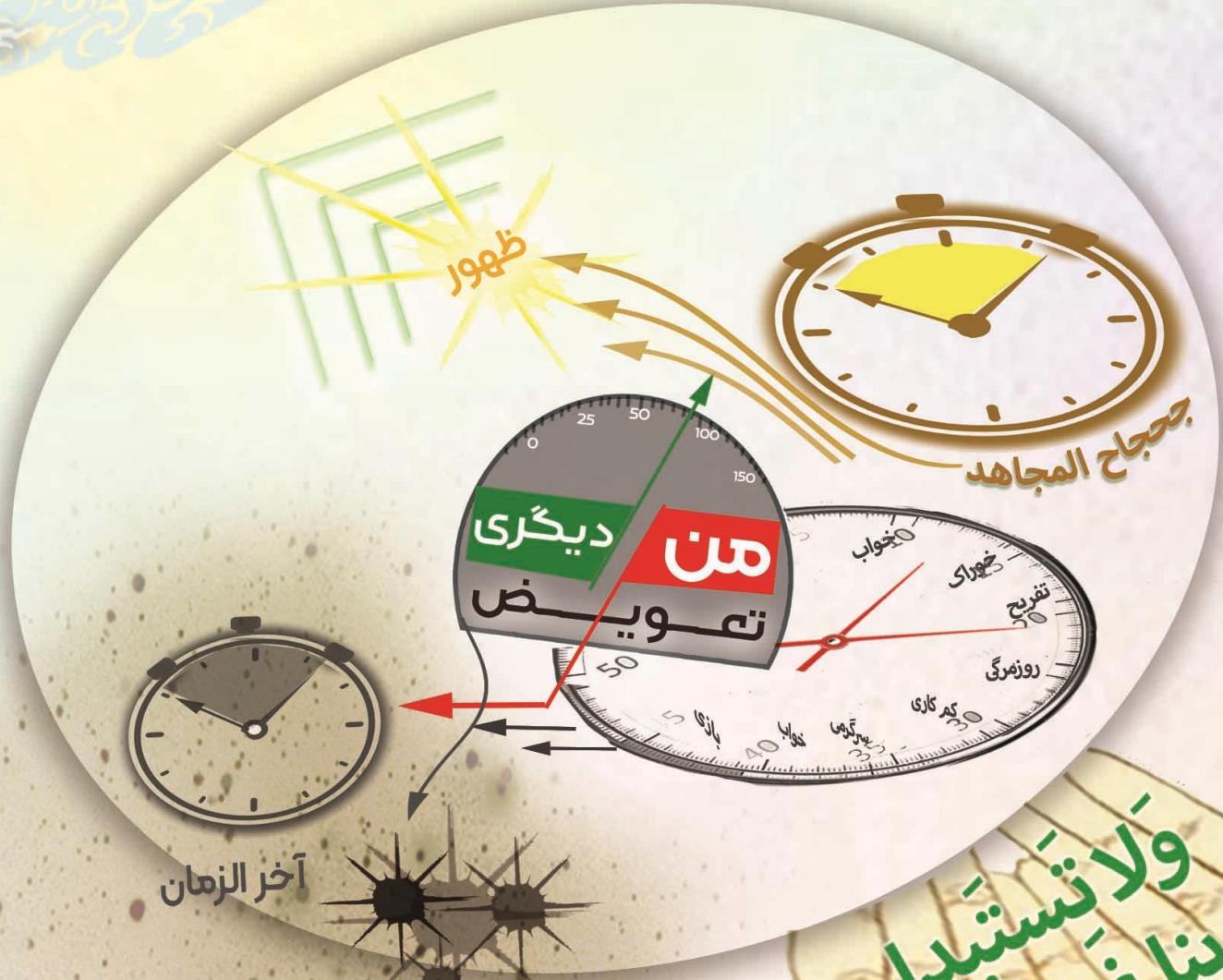
مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنْبِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»  
Thus if 40 mornings begin with the Mahdism Covenant it shall have the strongest beginning; rather, it shall pass the entire day under the shade of that pact with safety and utmost hope of Divine Succor and success until the next day. It begins the second day with more qualitative and quantitative improvement and ... It is thus that under the auspices of the Du’a Ahd Covenant Supplication the Awaiter can move in such a manner so that ultimately he joins the rank of the companions of Mahdi and thereupon he shall be of the Divine saints and wisdom, blessing and bounty ....

... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّ  
لَهُ فِي صَبِيحَةٍ  
يَوْمِي هَذَا وَمَا  
عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي  
عَهْدًا وَ عَقْدًا  
وَيَعَّةً لَهُ فِي  
عُنُقِي لَا أَحُولُ  
عَنْهَا وَلَا أَزُولُ  
أَبَدًا...

فرازی از دعای عهد



الله



آخر الزمان

وَلَا تَسْتَبَدِّلْ  
بِنَا غَيْرَنَا...

مقتضی از حدیثی در بیان نیست

## ایمان عاریه ای و استبدال

دانش و دین گواه وجود شگفت و بیکران آدمی هستند. در سخن امام علی علیه السلام وجود ما با عنوان «عالم اکبر» توصیف شده است؛ به همین علت ما در هر لحظه نیازمند انسان کامل هستیم تا با نگاه به او برنامه ای جامع داشته، و بر معیار او، به رشد و تعالی حداکثری برسیم. در این صورت وظیفه انسان رشدیافته و آماده، زمان شناسی است. زمان شناسی به معنی حق و باطل شناسی تطبیقی، که بر اساس آن استعداد تخصصی شکوفا شده، و بهترین جایگاه را برای امام یآوری در جامعه بشری پیدا کند. بزرگترین تهدید و آسیب این مقوله، خطر تبلی و خستگی است. این وضعیت زمانی رخ می دهد که در مقایسه با سرعت و وسعت رویدادهای موازی حق و باطل، گرفتار روزمرگی یا سطحی نگری و شعارزدگی شویم. تداوم تبلی، به سرعت منجر به ناکارآمدی، یا خودبازنشستگی شده و خیلی زود از سرعت و وسعت نیازهای امام غائب<sup>عجل الله تعالی فرجه و شرفه</sup> عقب خواهیم افتاد. استمرار این وضعیت خطر «استبدال» را پیش روی ما قرار می دهد. استبدال یعنی تعویض شدن با افرادی آماده تلاشگری روزآمد، و همچنین یعنی کنار گذاشتن موقت تا شاید برای بازگشت تلاش کنیم؛ ولی اگر این خودبازسازی صورت نگیرد، خطر عاریه ای شدن ایمان وجود دارد!!! ایمان عاریه ای یعنی برای همیشه از چشم امام زمان علیه السلام افتادن! و از یآوری امام<sup>عجل الله تعالی فرجه و شرفه</sup> اخراج شدن!!!!!!

## الإيمان العاريتة و خطر الاستبدال

المعرفة والدين دليل على وجودنا الرائع ولا متناهي وفي قصيدة الإمام أمير المؤمنين على عليه السلام وصف ذاتنا بالعالم الأكبر. هذا هو سبب حاجتنا إلى إنسان كامل وإمام العصر<sup>عجل الله تعالی فرجه و شرفه</sup> في كل لحظة، حتى نتمكن من خلال النظر إليه أن نسعى إلى النمو والتميز، وأيضاً بناءً على محورياته ومعاييرها، نتمكن من تحقيق أقصى قدر من الأذهار وأقصى الجهود. في حالة الحد الأقصى من النمو والاستعداد لأقصى جهد، يمكن للمرء من خلال معرفته بالزمان والدراسة المقارنة للحق والباطل، أن يتحصل أفضل موقع لنصرة الإمام ويقدم أوفر وأفضل الخدمات للإمام والإنسانية. طبعاً يتوقع في هذا المسار، خطر الكسل، أو التعب، أو عدم الكفاءة، أو التقاعد الذاتي، أو التسوييف والكسل، إلخ. وتحدث هذه المواقف عند ابتلائنا بالحياة اليومية المتكررة والإعياء المقارن بسرعة وسعة الأحداث الموازية للحق والباطل استمرار هذا الموقف وعدم تصحيح السلوك والوضع وعدم العودة إلى الجهد الأقصى المتحدث؛ يعرضنا لخطر الاستبدال<sup>عجل الله تعالی فرجه و شرفه</sup>. الاستبدال بأشخاص مستعدون ومحبون. الاستبدال يعني المغادرة مؤقتاً حتى عسى أن نحاول العودة، ولكن إذا لم يحدث هذا التجديد الذاتي، فسيكون هناك خطر أن يصبح الإيمان معاراً<sup>عجل الله تعالی فرجه و شرفه</sup>!!! يعني السقوط من عيني الإمام الزمان<sup>عجل الله تعالی فرجه و شرفه</sup> !!!

## Loss of Faith and Substitution

Knowledge and religion are testimonies to our wonderful and immense existence. In Imam Ali's (peace be upon him) words too our existence has been described as "the world of command." It is for this reason that at every moment we are in need of the Perfect Human Being and the Savior Imam of the Time so that by looking at him we have comprehensive program of growth and transcendence and with his criteria we achieve maximum growth and transcendence and based on it make maximum effort for readiness. In this case, the duty of the developed and ready human being is chronology. Chronology in the sense of comparative study of right and wrong so that on the basis of special developed talents and up to date needs of time it finds the best place for companionship of the Imam in the expanse of human society. Herein, the biggest threat and harm is laziness and lethargy. These situations occur when in comparison with speed and expanse of parallel incidents of right and wrong, we suffer from routine or superficiality or sloganeering. Perpetuation of laziness quickly leads to ineptness or self-retirement because very soon we shall fall behind the pace of events and the extent of the Absent Imam's needs. Continuation of this situation places the danger of "substitution" in front of us. "Substitution" means replacement with individuals that are ready to put in the current effort. "Substitution" means putting aside temporarily so that perhaps we strive for return but if this self-rebuilding does not occur, the danger of loss of faith shall exist!!! Loss of faith implies forever lowered opinion of the Savior Imam of the Time (may God hasten his blessed Reappearance) and being expelled from his companionship.

فَلَا تَبْتَلِنَا فِي

أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَ

الْكُسلِ وَ الْفِتْرِه وَ

الْفشلِ

وَ اجْعَلْنَا مِنْ

تَتَصَّر بِه لَدِينِكَ ...

وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا

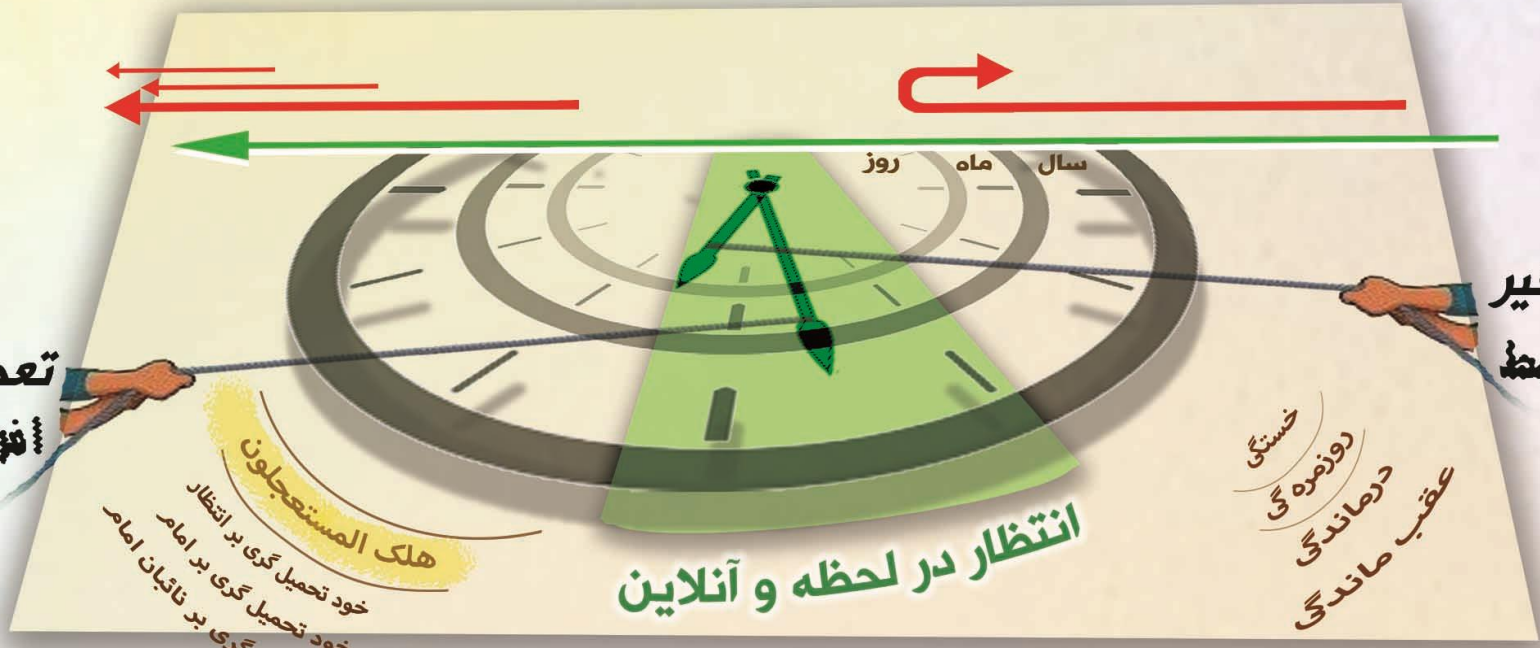
غَيْرِنَا ...

قرآنی از دعای زمان غیبت





الله



تأخیر  
تفریط

تعمیل  
تسرع

انتظار در لحظه و آنلاین

هَلِكِ الْمُسْتَعْجِلُونَ  
خود تحمل گری بر انتظار  
خود تحمل گری بر امام  
خود تحمل گری بر فاتحان امام

عقب ماندگی  
درماندگی  
روزمره گی  
خستگی



لَا أَحَبُّ  
تَعْجِيلِ مَا آخَرَتْ  
وَلَا تَأْخِيرِ مَا عَجَّلَتْ ...

دعای در زمان غیبت

# The Difficult Path of Awaiting the Savior

## طَرِيقُ الْإِئْتِظَارِ، الصَّعْب

۲۸

انتظار ، چشم به راهی برای امری در آینده است و هنگامی خواهد بود که نسبت به وضع موجود، راضی نبوده و نسبت به تحول مثبت و مطلوب در آینده ، امیدوار باشد. بدین جهت انتظار با خود دغدغه ، نگرانی ، استرس و اضطراب را بدنبال دارد. بخشی از دغدغه ها ناظر به طول زمان انتظار است ، بخشی نسبت به اصل واقعه ، بخشی نسبت به موانع آن و بخش دیگری از دغدغه ها ناظر به حال ، وضع و وضعیت خود منتظر است. دغدغه ای نسبت به میزان آمادگی و کسب شرایط لازم در خود برای آن امر منتظر که طبعاً هرچه امر مورد انتظار بزرگتر و مهمتر باشد، این استرس ها ، دغدغه ها و اضطراب ها، بیشتر خواهد بود. پس همیشه انتظار همراه و وابسته به صبر و تحمل است. هرچه انتظار بزرگتر و بیشتر باشد صبر و تحمل بزرگتر و بیشتر را هم می طلبد، چرا که اگر این صبر و تحمل ایمان قوی در مسیر انتظار نباشد، خطر ریزش وجود خواهد داشت. ریزشی که ناشی از عقب افتادن است یا برآمده از شتابزدگی خواهد بود ؛ عقب افتادگی که ناشی از فراهم نکردن شرایط آمادگی برای در مسیر انتظار بودن و یا آماده نبودن برای طول زمان انتظار است. شتابزدگی ناشی از عدم تحمل زمان انتظار که منجر به منتظرسازی خودساخته به جای منتظر واقعی می شود. این دو وضعیت در بزرگترین انتظار یعنی مهدویت ، باعث ریزش و دورافتادگی خواهند شد. راهکار پیشگیری از این آفت ها، تقویت ایمان و ارتقای تاب آوری در مسیر انتظار، .....  

---

الانتظار هو ترقب الطريق و القلق . الانتظار الناتج من عد اللحظات لتحقق أمر ما في المستقبل . تأتي هذه اللقطات من عدم السكون في الزمن الحاضر أو السخط على الوضع الراهن، و تمنى حدوث حالة إيجابية و مطلوبة في المستقبل . فلذلك يجلب الانتظار معه القلق و الاضطراب و التوتر، و يرتبط جزء من المخاوف بطول فترة الانتظار و يرتبط جزء منه بأصل القضية و يرتبط جزء آخر بعواقبها و البعض الآخر متجه نحو المنتظر و أحواله و وضعيته . القلق بالنسبة الى ميزانية الاستعداد و تحصيل الشروط اللازمة في النفس لأجل الأمر المتوقع و بالطبع كلما كان الأمر المتوقع أكبر و أعظم أهمية ، زادت الضغوط و القلق و الاضطراب . فلذلك يكون الانتظار دائماً مصحوباً و مرتبطاً بالصبر و الإطاقة . و كلما كان الانتظار أكبر و أكثر فيطلب صبراً أكبر و أكثر . فلولا هذا الصبر و الإطاقة مع الإيمان القوي في مسار الانتظار سيقى خطر السقوط . السقوط الناتج إما من التقهقر أو من الاستعجال التقهقر الناشيء من عدم تمهيد شروط الاستعداد لمواصلت طريق الانتظار أو عدم التأهب بسبب طول فترة الانتظار . و الاستعجال الناتج من عدم تحمل فترة الانتظار مما يؤدي الى منتظر مصطنع عوضاً عن المنتظر الحقيقي . هاتان الحالتان تسببان السقوط و الابتعاد عن أعظم انتظار يعني المهدوية . و طريقة مكافحة هذه الكوارث، هي تعزيز الإيمان و تحسين المرونة في مسیر الانتظار، تحسين المعرفة، و تحمل المسؤولية الميدانية للانتظار . و في الوقت الراهن، يكون لأدعية المهدوية موقعها الخاص سيما الأدعية الواردة لدفع الوسوس و الأضرار و الزلات عن الانتظار .  

---

For this reason Awaiting is accompanied with anxiety, stress and apprehension. A part of the anxieties are with regard to the length of the period of Awaiting and a part in relation to the main event and a part in relation to its obstacles. Yet another part of the anxieties is in relation to the present and to the condition and situation of the waiting person himself. Anxiety in relation to the level of preparation and attaining the necessary conditions in oneself for that affair of the waiting person. Naturally, the bigger and more important the awaited affair, the more shall be these stresses, anxieties and apprehensions. Thus always the waiting of the companion is tied to patience and forbearance. The bigger and greater the awaiting, the bigger and greater are its demand for patience and forbearance because if this patience and forbearance of strong faith is not in the path of the Awaiting, there will be the risk of falling – a falling which is the result of falling behind or would be the outcome of haste. A falling behind which is the consequence of not furnishing the conditions of readiness for being on the Awaiting road or not being prepared for the length of time of the Awaiting and a haste arising from lack of forbearance of the waiting period that leads to self-made awaiting instead of true awaiting. These two situations in the greatest Awaiting meaning Mahdism will cause falling and remoteness. The solution to prevent these scourges is strengthening faith and promoting resilience in the path of awaiting, promoting ....

وَتُبِّئِنِي عَلَى طَاعَةِ وَايِّ أَمْرِكِ  
الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ ،  
وَيَاذُنِكَ غَابَ عَن بَرِّيَّتِكَ ،  
وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ ، وَأَنْتَ  
الْعَالِمُ غَيْرَ الْمُعَلِّمِ  
بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ  
أَمْرٍ وَايِّكَ فِي الْإِدْنِ لَهُ  
يَإِظْهَارُ أَمْرِهِ ، وَكَشْفِ  
سِتْرِهِ ، فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ  
حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا  
أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا  
عَجَّلْتَ ...

دعای در زمان غیبت





# Criterion and Yardstick for Deviation

## مقیاس الكشف الحقیقة و الباطل

۲۹

مهدویت و انتظار از آموزه های ویژه در مکتب شیعه است که تبدیل به یکی از ارکان آن شده است. بدین جهت در طول تاریخ آماج تعطیلی ها ، شبهات و تخریب ها بوده است. این در حالی است که جاذبه ها و کارکردهایش در داخل جامعه شیعه ، زمینه را برای سوء استفاده برخی فراهم ساخته است. بدین جهت تحریف ها ، انحراف ها و تفسیرهای غلط و وارونه داخلی هم به آن شبهات و تخریب ها اضافه می گردد. گستردگی این شبهات/گمراه سازی ها ، نباید ما را بترساند و وسعت آن را باید نشان حقانیت و درستی مسیر دانست، اگر به دو اصل تمسک کنیم: اول به مرجع ، معیار و میزانی که امامان معصوم علیهم السلام خود در دوران حضور در قالب سیستم علمای دینی صالح طراحی نموده و رشد دادند و ما را به آن ارجاع دادند. دوم رشد دادن قوه تعقل و تفکر در مسیر دین ورزی و مجهز شدن به دانش های معرفتی ، دینی و انس ویژه با متون دینی و علمی. با این سه گانه (تفکر، تعلم، مطالعه) ، از یک مخاطب سامع و آماده به گوش برای فرقه های انحرافی، تبدیل به یک دیندار مهاجم به منحرفین و مدافع از دین در برابر شبهات خواهیم شد. و فراخواهیم گرفت در دین و یا مهدویت، هر گونه مغالطه مانند بزرگنمایی، کوچکنمایی، واورنه سازی، تطبیق به خود، جزئی نگری و ...، روش های برای تحریف واقعیت و فریب ما با هدف فرقه سازی و ... است. ابطال آن مغالطه تنها با استفاده درست از هر آموزه در جای خود و در هندسه معرفتی و هماهنگ با دیگر آموزه ها است. کثرت مطالعه، همنشینی با علما، و انس با ادعیه راه نجات از این موارد است.

المهدویة والانتظار تعالیم خاصة فی المدرسة الشیعیة و أصبحت من أهم أركانها . لذلك عبر التاريخ، كان الهدف لعمليات التعطيل للشبهات والتخریب. هذا مع أن عوامل الجذب والوظائف للمهدویة داخل المجتمع الشیعی قد خلقت أفضیة لانتهاكها ایضا. إذن تضاف إلى هذه الشكوك والتدمیر، التشوهات والانحرافات الداخلية والتفسیرات الخاطئة. لا ينبغي أن یخيفنا مدى هذه الشكوك والتضلیل، و يجب اعتبار مدهاء دليلاً على صحة المسار، إذا التزمنا بمبدأين: أولاً: التمسك بالمعيار الذي صممه الأئمة المعصومون أثناء حضورهم في المجتمع من نظام علماء الدين الصالحين، ثم أحوالنا إليهم. ثانياً: تنمية قوة العقل والتفكير في اتجاه الدين، والتسلح بالمعرفة والعلوم الدينية ودراسة خاصة للنصوص الدينية والعلمية. بهذا الثلاث (التفكير، التعلم، الدراسة)، نصبح شخصاً متديناً بصيراً يهاجم المنحرفين ويدافع عن الدين ضد الشبهات والردود. وسوف نتعلم أنه في الدين أو المهدویة، فإن أي مغالطة مثل المبالغة، أو التقليل، أو التشويه، أو التطبيق بالنفس، والتحيز، وما إلى ذلك، هي أساليب لتشويه الواقع وخداعنا بهدف التفرقة والانحراف. ولا يتم اكتشاف وإبطال هذه المغالطات إلا خلال الاستخدام الصحيح لكل تعليم وكل علم في مكانه وهندسته المعرفية والدينية وفقاً للعالم الأخرى. وهكذا الدراسة بكثرة، ومرافقة ومجالسة العلماء على الدوام، وقرائة المستمر لادعية المهدویة متممًا، فكل هذه طرق للتخلص من هذه الفتن.

Mahdism and the Awaiting are of the unique concepts in the Shiah doctrine that has been transformed into one of its principles. For this reason throughout history it has been the target of rejections, doubts and subversions whereas its attractions and operations inside the Shiah community too has paved the way for its misuses as well. For this reason distortions, deviations and erroneous and inverted internal interpretations have also been added to those doubts and subversions. The enormity of these doubts / misguidance should not scare us and the criterion of its extent must be regarded as sign of truth and rightfulness of the path if we are to resort to two principles: Frist to the authority, criterion and measure that the Infallible Imams themselves designed and developed in the period of Presence in the form of system of competent religious scholars and thereafter referred us to it. Second, development of the faculty of reasoning and deliberation in the path of religion and being equipped with cognitive and religious knowledge and unique familiarity with religious and scientific texts. With these three elements (deliberation, learning and study) we shall be transformed from a listener and ready to listen audience for deviant sects to a faithful attacker of deviants and defender of religion in the face of dubious things. Moreover we shall learn in religion or in Mahdism (Messiahship), any kind of fallacious reasoning such as exaggeration, disparagement, inversion, comparison with self, partiality etc are methods for distortion of the truth and to deceive us with the aim of sectarianism etc... and annulment of that fallacious reasoning is only with right usage of every doctrine in its proper place and in harmony with other doctrines. The path to salvation in these instances is in plurality of study, keeping company with scholars of religion, and familiarity with supplications.

وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَبَيَّنَّا  
عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا  
فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ  
وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ  
بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ  
فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا،  
حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى  
ذَلِكَ، لَأَشَاكِينُ وَلَا  
نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ  
وَلَا مُكَذِّبِينَ ...  
وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا  
مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشَبْهَةٍ  
وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى  
لَا نُزِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا  
نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ ...

(دعا در زمان غیبت)







# Signs, Dubious Things, Religious Duty

## العلامة ، الوهم ، الوظيفية

۳۰

نشانه های ظهور ، بخشی از دانش ها و معارف مهدویت است. البته این معارف جایگاه و کارکرد خود را دارد. این نشانه ها نه برای تعیین تکلیف و رسالت، بلکه برای هشدار در زمان خاص است ؛ که زمان آن هم به علت درهم تنیدگی هندسه وار نشانه ها، که بخشی از آن آسمانی و غیبی است، از دسترس بشر خارج می باشد. در نتیجه این نشانه ها صرفاً نشانه هشدار است ؛ نه این که بر اساس خودتفسیرگری و به صورت مستقل دیده شود. با این وجود جاذبه اصل مهدویت از یکسو در کنار جاذبه نشانه ها، همواره زمینه ای برای وسوسه ها یا مجموعه ای از ادعاها را فراهم می سازد. مطالعه تاریخی فرقه سازی ها و ریزش ها در عصر امامان، الگویی برای کشف راحت و آسان این برداشت های انحرافی است ؛ که یکی از نشانه های عمومی آخرالزمان ، ( نه از نشانه های ظهور)، فراوان شدن مدعیان است. به ویژه کسانی که از رویدادهای پراکنده ، ناگهانی و یا بزرگ سوء برداشت داشته و سعی بر تحمیل آن بر جامعه دارند. و گاه گستره این مدعیان چنان می شود که از خودتفسیرگری به تفسیر وارونه می رسد. این در حالی است که رسالت ما در عصر غیبت هر چند زمان آن طولانی شود، بر اساس روایات عمومی اهل بیت و روایات مربوط به عصر غیبت و برخی از توقیعات و تشریفات مهدوی، همگرایی جهان شیعی و جاذبه آفرینی جهانی برای تشیع ، بر عملگرایی مکتبی است. بدین جهت بخشی از ادعیه مهدوی دعا برای افزایش صبر ، بردباری ، سلامت ایمان در آخرالزمان و کسب توفیق انتظار اجتماعی است.

علامات الظهور جزء من معارف المهدویة. بالطبع هذه العلامات لها مكاتبتها. لا لتعريف مهمة الانتظار بل للتحذير في وقت خاص. هذا مع انّ الكشف عن وقت العلامات بعيد عن متناول البشر بسبب التشابك الهندسي لها التي جزء منها الهی و خفی. إذن فهذه العلامات هي مجرد علامة تحذير لفترة زمنية معينة. نظراً لأن العلامة لها مكاناً في هندسة العلامات ، فلا يجب رؤيتها مستقلاً أو بناءً على تفسير الذات حتى تنشئ للفرقة جديدة. ومع ذلك ، فإن جاذبية المهدوية ، من ناحية ، جنباً إلى جنب مع الجاذبية الخاصة العلامات ، يثير دائماً سلسلة من الادعاءات. إن الدراسة التاريخية للفرق والانهيئات في عهد الأئمة نموذج لاكتشاف هذه التصورات المنحرفة. هذا مع أنّ إحدى علامات العامة لآخرالزمان ، بل من علامات الظهور ، هي انتشار المدعين. خاصة ممن لديهم سوء فهم للأحداث المتفرقة أو المفاجئة أو الكبيرة. هذا مع أنّ مهمتنا في فترة الغيبة مهما طال الزمان ، قائمة على احاديث العامة لأهل البيت وبناءً على احاديث المتعلقة بفترة الغيبة وبناءً على بعض التوقيعات و التشریفات المهدویة ، هو الانتظار و الجهد لتقارب المجتمع العالمي الشيعي وجاذبية انتشار العالمي لمذهب الشيعي العالمي على البراغماتية المدرسية. لذلك فان جزءاً من ادعية المهدوية دعا لزيادة التصبر و الاستقامة في طريق الانتظار و السلامة من الفتن و توفيق التعاون مع المومنين في سبيل الانتظار.

Signs of Reappearance are a part of the Mahdism knowledge and doctrines. However, these doctrines have their own place and function. These signs are not for defining obligation and mission; rather, they for warning in particular period. Moreover, due to geometrical interrelation of signs a part of which are divine and occulted its period is also beyond the reach of humankind. Thus these signs are simply warning signs for a particular period that is outside the reach of humankind because sign has a place in the geometry of signs so that it is not viewed on basis of self-interpretation and separately. However, in spite of the appeal of the fundamental reality of Mahdism (Messiahship) on one hand alongside the special attraction of the discussion of signs, has always furnished the background for temptations or a collection of claims. Historical studies of sectarianism and fallouts in the era of the Imams are a paradigm for easy and simple detection of these deviant deductions. Incidentally, one of the general signs of the End Times and not of the signs of Reappearance, is the abundance of claimants especially those that misinterpret the sporadic or sudden and or great events and try to impose it on society. Sometimes, the scope of these claimants leads from self-interpretation to reverse interpretation. However, our mission in the Era of Occultation even if it takes long is based on general narratives of the Ahl al Bayt and transmitted narrations related to the Era of Occultation as well as certain Messianic signs and visitations, convergence of the Shiite world and global attractiveness of Shiism over religious pragmatism. For this reason, an extract of the Mahdism Supplication is prayer for increasing patience and forbearance in the path of the Awaiting, soundness of faith in the End Times and being successful in social awaiting with other Shiah believers.

...وَلَا أَنَاذِعَكَ فِي  
تَدْبِيرِكَ وَ لَا  
أَقُولُ «لِمَ وَ  
كَيْفَ وَ مَا بَالُ  
وَلِيَّ الْأَمْرِ لَا  
يَظْهَرُ وَ قَدْ  
أَمْتَلَّاتِ الْأَرْضَ مِنْ  
الْجُورِ» وَ أَفْوُضُ  
أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

دعا در زمان غیبت



و لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ  
فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ  
لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا [نساء: ۶۴]



عرضه اعمال بر حضرت  
و مشاهده خطاها و لغزشها

$$108 = 2 \times 54$$

هفته مرتبه در طول سال مرتبه در هفته

حِينَ تَحْمَدُوا  
السَّلَامَ عَلَيْكَ



# The Most Compassionate Knowledgeable (forgiveness similar to the Prophet)

أكثر الأنفاس التي  
في العالم، معرفة و رعاية

٣١

امام مهر ، رحمت و مغفرت:

امام به دلیل جایگاهی که در نظام هستی و زندگی انسانی دارد، بالاترین مرتبه عبادت را باید داشته باشد. او با این عبادت در بالاترین مرتبه قرب ، تعالی و اتصال به آسمان خواهد بود تا بتواند ناظر به رسالت جهانی خود بالاترین آستانه صبر ، تحمل و مسئولیت پذیری را داشته باشد. از این منظر، عبادت سحرگاهی که از مستحبات بسیار اثرگذار است، برای او در مرز وجوب است. پس او همیشه سحر خیز است؛ چرا که هر روز مسئولیت و مأموریت سخت جهانی دارد که با عبادت سحرگاهی باید برای آن انرژی بگیرد. به ویژه هر دوشنبه و پنج شنبه که انبوه پرونده ها و نامه اعمال میلیاردها انسان به او عرضه می گردد. البته مشاهده این پرونده ها با لغزش های متنوع و فراوان، باعث خشم و نومیدی او نمی شود. چرا که او انسان کاملی است که مظهر و تجلی رحمت ، مهر ، بخشندگی و دلسوزی الهی هستند؛ که روح بلندش با عبادت جلا یافته است ، زیرا او امتداد پیامبران اسمانی و بلکه پیامبر آخرالزمان ص هستند که رحمة للعالمین بوده، و مأموریت داشتند تا برای بندگان خطاکار اما پشیمان طلب استغفار نمایند. بنابراین، از برنامه های پیوسته امام غائب<sup>عج</sup> در مواجهه با انبوه خطاها و لغزش های انسان ها به ویژه شیعیانش، در هنگام عبادت سحرگاهی، استغفارطلبی است. کاربرد این استغفار جلوگیری از انباشت لغزش هاست تا باعث ریزش افراد از ایمان ، دینداری و دور افتادگی آنان از امام زمان<sup>عج</sup> نگردد و زمینه ای برای توفیق پیوسته آنان همچنان فراهم باشد...

إمام الرأفة و الرحمة و الغفران:

يجب ان يكون للإمام أعلى درجات العبادة بسبب موقعه في نظام الوجود و حياة الإنسان. و يكون مع هذه العبادة ، على أعلى مستوى من القرب و العلو و الاتصال بالسماء حتى يتخلق بأعلى مستوى الصبر و التسامح و تحمل المسؤولية بصفته المشرف على رسالته العالمية. ومن هذا المنطلق ، فإن الدعاء بالأسحار ، التي من المستحبات الفعالة للغايت ، يكون على حد الوجوب عليه . لذلك فهو دائما مستيقظ . لأنه لديه كل يوم مسؤولية و رسالة عالمية صعبة ، فيجب أن يحصل من أجلها على الطاقة من خلال العبادة وقت السحر . خاصة كل يوم الاثنين و خميس ، عندما يقدم اليه مجموعة هائلة من الملفات و صحف أعمال المليارات الأشخاص . و بالطبع فإن رؤية هذه الملفات المسودة بزلات مختلفة و كثيرة لا تسبب له الغضب و اليأس . لأنه إنسان كامل تجلى فيه رحمة الله و محبته و مغفرتة و رأفته ، و الذي تتألق روحه النبيلة بالعبادة . و لأنه امتداد للنبي السماوي بل نبي آخر الزمان ، الذي كان رحمة للعالمين ، و كان موظفاً بالاستغفار للاخطئين التائبين . لذلك فإن من برامج الإمام الغائب<sup>عج</sup> المستمرة عندما يواجه كثرة أخطاء الناس و زلاتهم ، و خاصة الشيعة منه ، هو الاستغفار في عبادة الفجر . و كان تأثير هذا الاستغفار المنع عن تراكم الزلات حتى لا يتسبب تساقط الناس عن إيمانهم و تدينهم و إبعادهم عن إمام الزمان<sup>عج</sup> ، و لا تزال أرضية فلاحهم المستمر متاحة.

## The Imam of love, mercy and forgiveness:

Due to his position in the order of human existence and livin, the Imam must have the highest level of worship. with this worship, he will be at the highest level of Nearness to God, transcendence and connection with the heaven so that with regard to his universal mission, he can have the highest limit of patience, forbearance and responsibility. From this aspect, worship at dawn which is of the extremely effective recommended acts is for him at the boundary of obligatory acts. Thus he is always awake at dawn because everyday he has the difficult universal mission for which he must energize himself by worshipping at dawn. Especially every Monday and Thursday when large amount of files and book of deeds of billions of human beings are presented to him. Of course, looking at the files with their assortment and profusion of lapses dose not make him angry and dejected because he is the Perfect Human Being who is the symbol and manifestation of Diivine mercy, love, forgiveness and compassion whose lofty spirit has been polished with worship. moreover, he is the extension of the Divine Messenger and rather, Messenger of the End Times who was "the Mercy of the Worlds" and was charged with the mission of seeking forgiveness for the wrongdoer but remorseful bondsmen. Therefore, of the constant programs of the Absent Imam in the face of multitude of wrongdoings and lapses of human beings and in particular of his Shiah followers at the time of worship at dawn is seeking of forgiveness. The function of this forgiveness is prevention of accumulation of lapses so that it does not lead to loss of faith and piety of individuals and their remoteness from the Savior Imam and the grounds for their continued success is furnished as before ....

سید بن طاووس می گوید  
سحرگاهی وارد سرداب سامرا  
شدم ، صدای مناجات امام زمان  
را شنیدم که می فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا مَنَا  
خَلِقُوا مِنْ فَاضِلِ  
طِبْتِنَا وَ عَجَنُوا بِمَاءِ  
وَلَايَتِنَا اللَّهُمَّ أَغْفِرْ  
لَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ مَا  
فَعَلَوْهُ إِتْكَالًا عَلَى حُبِّنَا

...

پروردگارا، شیعیان ما ، از ما  
هستند، از زیادی کِلِ ما خلق  
شده اند و به آب ولایت ما  
عجین گشته اند، خدایا آنها را  
بیامرز و گناهانشان را عفو  
فرما.

(بهار / ج ۵۳ / ص ۳۰۲)



جغرافیای حوزه های علمیه



اعلام، خورشید پشت پرده

حدیث امام عسکری اشعر  
فَأَمَّا بَيْنَ  
كَلِمَاتِ بَيْنَ الْقَهْمَاءِ  
فِيأْتَانَا الْبَيْتَانِ...

توقيع امام زمان  
أَنَا الْخَوَاتِمُ الْوَاقِعَةُ  
فَأَرْجِعُ فِيهَا إِلَى زَوَاةِ  
خَدِيثِنَا، فَأَتُهُمْ حُجَّةً  
عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ آلِهِ  
عَلَيْهِمْ

آغاز دوران غیبت



غیبت صغری

دوران غیبت کبری...

وَلَاةٌ  
عُهُودِهِ...  
«جمال الاسود»



راهبری و هدایت سیاسی جوامع بشری یک ضرورت عقلی است؛ از قدیم بشر در جستجوی مدینه فاضله ای مبتنی بر رهبری راهبران دانش محور بوده است؛ ولی تمامی مدل های تجربه شده، حتی دموکراسی های مدرن، به جای دانش و فضیلت محوری به سوی قدرت و ثروت محوری رفته اند، اما در مکتب تشیع در فرایند دوران های سه گانه نبوت، امامت، غیبت و ساختار سیاسی بر مبنای رهبری و راهبری افضل الناس است. افضل الناسی که در عصر وحی، بر عهده پیامبران بوده، و پس از خاتمیت در راهبری امامان و در عصر غیبت در راهبری افرادی که دارای سه گانه دانش، تقوا و معنویت، مدیریت و تدبیر باشند بوده است؛ تا با راهبری گام به گام و مبتنی بر زمان شناسی، جوامع شیعی دوران غیبت را به سلامت سپری کنند و مانند دیگر جوامع اسلامی در حیرت، سرگردانی، پراکندگی، فتنه ها و رها شدگی ها گرفتار نباشند.

القيادة السياسية- وتوجيه مجتمعات البشرية ضرورة عقلانية. و منذ العصور القديمة، تبحث البشرية عن المدينة الفاضلة القائمة على قيادة العلماء. لكن جميع النماذج التاريخية و المتمرسات حتى الديمقراطيات الحديثة قد ذهبت إلى ارباب القوة و الثروة بدلا من العلم و العلماء و ذوي الفضائل. و لكن في المدرسة الشيعية في كل من الادوار الثلاثة «النبوة و الإمامة و عصر الغيبة»، تقوم البنية السياسية على قيادة «افضل الناس». «افضل الناس» الذين في فترة النبوة ظهوروا في الانبياء، ثم بعد الخاتمية في الائمة الاثني عشر عليهم السلام. و بعد بدء فترة الغيبة في نيابة علماء الذين لهم ثلاثية «العلم و التقوى و علم الإدارة». لذلك يقودون العلماء للمجتمعات الشيعية على الوقت طوال في فترة الغيبة خطوة بخطوة نحو الصحة و الأمان، حتى لا تكون مثل المجتمعات الإسلامية الأخرى التي تقع في الفوضى و الدهشة أو الحيرة أو الفتنه الفكرية و السياسية.

Political guidance and leadership of human society is a rational necessity. Since ancient times, humankind has been in quest of an ideal state based on leadership of guides centered around knowledge. However all the models experienced, even modern democracies instead of being centered around knowledge and virtue have been centered around power and wealth. However, in the Shiite school in the process of the three periods of prophetic mission, Imamate and occultation, the political structure is based on the leadership and guidance of the most deserving human being. The most deserving human being that in the Era of Revelation is in the guidance of prophets and after the Seal of the Prophets is in the guidance of Imams and in the Era of Occultation is in the guidance of individuals who are in possession of the three aspects of knowledge, piety and spirituality, management and prudence. This is in order that with step by step guidance based on chronology, they guide Shiite communities safely throughout the period of Occultation and should not be like other Islamic communities which are caught in confusion, perplexity, dispersion and sedition or abandonment.

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى  
وَلَاةِ عَهْوِدِهِ وَ  
بَلَّغْهُمْ

أَمَانَتَهُمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ  
وَ أَنْصُرْهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُ

مَا

أَسْتَدْتِ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ

دِينِكَ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ

أَعْوَانًا وَ عَلَى دِينِكَ

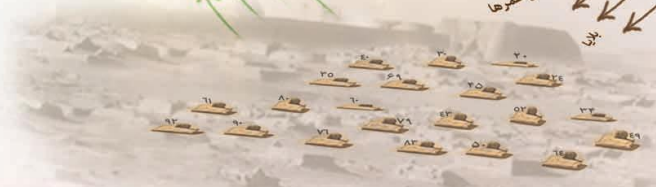
أَنْصَارًا

«جمال الاسبوع»

دعایی از حضرت رضا علیه السلام  
برای امام زمان



السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ



فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي ...  
مَلِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي ...

فرازی از دعای عهد



## اهروز؛ برای اهروز، یا برای اهروز و فردا:

در زندگی مدرن امروزی، آدمی تشویق به آزادی بی حد، حصر و پا گذاشتن روی بسیاری از ارزش های انسانی و اخلاقی می شود، به تصور اینکه زندگی زمینی ما تنها یک مرتبه وجود دارد، ولی نه تنها عقل و فطرت، بلکه علم هم اثبات میکند که زندگی فراتر از مرز های کنونی امکان پذیر است. البته این که زندگی دوم در عوالم و دنیا های دیگر باشد، آموزه مشترک ادیان آسمانی است؛ ولی مسئله درباره زندگی دوباره بر روی همین زمین است. امروزه امکان بازگشت به زندگی زمینی، به ایده آل های علمی وارد شده است و بر اساس آن برخی مخزن های نگهداری بدن یا سلول های بنیادی ایجاد گردیده. این در حالی است که از جهت عقل و دین هم، زندگی دوم زمینی استبعادی ندارد. البته زندگی دوم زمینی غیر از تناسخ است؛ چرا که در تناسخ روح انسان در کالبد موجودی دیگر ظاهر می شود؛ ولی «زندگی دوم» یعنی بازگشت انسان بر روی زمین با همین هویت انسانی و برای تجربه کردن زندگی متفاوت می باشد. در میان ادیان و مذاهب دنیا، تنها مکتب تشیع است که به زندگی پس از زندگی در همین دنیا معتقد است و نامش را «رجعت» می گذارد. رجعت: زندگی ای نوین فراتر از محدودیت ها و با ظهور و بروز حداکثر توانائی های انسانی، شکوفائی آیات الهی در طبیعت، و با حضور مستقیم جهان غیب در زندگی آدمی است. به همین دلیل مهدویت در اندیشه شیعه، خود دوره ای گذار برای انتقال از محدودیت های تاریخی، به زمین ملکوتی آینده می باشد. آینده ای که دورانی ویژه و بیکران از جهت زمان، کمیت ها و کیفیت هاست. ناظر به این واقعیت مهم پایانی که شروعی جدید برای حیات زمینی است، که بخشی از ادعیه مهدوی متوجه مسئله زندگی پس از زندگی و رجعت هستند.

## الیوم؛ لیوم أو لیوم و غدًا:

في الحياة الحديثة اليوم، يتم تشجيع المرء نحو الحرية المنفسخة بحيث يدوس حرية مطلقة على الكثير من القيم الإنسانية والأخلاقية، زاعماً أن حياتنا الأرضية موجودة مرة واحدة فقط. لكن ليس العقول الفطرة فقط، بل حتى العلم أيضاً يثبت أن الحياة خارج الحدود الحالية ممكنة طبعاً، حقيقة وجود الحياة الثانية في عوالم أخرى هي فكرة شائعة بين الأديان السماوية لكن السؤال يتعلق بالحياة مرة أخرى على هذه الأرض. فاليوم، دخلت إمكانات العودة إلى الحياة الأرضية في المثل العلمية، وبناءً على ذلك، أحدث تبعض مخازن الحفاظ على الجسم أو الخلايا الجذعية. هذا على الرغم من حقيقة أنه من وجهة نظر العقل والدين، لا يستبعد الحياة الأرضية الثانية. نعم، تختلف الحياة الأرضية الثانية عن التناسخ لأنه في التناسخ تظهر النفس البشرية فيجسد كائن آخر. لكن الحياة الثانية تعني عودة الإنسان على الأرض بنفس الهوية البشرية و لتجربة حياة مختلفة. و المدرسة الشيعية هي الوحيدة بين ديانات العالم التي تؤمن بالحياة بعد الحياة في هذا العالم و تطلق عليها اسم الرجعة. الرجعة هي: حياة جديدة خارجة عن حدودها و مع ظهور أقصى قدرات الإنسان، و ازدهار الآيات الإلهية في الطبيعة، و الوجود المباشر لعالم الغيب في حياة الإنسان. لهذا السبب، المهدوية في الفكر الشيعي هي فترة انتقالية للانتقال من القبول التاريخية إلى أرض الملكوت المستقبلية. المستقبل التي حقبة خاصة و لا نهائية من حيث الوقت و الكميات و الصفات. نظراً إلى هذه الحقيقة المهمة و هي أن النهائية هي بداية جديدة للحياة الأرضية، فإن جزءاً منا لأدعية المهدوية متجه نحو قضية الحياة بعد الحياة و الرجعة.

## Today for today, or for today and tomorrow:

In today's modern lifestyle, a person is encouraged to unlimited and unrestricted freedom and treading on many of the human and moral values in the belief that we have just one earthly life to live. However, not only reasoning and inaye nature, Rather, science too has proven that it is possible to live beyond the present boundaries Of course as to the second life second life being in other worlds and universes is the shared doctrine of the Divine religions but the question is about second life on on this earth. Nowadays, the possibility of eturning to earthly life has entered the theoretical ideals on the basis of which certain storage tanks for preserving bodies or stem cells have been invented. This is whereas from the aspect of intelligence and religion too, there is no probability of a second life on earth However, the second life on earth is other than reincarnation because in reincarnation, the human soul appears in the body of another creature whereas 'the second life' means the return of a human being to earth with the same human identity and for experiencing a different life Among the world's religions and schools of thought, only the Shiite school believes in life after life in this very world and calls it "Raj'at" or return "Raj'at" or return is a new life beyond limitations and with the appearance and manifestation of maximum human capabilities, the flourishing of Divine Signs in nature and with the direct presence of the Invisible World in a human beings life For this reason, Mahdism in Shiah thought is itself a passing phase for transfer from past limitations to the celestial world of the future – a future which is a special and infinite period in terms of time, quantities and qualities With regard to this important final reality which is a new beginning for worldly life, an extract of the Mahdism (Messiahship) Supplication is devoted to the question of life after life and 'Raj'at' return.

اللَّهُمَّ  
إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ  
بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي  
جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ  
حَتْمًا مَقْضِيًّا  
فَأَخْرِجْنِي  
مِنْ قَبْرِي ...  
مُلَبِّيًا دَعْوَةَ  
الدَّاعِي ...

فرازی از دعای عهد



بشهر الله الرحمن الرحيم  
يا أيها الذين آمنوا في ليلة القدر ﴿١﴾ تتنزل آياتنا في ليلة القدر ﴿٢﴾ ليلة القدر خير من ألف شهر ﴿٣﴾  
تدل الملائكة والنور فيها بأذن ربهم من كل أمر ﴿٤﴾ سلام من حتى مطلع الفجر ﴿٥﴾

بن جنيبنا  
بن خليلنا  
بن ناخينا  
بن قائلنا  
بن خياظنا  
بن ليانا



امن ختك  
حتى تسكنه

بن جنيبنا  
بن خليلنا  
بن ناخينا  
بن قائلنا  
بن خياظنا  
بن ليانا

البيوت  
البيوت  
البيوت

بن جليل آتانه  
صلى الله عليه وسلم  
بن خليلنا  
بن ناخينا  
بن قائلنا  
بن خياظنا  
بن ليانا



بن جنيبنا  
بن خليلنا  
بن ناخينا  
بن قائلنا  
بن خياظنا  
بن ليانا

البيوت	البيوت	البيوت
بن جنيبنا	بن خليلنا	بن ناخينا
بن قائلنا	بن خياظنا	بن ليانا

الله أكبر





# The Night of Destiny

# ليلة القدر والتقدير

٣٤

سال يك واقعيت طبيعى در زندگى آدمى و برگرفته از چرخه طبيعت است. از كاركردهاى آن ، طراحي برنامه و تعريف حساب و كتاب ساليانه مى باشد . دو امرى كه معمولا در آخر سال صورت مى گيرد . اين امر برنامه نهاد هاى بين المللى ، دولت ها و حتى خانه و خانواده است . برنامه هاى ساليانه تنوعى بسيار را دارا ست كه بخشى مستقيم و بخشى غير مستقيم در سرنوشت ما تاثير دارد . از اين رو پيگير اخبار آن هستيم تا هر ساله بتوانيم بهترين هماهنگى با برنامه هاى كلان را داشته و به دنبال آن بهترين و بيشتريين خروجى و موفقيت را ثبت كنيم . در ميان اين برنامه هاى ساليانه ، يك برنامه آسمانى و غيبى هست كه مستقيماً به سرنوشت ما ربط دارد . در تدبير الهى ، همانگونه كه نظام ساليانه طبيعت براى جسم بشر است ، شى آسمانى هم براى حسابرسى و برنامه ريزى ساليانه انسانى و معنوى قرار داده شده است . شى كه قضا و قدر الهى و آسمانى مى باشد . شب قدر ، در ميان ماه مبارك رمضان براى تقدير ساليانه آسمانى ، همه هستى و تك تك انسان ها است ؛ تا از معبر «تنزل الملائكة والروح» اتصالي ساليانه به امام زمان عجل الله فرجه برقرار شود ، پس نظام هستى نه تنها در نظام طبيعت خود ، بلكه در نظام راهبرى غيبى انسانى ، داراى طرح و برنامه است كه كانون آن امام زمان عجل الله فرجه در شب قدر هستند پس من به عنوان يك فرد انسانى ، هم از جهت جسمى و هم از جهت روحى جزئى از اين برنامه ها هستم ؛ البته در اين تقدير آسمانى ، مى توانم نقش آفرين موثرى باشم ، اگر بر بستر ماه مبارك رمضان فرايند جامعى از تطهير ، تزكيه و تعالى را سپرى و اتصال خود را با امام زمان عجل الله فرجه تقويت کرده باشم ، تا در نهايت بتوانم در شب سرنوشت پيوسته دعائى را در حق حضرت زمره نمايم كه بركتش نه تنها به من ، بلكه به همه انسان ها بازگردد.

السنة حقيقةً طبيعياً في حياة الإنسان ، و مشتقة من دورة الطبيعة . و من مهامها ، مثل دورة الحياة السنوية للمواسم ، تصميم البرنامج السنوي في عالم الإنسان ، يليه تحديد الحسابات السنوية . لذلك ، قبل نهاية العام ، يقوم الجميع بإجراء محاسبة سنوية . و عشية بداية كل عام ، يقدمون خطة و برنامج العام الجديد . هنا هو مسار و برنامج المؤسسات الدولية و الشركات و المكاتب ، وحتى في المنازل العائلات . تؤثر بعض هذه البرامج السنوية بشكل مباشر و غير مباشر على مصيرنا . لذلك و بطبيعة الحال ، نتابع أخبارهم حتى نتمكن من الحصول على أفضل تنسيق مع البرامج و الخطط الكبيرة كل عام ، حتى نتمكن من الحصول على أموال و ائتمان أكثر و أفضل من البرنامج ، لتسجيل أفضل و أكثر المخرجات و النجاحات . لكن من المدهش أن من بين هذه الخطط السنوية أهم و أعلى خطة سنوية ، و هي الخطة السماوية الوحيدة التي تؤثر علينا و على مصيرنا بشكل مباشر ، لكن اهملناها و ربما لا نوليها الاهتمام اللازم . ففي المخطط الإلهي الذي أنشأ النظام السنوي في الطبيعة و الجسد البشري ، تم تحديد ليلة و راحة سماوية أيضاً للتدقيق و التخطيط السنوي . و هي ليلة للقضاء الألهي و قدرها . تقع ليلة القدر في اواخر شهر رمضان المبارك ، حيث يتم تقدير الخطط الإلهية السنوية لجميع المخلوقات ، و لكل البشر و لكل واحد منا فيها . ثم من مسار «تنزل الملائكة والروح» تعطى هذه البرامج الى امام العصر عجل الله فرجه لانه الامام و المدير الخفى لهذا العالم . لذلك ، فإن نظام الوجود له برنامج سنوي و هي ليس فقط في نظام طبيعته ، بل يشمل أيضاً النظام البشري في مجال قيادته الخفية و الغيبية المتمركزة حول امام العصر عجل الله فرجه و زمن ذلك البرنامج ليلة القدر . و كل منا جزء من هذا البرنامج جسدياً و باطنياً . و بالطبع يمكنني أن لعب دوراً في هذا التخطيط السماوي . اذا اشغلت شهر رمضان المبارك ، بسلوك شامل من التطهير و التزكية و التعالي . هذا مع الاهتمام بتعزيز علاقتي مع الإمام ، حتى رزقني الله التوفيق للدعاء في ليلة القدر على الدوام و الاستمرار لسلامته و لتعجيل فرجه . لان الدعاء له ، دعاء للجميع . فتعود بركاتنا إلى و إلى جميع الناس . و الدعاء هي هذه : (اللهم كن و لي امرك ... )

The year is a single natural reality in the life of a human being which is derived from the cycle of nature. One of its functions such as the yearly life cycle of seasons, is the drafting of the annual plan and sequel to it defining the yearly operations. For this reason before the end of the year, everybody proceed with annual accounting and also just before the beginning of every year present the new year's plan and program. This thing is the method and program of international bodies, governments, institutions and administrative offices and even of a household and family. Some of these yearly plans directly and some indirectly have effect on our destiny. Thus we naturally follow up their news so that every year we can have the best synchronization with the macro plans and likewise, have the most and the best financial and credit returns from the plan so that we record the best and most output and success. However, it is surprising that among these yearly programs we are negligent of the most important transcendent yearly programs and perhaps the only heavenly and occult program that is directly related to us and our fate and probably do not pay the necessary attention to it. In the Divine Scheme which has placed the yearly order in nature and for the human body, it has also placed a spiritual night for yearly accounting and yearly planning – a night which is for Divine and heavenly Providence. The Night of Destiny which is in the middle of the blessed month of Ramadan is a night in which the divine annual providence is determined for all of existence and all human beings and each and everyone of us. Thereafter, by way of “the descending of angels and the Holy Spirit” it is given to the Occult and Spiritual Guide – the Savior Imam (may God hasten his blessed Reappearance). Thus, the order of existence has a plan and program not only in its order of nature; rather, in the order of occulted guidance of human beings as well. Its central figure is the Savior Imam and its timing is the Night of Destiny. Moreover, as an individual human being, I am a part of this program both physically and spiritually as well.

اللَّهُمَّ كُنْ لِي وَلِيًّا  
الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ  
صَلِّوَانِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيِ  
آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ  
وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لَيْلًا وَ  
حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ  
نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا  
حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ  
طَوْعًا وَ تَمَتَّعَهُ فِيهَا

طويلا

دعای سلمی  
امام زمان عجل الله فرجه

